

مستاحم ہے عبارت از موندن های است که در صورت فقدان ادله دیگر و
وجود لوٹ، سگنی برای اثبات جنابت عدوی یا غیر عدوی یا جنسیت آن
و مستم برای دفع اتهام از خود اقامت کنند من مستاحم ابتدایاً حق سگنی است
حق مدعی علیه نیست،

مبنای مستاحم و وجود لوٹ است. لوٹ در لغت به معنای الودی است
و در برهانی و دلیل لغتی می شود که موجب ظن قاضی است. لوٹکاب جنابت
یا خود لوٹکاب از جانب مستم می شود در واقع لوٹ صفتی است نه علم
لوٹ ظن آور است و ظن آور نیست.

ظن سگنی
ظن سگنی
ظن سگنی
ظن وجود مقتول در محل تردد اطفال معنی
ظن سگنی

اقدامات متاخر بر حدود لوٹ (بعد از لوٹ چهار باید کرد)

تخصیص اقدام در وقوع مستم است که دلیل بر بیگناهی یا نفس اتهام از خود ارائه کند
اگر مستم دلیل آورد، نوبت به قاضی است تا محاکمه کند و مستم تبرئه می شود در

رومین اقدام، مزاحمت سگنی، در اینجا ۲ حالت قابل تصور است
حالت اول، اقامت مستاحم

حالت دوم، عدم اقامت مستاحم که خود من ۲ حالت را در بر
بدون رد به مستم
با رد به مستم

در حالت اول (اقامه) ، شاکی مکلف است برای اثبات ضابط عدلی
به شرح مذکور در قانون اقامه ضابط کند ضابط قاعده در این حالت برای
اثبات قتل عدلی ، سوگند و نفرات و یا تکرار سوگند ، قتل ثابت نمی شود
فقط اگر شاکی بتواند ضابط و یا تکرار کند ، قتل ثابت نمی شود و سوگند خوردن همان
ساعت و همچنین خوردن شاکی نمی تواند اثبات از تک قتم بخوردند
قسم و شرط شاکی قابل تکرار نیست

در ضایعات مادی قتل منظور ضایعت بر اعضا و منافع ، است که در واقع همان
مجبی علیه است ، می تواند در صورت نبودن نفرات لازم ، قسم و تکرار
کند ، ضابط قاعده در این حالت از تک یا ۹ مورد است (مستند ۱۴۵۶)

در چند نفر مستقیم به شرکت در یک ضایعت یا کت و لوگ علیه همه آنان
باشد ، اقامه تک قاعده برای اثبات شرکت در ضایعت ، کافی است
و لزومی برای اقامه قاعده برای هر یک نیست ، افزون بر این در صورت
تعدد شاکی نیز اقامه تک قاعده برای همه آنان کافی است یعنی لازم
نیست که در تمام از تک همان تک قسم بخورند
حق قاعده شاکی قابل ارجح بری است یعنی در ضابط قاعده
فوت کند هر یک از وارثان متوفی ، بدون نیاز به توافق دیگر ورثه یا سایر اولیای دم
حق مطالبه یا اقامه قاعده را دارد

حالت دوم (عدم اقامه قاضی توسط شاکی)

قتل یا جانیات یا دیون قتل غیر اعضا و ضایع فقط مثبت ریه است

حال آنکه قاضی در قتل هم مثبت ریه است و هم مثبت قضا (غیر)

هر ۲ راجح توانسته ثابت کند

شاکی اقامه قاضی نکرده، در این جا ۲ حالت دارد: ۱ بدون ریه مثبت
۲ با ریه مثبت

۱- در مورد حالت اول، مهتم در ضایعات عمدی یا تأمین ضایعات، آنرا

می‌تواند و حداکثر ۳ ماه پس از اقرار تأمین به شاکی مهلت دارد می‌تواند

اقامه قاضی کرده یا از مهتم، طالبه قسم نماید در صورت انقضای مهلت

و عدم اقدام، از تأمین مأخوذ، رفع اثر می‌شود، با این حال، حق اقامه قاضی

با مطالبه آن برای شاکی محفوظ می‌ماند (موردی مهتم در زمان نمی‌تواند)

۱- امتناع مهتم از اقامه قاضی

۲- با ریه مثبت مهتم

۳- اقامه قاضی توسط مهتم

در مورد حالت اول (امتناع مهتم از اقامه قاضی) مهتم، محکوم به پرداخت

دیه می‌شود (م ۳۱۹ ق.م.ا)

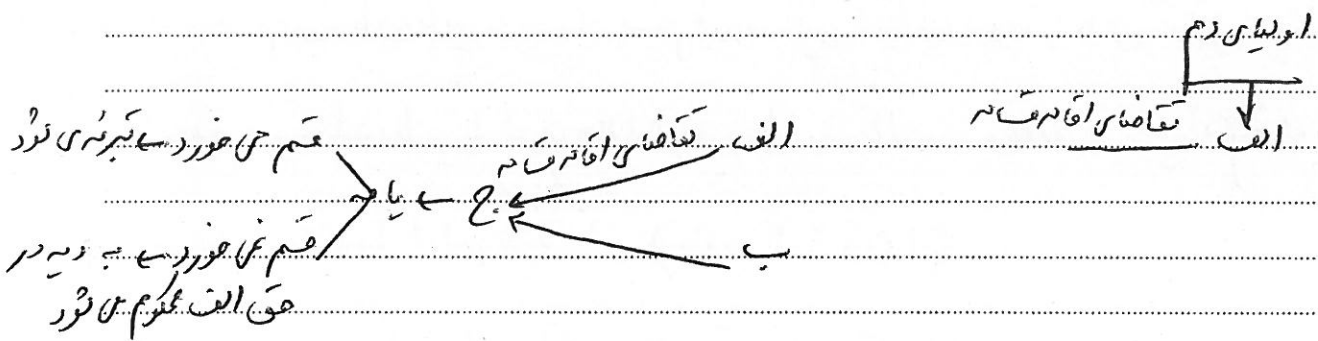
اقامه قاضی توسط مهتم ۸ در این حالت مهتم تلف است

شرع مذکور در قانون و به تعداد لازم براس برائت خود، اقامه قاضی نماید

و نصاب قاضی براس برائت از اتهام قتل عمدی ۵ نفر است

اکثر بقدر قسم خوردن طاقان، کمتر از نصاب باشد، موکدات یا تحقق نصاب تکرار
 می شود و باید استثنای هیچ موکد خوردنده این، خورد منهم، خواه برود باشد
 خواه نزل، همه موکدات را تکرار می نماید و تکرار می شود و توجه داشته باشد
 در صورت بقدر صیقل، هر کدام از آنها برای برائت خورد، تمامه مستقل باشد
 اگر آنکه نماید البته در این حالت هر یک از آنها می تواند به نفع قسم دیگر در ایام عسانه
 قسم بخورد

عسانه منهم، فقط نیت به معاضی قسم مسوع است و عسانه بر حق سایر
 اولیای دم منتهی برائت آنها ندارد (م ۳۲۵)



ماده ۳۲۵ معاضی با ماده ۳۴۵ ندارد

۱- قسم خوردن طایف باید بر روی بائنه غیر از کتف و شکر عینه

۲- قسم خوردن طایف باید از غویب انداز و بستگان بائنه (ببین و نبین بودن هم نیست، در کدام طبقه بودن هم مهم نیست)

۳- قسم خوردن طایف باید از کتف بائنه که اقبال اللام آمان بر وقوع خیانت موقوف باشد

۴- قسم خوردن طایف باید با علم (یعنی از روی فریم) قسم بخورند (یعنی با ایمان و ظن قسم نخورد)
شماره ۳۴۰، ۳۴۱

۵- قسم خوردن طایف باید رأیاً قسم بخورند یعنی ایمان مؤمنند قابل توکل نیست (۳۲)

۶- قسم خوردن طایف باید با لفظ جلاله (یعنی وا... با... و تلام... یا نام خداوند...
بسیار زبان ها دارند مؤمنند کنند (ماده ۲۰۳ ق ۱۴۱)

۷- مؤمنند خوردن طایف باید جاهل و بالغ و قاصد و مصلح بائنه

لوث یا در اصل خیانت است یا لوث در خصوصیات خیانت است مثل

عنف معنوی خیانت (عقد - سبه - عهد - قطعی محض) یا انفراد یا اشتراک مهربان

در جایی که لوث را معنی اصل خیانت یا لوث معنی اصل خیانت است (۳۳)

یعنی طرف محکوم به برداشت دیده می شود و لوث لوث نیست به خصوصیات خیانت

بائنه در این حالت چه ندرتاً اصل خیانت بلکه خصوصیات آن را نیز تأیید می کند

لوٹا مردرد و شہدہ محصورہ ۸

در لوٹ مردرد و شہدہ محصورہ ، ہذا حالت مقصورہ است ؛

۱۔ یقین ترتیب توسط ولی دم یا مخیر علیہ و اقامہ قسام (عادہ ۳۳۲)

۲۔ عدم یقین ترتیب توسط ولی دم یا مخیر علیہ و اقامہ قسام مردرد توسط ولی دم یا مخیر علیہ ؛ در این جا قاضی بعد از اقامہ قسام از مشران تقاضای سوندگی کند

در این جا ۲ حالت قابل تصور است م ۳۳۳

۱۔ امتناع ہم یا برخی از ادای سوندگی در این حالت مستغ یا مستغان

معلوم بہ دہ سے سوندگی

۲۔ ادای سوندگی توسط ہم مشران سے در این جا دینہ قتل بر عہدہ بیت المال

و در سایر حیایات بطور مساوی تقیم نمودن مشران

۳۔ لوٹ مردرد در دم ، شہدہ محصورہ ہم نام عدم یقین ترتیب و رد قسام از نوں (۳۳۹)

ولی دم یا مخیر علیہ بہ مشران ؛ این جا ۲ حالت قابل تصور است

یا مستغان

۱۔ عدم اقامہ قسام توسط ہم یا برخی سے ایضا مستغ یا مستغان برداشت نہ است

۲۔ اقامہ قسام توسط ہم سے در قتل دینہ از بیت المال برداشت سے نمودن

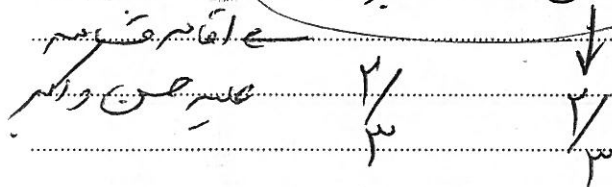
و در سایر حیایات دینہ ایس برداشت نمودن چون طرف بیگناہ است

لوٹ علیہ صلاۃ نذر است . ولی ادعای شکی گزار از لوٹ است

صلاۃ نذر در این حالت قاصر و مینای لوٹ اقامت می شود ولی شکی در

بخار و قصاص کند یا بدیه هر کدام $\frac{2}{3}$ آریه را مرد کند

ادعای شکی ← اعد عن لکر ← و مورد لوٹ



تقریباً یعنی اینقدر را از داری نیند ، هر قدر را بگویند (۳۴۳)

موتند دروغ بوم است (۶۴۹)

مجازات صایات عمدی ۸

۱- در فرقی قتل عمدی

مجازات را باید ۲ قسمت کنیم

۱- در فرقی قتل عمدی ۳ مجازات حسب مورد قصاص - دیه و نکر

- است
- ۱- شریک نبوت قصاص
 - ۲- شریک اولی قصاص نفس
 - ۳- جوانی اولی قصاص نفس
 - ۴- جات سقوط قصاص نفس

شریک نبوت قصاص نفس ۳ تا است که این ۳ تا هم تقسیم بندی خاصی دارند

- ۱- برابری در دین
- ۲- برابری در عقل
- ۳- انتقاء اولی

برابری در دین و

۱۔ ہر دو مسلمانند یعنی ترسب و محب علیہ ہر ۲ مسلمانند در این جا عصا من ثابت است

۲۔ ہر ۲ غیر مسلمان سے در اینجا عصا من ثابت است ، صرف نظر از

اینکہ تابع و خراس (ملائیکہ پہاڑی و یک بورلیس ، فرقہ نما کند چون ۴۱۰ م

ہی کردہ در این میان تفاوتہ میان ارباب و فرقہ ہاں مختلف نہایت

۳۔ ترسب مسلمان و مقتول غیر مسلمان سے در اینجا عدم عصا من ثابت

۴۔ ترسب ، غیر مسلمان و مقتول مسلمان سے عصا من ثابت است

۵۔ ترسب ، مسلمان (زمین یا مٹاؤں) و مقتول حربی سے عدم عصا من (تبرہ ام ۳۱۰ م)
کس نہ پناہ آورده

برابری در عقل (۴ حالت قابل تصور است)

۱۔ ہر ۲ عاقلند (یعنی ہم ترسب ہم محب علیہ) سے عصا من

۲۔ ہر ۲ دیوانہ است (یعنی ہم ترسب و ہم محب علیہ) سے عدم عصا من

۳۔ ترسب ، عاقل و مقتول دیوانہ سے عدم عصا من

۴۔ ترسب دیوانہ و مقتول عاقل سے عدم عصا من

انتفاء ابوت و (۳۹)

عصاهن در صورتی ثابت می شود که ترتیب، پدر یا یکی از اجداد پدری (عجی) علمیه نباشد.
 اجداد یا جد پدری فرق می کند یعنی کسی نسبت به خود را همیشه بازنه عصاهن نمی شود.
 نسبت حقیقت عرفیه است بین کسی که فرزند یا نوه ^{یا شیخ} ~~عصاهن~~ است را به
 قتل برساند یا ضایع بر او وارد کند، عصاهن ثابت نیست (یعنی صرفاً به رسم و
 تفریح محکوم می شود) ولی ضمن شخص در صورت قتل فرزندش طبعی است توسط
 مالک، نمی تواند صاحب حق عصاهن باشد زیرا حق عصاهن به ورثه می رسد
 و ورثه در واقع باید نسبت شروع داشته باشد. ^{مسلمان} ~~عصاهن~~ نمی تواند باشد

که پدر یا جد پدری غیر مسلمان باشد و فرزند و نوه ^{مسلمان} ~~عصاهن~~ را به قتل برساند یا
 مصدوم کند یا زخم عصاهن نمی شود، زیرا اولی در این زمینه، اطلاق دارد.

۱- شرایط اجداد عصاهن نفسی و

۲- تقاضای ولی یا اولیای دم و

۳- اذن ولی امر و

۴- رد تقاضای رسم و

۵- استناده از شیوه های متعارف و

ولس یا اولیای دم، همان در شرع مقتول است به غیر زوج یا زوجه که حق قصاص ندارند یا این حال اگر حق قصاص به هر علت تبدیل به دیه شود یا به مال یا حق مصالحه گردد، هر مقتول نیز ارث می برد.

اگر برخی اولیای دم، خواهان قصاص و برخی خواهان دیه باشند، هر مقتول از سهم دیه اشخاص خواهان دیه ارث می برد. تذکر این نکته ضروری است که ضایحه صاحب حق قصاص فوت کند، حق قصاص به ورثه او می رسد حتی اگر هر مقتول یا اگر (م ۳۵۳) یعنی بطور مستقیم ارث نمی برد، بطور غیر مستقیم ضایحه خرد است یا اگر یک در ضایعت عملی از ورثه باشد، ولس دم به شمار نمی آید و حق قصاص و دیه ندارد و حق قصاص را نیز به ارث نمی برد و اینها اگر ورثه معاوان در قتل باشند، از دیه ارث می برد.

اگر شخص در قتل معاوانت در قتل مرتکب خود مدافعانه مرده باشد،

حق دیه و قصاص را از دست نمی دهد (۳۵۷ ق ۱)

هر کس می تواند از عزم خود منتهی شود به شرطی که ممانعت یا تریک نباشد ۲۵۷

ضییع ولس دم محسوب نمی شود مگر این که زنده تر از خود و قصاص هم ابراز کرده باشد.

در فرض ولی یا اولیای دم چند حالت قابل تصور است.

۱- حالت اول و مقتول، عاقد ولی یا اولیای دم است یا اگر همت
شاید شده است؛ در این حالت ولی عام، حکم ولی دم را دارد

۲- حالت دوم و مقتول، دارای ولی دم محجور است (منظور این است

که مجنون یا صغیر است، سفیه می تواند ولی دم باشد) در این حالت

ولی قهری آنان تقسیم گیر می کنند یا رعایت مصلحت مولی علیه و جنانچه

ولی قهری نباشد یا شافقه نبود یا دسترس نباشد و ولی عام تقسیم می گیرد

۳- حالت سوم اینست مقتول دارای اولیای دم مقتدر است که برخی بگیر

و عاقل و برخی صغیر یا مجنون هستند، در این حالت در مورد صغیر یا مجنون،

ولی آنان با رعایت مصلحت، تقسیم می گیرد اگر اولیای دم بگیر و عاقل،

خواهان قصاص باشند و ولی صغیر یا مجنون، خواهان رد و در آن صورت

هم صغیر یا مجنون باید از طرف خواهان قصاصی توقع کرد

حقوق جزا / دکتر رستمی = به نام خدا - جلسه دوازدهم ۱۳۰۲/۲/۹۲

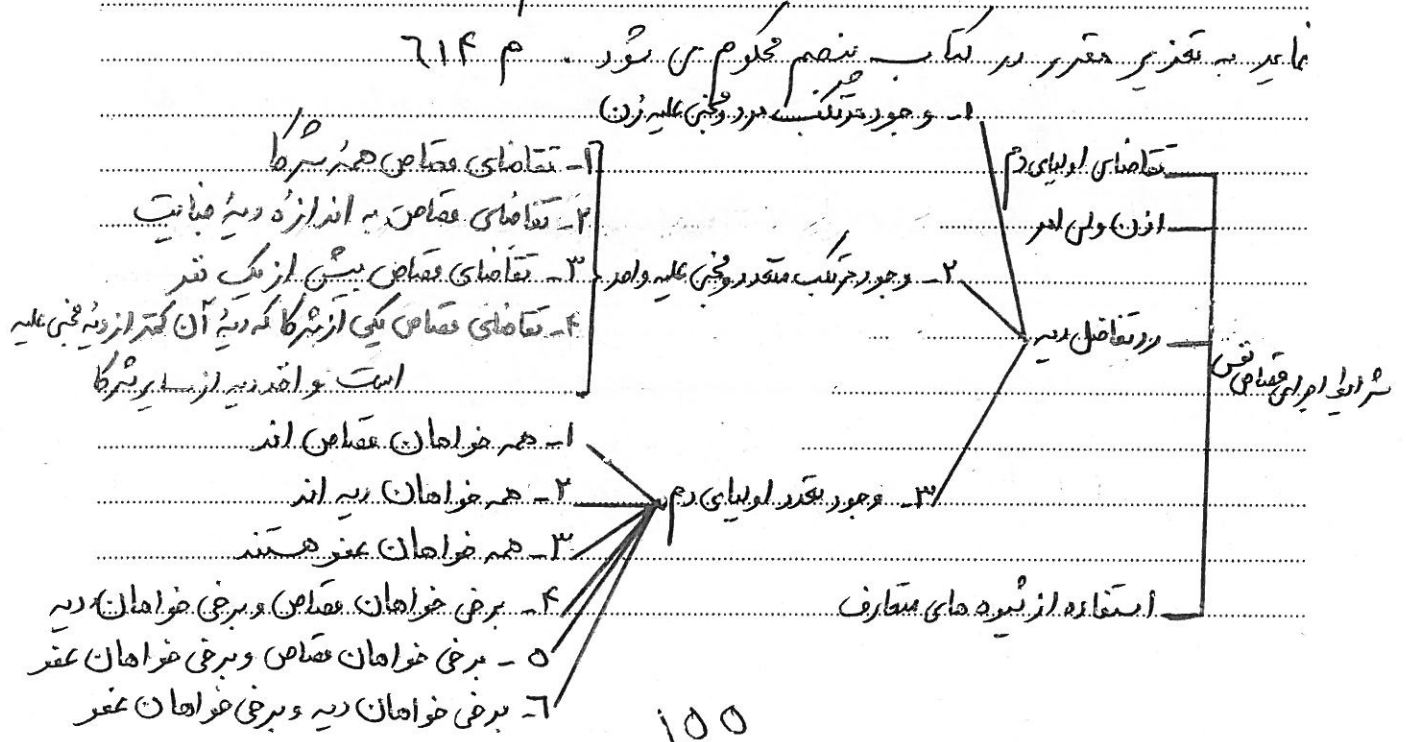
شرایط اجزای قصاص نفس

- ۱- تقاضای ولی دم
- ۲- اذن ولی امر
- ۳- رد تفاضل ربه
- ۴- استناده از سوره های متعارف

متصور از ولی امر، مقام رهبری یا نایب او است در اجزای قصاص، اعم از قصاص نفس یا قصاص عضو، استندان از مقام رهبری، شرط است این استندان برای تطایر بر صحت اجراء رعایت حقوق صاحب حق قصاص و اطراف کبر رعایت

در هر حال، در اعم استندان نباید مانع از اجزای قصاص شود (یعنی استندان باید صادر شود چون که قصاص حق الناس است م ۴۱۸)

چنانچه صاحب حق قصاص، بدون استندان، اقدام به قصاص قاتل یا مرتکب نماید به تعزیر محقر در کتاب پنجم مجرم می شود م ۶۱۴



در تعاقب دید: ۱) وجود مرتکب مرد و غیبی علیه زن: ۲

هرگاه زن مسلمان شود حق قصاص ثابت است لیکن وی هم زن باید
میش از قصاص، نصف دید کامل را به او برساند مگر آنکه مرتکب مرد غیر مسلمان
و مقتول زن مسلمان باشد که در این صورت مابین تفاوت پرداخت نمی شود

صیغه قاتل، یک مرد مسلمان و مقتول ۲ یا چند زن مسلمان باشد باز هم
مرتکب باید رعایت شود یعنی نصف دید بر هر قاتل از اهل این قصاص لازم است
که رد شود هر چند که به تکرار مرتکب مرد مسلمان، در این حالت (طانت افزای)
بنابراین به رد دید نیست که این خلاف تصور فقهاست

در صورتی که مقتول، غیبی باشد ۳ حالت قابل تصور است

۱- غلبه بر مرد دارد که در این صورت از چیزی رد نمی شود

۲- غلبه بر زن دارد که در این صورت از نصف دید باید رد شود

۳- غلبه این وجود ندارد و غیبی مشکوک است، در این صورت هم باید رد

شود تا بتوانیم مرتکب را قصاص کنیم / در این جا مقتول زن و مرتکب مرد است

و صیغه مرتکب، زن یا غیبی باشد و مقتول مرد، مرتکب قصاص می شود بدون اینکه

دید این پرداخت کند همچنین اگر مرتکب یک زن یا یک غیبی اما مقتول،

چند نفر مرد باشد باز هم دید این پرداخت نمی شود در واقع هر جا که دید صیغه

بیش از دین مقابل آن حیات دور مرتب باشد، به بیان ساده تر در مرتب
 کم تر از دین فحش علم باشد، چیزی در غم شود مانند آنکه زنی، مردی را یا
 غیر مسلمانی، مسلمانی را عداً بقتل برساند یا دست وی را قطع کند.

(۲) وجود نکر در مرتب و فحش علم و اهر ۸

۱- در جایی که تقاضای قصاص هم شود و بعضی در جایی که و بی یا اولیای دم
 خواهان قصاص هم سرکا باشند، قبل از ابرای قصاص باید تفضل دین را به همه سرکا
 رد کنند برای نمونه اگر مرتکبان ۳ مرد باشند و مقتول بی مرد و ولی دم مقتول
 قبل از ابرای قصاص باید به هر یک از سرکا $\frac{3}{4}$ دین را رد کنند و اگر ۴ نفر باشند $\frac{3}{4}$

در بی همین ترتیب قاتل ← ۱۰۰
 ۴ عدد مشوره $\frac{1}{4}$
 مقتول ← بیرون ← ۱۰۰

سه قاتل در مقابل دین مقتول - دین قاتل → از بی = دست

چیزی به مشوره تعلق نمی گیرد

$$5 = 50 - \left(100 \times \frac{1}{3}\right) \text{ مشوره}$$

۵ در هر مرد و هر ۲ را قصاص می کنند

$$50 = 100 - \left(100 \times \frac{1}{3}\right)$$

باید به مشوره در مورد (قاتلان احمد و مشوره)

$$25 = 50 - \left(50 \times \frac{1}{3}\right) \text{ مشوره}$$

مقتول (رکبان)

$$75 = 100 - \left(50 \times \frac{1}{3}\right) \text{ احمد}$$

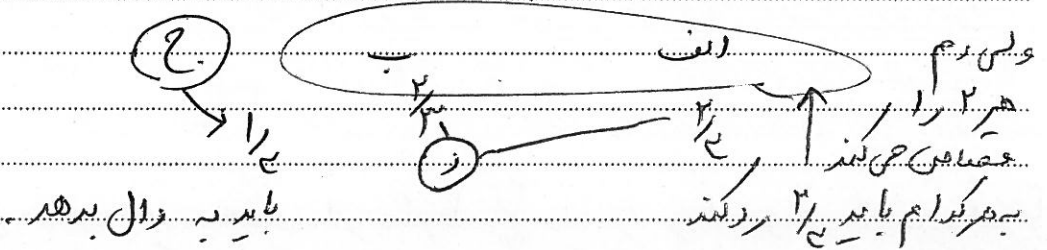
$\frac{1}{4}$ دین به مشوره

۲- تقاضای قصاص با اندازه دین جانیست.

در این حالت ولی دم، یکی از شرکاء در جانیست را قصاص می کند و جنزیه را نیز پرداخت می کند و در شرکاء باید بلافاصله سهم خود از دین را به قصاص بونده بپردازند.

۳- تقاضای قصاص، پیش از یک نفره

در این حالت، دین با زاری بر جانیست باید توسط ولی دم پرداخت شود و همچنین هر یک از شرکاء به قصاص نمی بوندند بلکه سهم خود از دین جانیست را بجهت خود در شرکاء بپردازند. (۳۷۳)



۴- تقاضای قصاص یکی از شرکاء که دین آن کم تر از دین جنی علیه است و اخذ دین از سایر شرکاء.
زنی → این بی عهده

ع - هر

طبق ماده ۳۷۴، ولی دم می تواند با اندازه دین جانیست

از شرکاء در جانیست را قصاص کند و جنزیه نیز را زود افزون بپایند، صاحب حق قصاص

می تواند یکی از آن شرکاء را که دین آن کمتر از دین جانیست است (مثلاً زن یا

جنی است) قصاص کند و ماضی دین را از شرکاء بگیرد. لکن صاحب قصاص نمی تواند پیش از این مقدار را از شرکاء بگیرد مگر در صورتی که بر مقدار بیشتر مصالحه نمایند.

۳- وجود تعدد اولیای دم ۹

در فرض تعدد اولیای دم ۶ حالت قابل تصور است

۱- همه خواهان قصاص اند و در این حالت شش نیت و ترتیب قصاص می شود

۲- همه خواهان دیه اند و در این جا قائل باید موافقت کند

در این جا در صورت موافقت قائل، دیه پرداخت می شود و ضایعیه قائل موافق

نباشد، دیه این رد نمی شود مگر آنکه قصاص قائل مستلزم رد تقاضای دیه باشد که

در این صورت قائل در صورت تقاضای اولیای دم بپرداخت دیه، ملزم به

پرداخت دیه است و رعایت اولیای دم است.

۳- همه خواهان عفو کنند

۴- برخی خواهان قصاص و خواهان دیه هستند و برخی

در این حالت خواهان قصاص، قبل از ابراء قصاص باید سهم دیه خواهان دیه را

بپردازند (دیه در اینجا تخلیف نمی شود م ۲۸۵)

۵- برخی خواهان قصاص و برخی خواهان عفو

در این حالت، خواهان قصاص قبل از ابراء قصاص باید سهم دیه خواهان عفو را

بپردازند

۶- برخی خواهان دیه و برخی خواهان عفو

خواهان دیه بر اساس هم بیان، دیه خواهند گرفت

چند نکته در باب تفاضل

۱- در صورتی که صاحب حق قصاص بدون رد ریه به سایر صاحبان حق قصاص که خواهان ریه بوده اند ترتیب را قصاص کنند، افزون بر برداشت ریه مذکور به مجازات مقدر در کتاب پنجم مکتوم می شود (م ۶۱۲ و ۶۱۴) این حکم در فرضی که در تفاضل باید به قائل صورت بگیرد نیز جاری است م ۴۲۶ و ۴۲۷

۲- در صورتی که خواهان قصاص، فاقد عمل یا اثر، بر در تفاضل ریه به ترتیب یا دیگر صاحبان قصاص و مصلحت در اجرای قصاص باشد با درخواست دادستان و تأیید رئیس قوه تفاضل از بیت المال برداشت می شود م ۴۲۸

۳- در صورتی که صاحب حق قصاص، بدون عذر حرج یا به علت ناتوانی در برداشت فاضل ریه یا جهت انتظار برای بلوغ یا افاقه مولی علیه، ترتیب را در وضعیت نامعین رها کند، یا شرط مکتوم علیه، در راه تهیه ریه و امضای کرده و صاحب حق قصاص اعلام می کند که در ظرف مهلت مذکور تقصیر بگیرد در صورت عدم اقدام در این مهلت، در راه ترتیب را به تقزیر بدل از قصاص مکتوم می کند و در صورت انقضای مهلت تقزیر و عدم اقدام توسط صاحب حق قصاص، ترتیب با قرار و بقیه مناسب و تأیید رئیس حوزه قضایی و رئیس قوه تفریحی استان، آزار می خورد. (حق قصاص) - مکتوم (بروز زمان) نمی خورد

جنانچه معتدل یا صاحب حق قصاص، طلبی از مرتکب داشته باشد، طلب فرزند
یا رضایت صاحب آن، فرزند بیرون رضایت مرتکب به عنوان ماضل در قائل
معاصیه است (ماده ۴۳)

۵- ماضل در یا بهم پرداختن سرک از زین حیاییت، متعلق به قصاصی نوتده است
و او می تواند هر تصرفی را در آن نماید.

۶- ماضل در، تغلیظ نمی شود مگر در مورد در این که سرطانی قائل به علت بهم بیان
از حیاییت، حسب مورد به قصاص نوتده یا ولی دم و یا به هر دو آن می پردازند
که در این صورت تغلیظ می شود (م ۳۸۵)

استفاده از شیوه های متعارف؛

طبق م ۴۳۶ قصاص نفس، فقط به شیوه های متعارف که کمترین آزار را به

قائل می رسانند ابرامی شود و در حال حاضر، استفاده از طناب دار، بهترین شیوه

برای ابرامی قصاص است
معلم کردن - نفس قطع

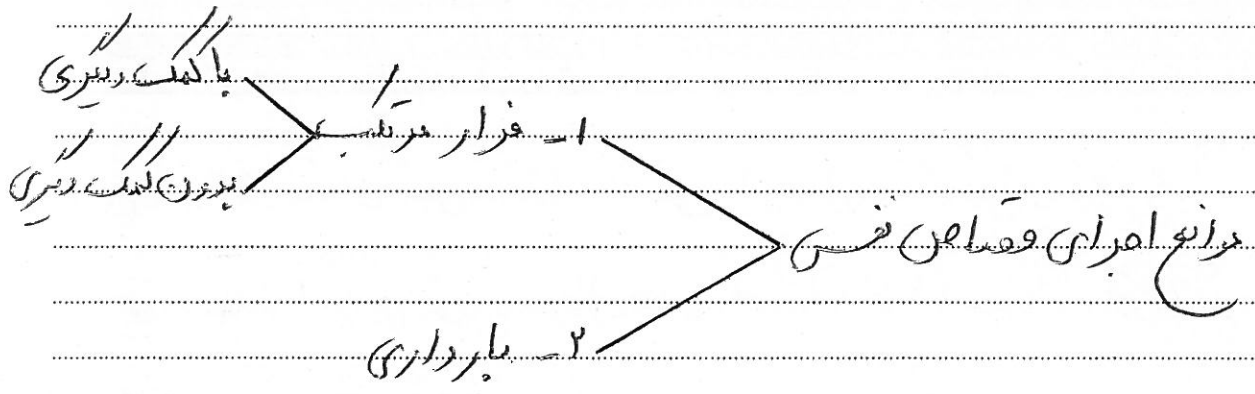
معلم کردن قائل می از ابرامی قصاص ممنوع و بموجب در و تخریر مقرر در کتاب پنجم است

و نیز تخریر حیاییت بر حرمه است پس از ابرامی قصاص نفس، قائل زنده بماند، حق

قصاص برای ولی دم، محفوظ است چون در حکم این است که قصاص نفس ابرامی است

اما اگر مرتکب بکونه این که جانزه نیست قصاصی ندره و آسیب دیده بانده می تواند
 با رعایت شرایط مربوط به قصاص عضو، قبل از ابرای قصاص نفس و ولی دم را
 قصاص عضو کند.

چنانچه ولی دم از قصاص نفس درگذرد (صرف نظر کند) قائل نیز حق قصاص عضو ندارد
 چنانچه قائل برای فرار از قصاص نفس حاضر به ابرای قصاص عضو، مصالحه یا نسیات
 نباشد، با شکایت ولی دم، جهالت مناسب تعیین ندره و به قائل اعلام می شود.
 در صورت عدم اقدام در جهالت مذکور، قائل قصاص می شود و ولی دم به تقییر مقدر
 در کتاب پنجم (م ۶۱۴) مجرم می شود یا این حال حق قصاص عضو برای ورثه
 قائل محفوظ است.



موانع اجرائی قصاص نفس و

۱- فرار مرتکب

۲- بارداری

در مورد فرار مرتکب ۲ حالت قابل تفرات است

حالت اول این است که مرتکب با ملک دیگری فرار می کند در این حالت ،

فراری دهنده به تحویل مرتکب ، ملزم می شود و چنانچه بازداشت فراری دهنده و تحویل

بماند و درگاه باید بنا به درخواست صاحب حق قصاص ، فراری دهنده را بازداشت کند

چنانچه مرتکب قبل از دستگیری بگریز یا دستگیری وی متعذر شود یا صاحب حق قصاص ،

رضایت دهد ، فراری دهنده آزادی شود در این حالت دیه از اموال مرتکب یا

فراری دهنده گرفته می شود فراری دهنده می تواند پس از پرداخت دیه برای

دریافت آن به مرتکب رجوع نماید اگر هم مرتکب مرده باشد از ورثه اش می گیرد

مبنای ماده ۴۳۴ است نه ۵۵۳

حالت دوم اینست که مرتکب بدون ملک دیگری فرار می کند یعنی را با فراری کند

در این حالت یا درخواست صاحب حق دیه صیانت از اموال مرتکب پرداخت می شود

و در صورت نبود اموال در خصوص تنگنای ، ولی دم می تواند دیه را از عاقله بگیرد و

در فرض نبود عاقله یا عدم دسترسی به آنها یا عدم تمکن آن ، دیه از بیت المال

پرداخت می شود

چنانچه پس از اخذ دیه ، قاتل دستگیر شود و اخذ دیه نیز به جهت لغت از قصاص نباشد

مرتکب قصاص من شور لکن قبل از اجرای قصاص، دین مرتکب سده مترجم مترجم
 م (۴۳۵)

۲- طبق م ۴۳۷ زن یا دریا که محکوم به قصاص نفس است نباید پیش از
 وضع عمل قصاص شور، اگر پیش از وضع عمل ترسیم تلف طفل باشد، تا زمان رفع خطر
 قصاص به تأخیر افتد.

جهات سقوط قصاص نفس:

- ۱- لذت دلی یا اولیای م
- ۲- لذت مجسمی علیه عمل از مرتکب (۳۶۵)
- ۳- وقوع سب (۳۶۶)

علی حسن احمد - قاتل

تقی تقی جعفر - مقتول

جهات سقوط قصاص نفس:

چون مقتول هر قاتلی مترجم است
 و ۲ نفر خواهان قصاص است در
 این صورت ممکن است کسی قصاص
 شود که در قتل مرتکب مدافعه نداشته
 است و قصاص با قاتل است

به جانی
 حق قصاص لا طبق قانون به ارباب مترجم

۴- فوت مرتکب (۴۳۵)

دین از احوال مرتکب بر حافت من شور
 ندانست عاقله ندانست بیت احوال

۵- اتمام ترتیب قبل از اجرای قصاص
 تبصره ۲ م ۳۱۰

مجازات مرتب در قتل عمدی → قصاص
 دینه
 تعزیر

دینه ۸

در موارد ذیل، مجازات قتل عمدی، ابتدا و بالذات، دینه است است

(۱) در صورتی که مرتکب مسلمان و مقتول غیر مسلمان باشد (در غیر مسلمان،

تفاوتی ندارد در عاقبت) اما دینه برابر است در غیر این صورت ۱۰۰ درهم)

(۲) در صورتی که مرتکب پدر یا یکی از اجداد پدری باشد (۳۰۱)

(۳) در صورتی که مرتکب، عاقل و عجن علیه (هان مقتول) دیوانه باشد (برعکس این

خطای محض است یعنی مرتکب دیوانه و عجن علیه عاقل باشد)

(۴) در صورتی که مرتکب، فرار یا فوت کرده باشد با رعایت شرایط ۴۳۴ و ۴۳۵

(۵) در صورتی که مرتکب، بیسبی از اجداد قصاص، مسلمان شده باشد در این باب هم

با غیر دینه پرداخت شود و قصاص ماقط است (دینه این که پرداخت می شود قانونی

است و غیر مصالح نیست)

(۶) در صورت وجود نسبه، بیسببی که در ماده ۳۶۶ بیسببی شده است

جهت پرداخت دینه و در قتل عمدی، اسال از تاریخ وقوع جنایت است

چنانچه صدور حکم بیسبی از اسال باشد در آن صورت

نهایی برای پرداخت دینه وجود ندارد

تغزیر و در صورتی که شاکس وجود نداشته باشد (متنطور از وجود این است که
شاکس، شطایت نکرده است) یا که نیست کرده باشد یا به هر علت
عصا من ثابت نشود (مانند مواردی که دریه برداشت می شود یا مواردی که اصلاً
دریه برداشت نمی شود مانند فرضی که مخفی علیه و غیر قابل حمایت باشد یا ضربی باشد
(انتها م ۳۱) و حرکتی به تغزیر بدل از عصا من و موضوع ماده ۶۱۲ مملوم
می شود.

بیزان تغزیر در این حالت ۳ تا ۵ سال صبی یعنی تغزیر درجه ۴ است
این تغزیر فوق العاده بوده و غیر قابل لذت و همصن منحل توتوق و تعلق
غی شود اما در نگاه می تواند معایزات حرکتی را تخفیف دهد.
تغزیر بدل از عصا من قابل آزدی مشروط است
در ۲ بند آفزم ۳۰۲ تغزیر هم نیست.

معایزات شروع به قبل بعدی طبق م ۱۲۲ و صبی تغزیر درجه ۴ (۵ تا ۱۰ سال)
در وقت تغزیر درجه ۳ قبل رافزنی و شروع به جرس ۵ تا ۱۰ سال
درجه ۴

عصا من نفس

در فرض قتل عدوی

زیه

تغزیر

۱- برابری در دین

۲- برابری در عقل

۳- انتفاء ابوت

شرایط عمومی

شرایط ثبوت

- ۱- برابری در عقل، عضو عصا من و نبود زینت
- ۲- برابری عصا من یا عدو زینت کبره اصلا یا کبره زینت اصالت
- ۳- فقدان خوف تلف حرکت یا صدمه بر عضو دیگر
- ۴- برابری اعضاء در سلامت
- ۵- برابری در اصلی بودن یا فرعی بودن
- ۶- برابری اعضاء در کامل بودن

شرایط اجرا

عصا من غشوی

موانع اجرا

جهات سقوط

در فرض جنایت بر عضو بیعت

زیه

تغزیر

مجازات جنایت عدوی

در مورد برابری در محل یک استثناء وجود دارد و آن تبصره م ۳۹۳ است
طبق تبصره در صورتی که مجرم بدست راست نداشته باشد، دست چپ او
و چنانچه دست چپ هم نداشته باشد، بایستی او قصاصین می شود. این در حالی است
که جنایت بر دست راست واقع شده است جنایت از ابتدا بر دست چپ
باشد و مجرم دست چپ نداشته باشد. بر افعیه به دست راست او
قاعده و جاهت قانونی است.

ماده ۴۰۲ ق م ا. نافی قاعده برابری در محل نیست، ماده ناظر به حالتی است
که اگر شخص یک جرم کسی را در آورد یا کور کند بر اساس قاعده (برای در محل)
و قصاصین می شود هر چند که پیش از یک جرم نداشته باشد بنا بر این اگر کسی
برای نزنه جرم راست دیگری را در آورد و خود پیش از یک جرم که همان
جرم راست است نداشته باشد، چنانچه در آورده می شود اعمال و حالتی که
در تکب و جرم راست کسی را در آورد یا کور کند جرم راست نداشته بلکه جرم
چپ داشته باشد قصاصین ثابت نمی شود و در صورتی که جرم مربوطه

در همه اعضاء زینج بدن جاری است بنا بر این م ۴۰۲ استثناء بر بند الف م ۳۹۳
که مقرر می دارد محل عضو مورد قصاصین باید با محل مورد جنایت یکسان باشد، نیست
تنها استثناء همان تبصره م ۳۹۳ است.

نکته ها

۱- در مجت ساق و عصاب با مقدار حیاتی، باید مساوات (برابری) از جهت مقدار طول و عرض رعایت شود حیاتی طول عضو مورد عصاب کمتر از طول عضو مورد عصاب باشد یا به عضو دیگر سرایت کند در این حالت نسبت به مازاد، ریه گرفته می شود. در مورد عصب و مساوات عرضی لغایت می کند (۳۹۴)

۲- در مجت خوف تلف حرکت یا صدمه بر عضو دیگر، عاقلانندار یا مورد را مفروض گرفته است.

۱- ما نوعی به حیاتی گفته می شود که به کسب عفت می رود بدون آنکه کسب عفت را بپاره کند که اینطایه جمع وجه عصاب امکان پذیر نیست

۲- دامغه به حیاتی گفته می شود که کسب عفت را بپاره کند. عصاب منقب است ^{۱۰} + اری

۳- جاننده و مراقبت است که با وارر هر نوع وسیله و از هر جهت بدون

بدن انسانی ایجاد می شود که ریه ای هم را است

۴- هائمه به حیاتی گفته می شود که موجب شل شدن استخوان می شود

که ریه ای ها از هر حد است

۵- شل شدن استخوان غیر از عمر و صورتی که قابل عصاب نیست

۶- صدماتی که موجب تغییر رنگ پوست یا ورم بدن می شود

۷- مقدار و جلائی که آن حد یا جایی که در استخوان می بیند که ریه ای ۱۵ است

در این موارد لا گانه عصا عن ساقط است و ریه داریم
 در این موارد لا گانه خوف تلف مفروض و ترسک نمی تواند بود قابل اجابت
 ولی ممکن است در سایر موارد خوف تلف را ترسک بود
 بوابری اعضاء در سلامت (۴ حالت قابل تصور است)

۱- هر ۲ عضو سالم اند در این حالت عصا عن قابل اجابت

۲- هر ۲ عضو ناسالم اند در این حالت عصا عن قابل اجابت

۳- ترتیب در ای عضو سالم و مخفی علیه در ای عضو ناسالم در ایضا
 عصا عن نداریم

۴- ترتیب در ای عضو ناسالم و مخفی علیه در ای عضو سالم در ایضا
 عصا عن نداریم

مستور از عضو ناسالم به عضو لقمه می شود منقذ ندارد مثلا قلع یا جمل
 نه است و هیچ منقذ ندارد

عضو منقذ به عضو سالم محسوب می شود

عضو مورد حیاتی و عضو مورد عصا عن باید از حیث اصلی یا زاید بودن

برابر باشد، بنابراین اگر عضو مورد حیاتی، زاید باشد و ترتیب عضو زاید
 سابقه نداشته باشد به بردافت ارض محکوم می شود

برای بررسی اعضاء در شمال : (۴ حالت قابل تصور است)

۱- هر دو عضو کامل اند - عصاهن ابراهیم شود

۲- هر دو عضو ناقص اند - عصاهن ابراهیم شود

۳- ترکیب دارای عضو کامل و فنجی علیہ (دارای عضو ناقص - عصاهن ابراهیم) شود

دیه برداشت می شود

۴- ترکیب دارای عضو ناقص و فنجی علیہ (دارای عضو کامل است - در این حالت

ترکیب عصاهن می شود افزون بر این مابین تفاوت دیه را هم باید بپردازد

متصور از عضو ناقص و عضو است که فاقد بخشی از اعضا باشد مانند دست که

فاقد یک یا چند انگشت یا فاقد بخشی از یک یا چند بند انگشت است

در جنابیت بر عضو (دارای ترکیب باشد و فنجی علیہ می تواند در صورت رضایت ترکیب

قسمی از جنابیت را عصاهن کند یعنی جنابیت کمتر را عصاهن کند و از عصاهن

قسمت کمتر و لذت یا مصالح نامید مانند آنکه در اجابت موضعی به سلاخ

توافق شود یا در قطع دست از آرنج به قطع دست از مچ اتفاق شود

- شرایط اجرای قصاص نفس
- ۱- تقاضای مجنی علیه
 - ۲- اذن ولی امر
 - ۳- رد تقاضای بی زن و مرد
 - ۴- استغاره از ابزار مناسب
 - ۵- رعایت شرایط زمانی - مکانی و مرتب

در قصاص عضو زن و مرد برابرند مگر اینکه در وقت قیامت به نیت برسد هم در این صورت زنی در صورتی می تواند مرتکب را قصاص کند که نصف زنی مرد را بکشد او بهر دلیل مردان مرتکب و مرد غیر مسلمان و مجنی علیه زن مسلمان باشد (مستند ۳۸۸)

استغاره از ابزار مناسب :

ابزار قصاص باید تیز، برنده و غیر محرم باشد یعنی نمی تواند
 ایداء، خنجر، تیغ، نیزه، شمشیر، کمان، تیر، و غیره باشد.

سرايت پس از ايراني قصاص عفو يا منتعت 8

۱- سرايت مستند به عذر يا تقصير مجرمي حکم عجزی حکم خاص است

۲- سرايت مستند به عذر يا تقصير مجرم عليه عفو يا عفو است

۳- سرايت مستند به عفو يا عفو است

۱- سرايت منتبت به ترتيب
م ۴۸۵

۱- سرايت در امر عذر يا تقصير مجرم عليه عفو يا عفو است
۵۳۷

۲- سرايت منتبت به عفو يا عفو

۱- سرايت بدو امر مجرم عليه عفو يا عفو است

سرايت بدو امر عذر يا تقصير مجرم عليه

۲- سرايت بدو امر مجرم عليه عفو يا عفو است

در حالت اول ترتيب حسب مورد ب قصاص نفس يا عفو مجرم است و در حالت اول پس از

ايراني قصاص و اولی رسم يا عفو عليه باین وجه است که در عنوان قصاص عفو به ترتيب

وارد شده به او برسد

در حالت دوم که سرايت بدو امر مجرم عليه است ترتيب به عفو يا عفو است و سرانجام سرايت

بند اعمده محکوم می شود و در مقدار آن که قصاص شده است کسر نمی شود

قصاص مرتکب بدون سهولت یا بی حس انجام می شود و غیر در ۲ مورد:

۱) عجبی علیه رضایت زاده باشد

۲) ضایع در حال سهولت یا بی حس عضو عجبی علیه اتفاق افتاده باشد

در صورت عدل و سهولت کردن مرتکب و نیز حس کردن عضو او پس از ابراء

و قصاص بلا مانع است

پسوند پس از ابراء قصاص، بلا مانع است با وحدت ملک از م ۴۴۶

با ملک دیگری م ۴۳۴

بدون ملک دیگری م ۴۳۵

فرار مرتکب

موانع ابراء

باورداری

اخذ وید از عاقله در فرقی فرار مرتکب، محقق قتل عمدی است و در سایر ضایعات

مصدق ندارد

باورداری مانع ابراء قصاص عضو نیست مگر آنکه بیم تلف یا آسیب بر طفل پس یا

پس از وضع عمل باشد که در این صورت تا زمانیکه بیم مذکور برطرف

نشد تا فرسی افتد

در فرض قتل عمدی

مجازات جنایت عمدی

- شرایط اثبات
- ۱- لغو استغنی علیه
 - ۲- فوت ترتیب
 - ۳- فقدان محل
 - ۴- اسلام ترتیب
 - ۵- و توحیح شریعه
 - ۶- عدم اطمینان ابراهیم قصاص نفس
بنابر هر علت قبل عدم اطمینان
بر ابراهیم یا خوف تلف و ...

عصا من عضو

جرات سقوط
عصا من عضو

در فرض جنایت بر
عضو یا تشعشع

- ۱- نقصان
- ۲- سلسله عضو
- ۳- از کار افتادن عضو
- ۴- هرفن برائی
- ۵- فقدان یکی از مفاصل
- ۶- نقص یکی از مفاصل
- ۷- فقدان یکی از حواس
- ۸- نقص یکی از حواس
- ۹- زوال عقل

مستور (۲ تا ۵ سال حبس) درجه ۵

تقریر

۱- در صورت فقدان آثار ۹ گانه

سازده (۳ ماه تا ۱ سال حبس) درجه ۶

۲- در صورت استبعاد از جاقوت

اسلحه یا تطایر آن

۱- لزومت فحنی علیہ

۲- قوت ترتیب

۳- فقدان فعل

۴- امدام ترتیب

۵- وقوع تشریح

جہات سقوط فصاحی عضو

۳۶۶ م عاودہ بر عضو

تشریح جاری است

۶- عدم امکان اصرار فصاحی بنا بر علت
سئل عدم امکان بر اصرار یا خوف تلف و...

وہ

در حدہ نو اور کہ فصاحی عضو اعطاء می شود و یا اینکہ حق فصاحی عضو ایجاد

نمی شود (مانند اینکہ ترتیب بیرون یا حد بیرون یا بند) ترتیب بر وہ محکوم می شود کہ

اینکہ فحنی علیہ غیر قابل حمایت با شکر کہ امداد وہ ہم ندارد

غیر از وہ بر سر می است کہ در کتاب چهارم بیسی نیز آمده است

امانت برداشت وہ اصال است / در جوابیات بر عضو تعلیف وہ

نداریم و تعلیف وہ فقط مختص قتل است

تغزیر: بر شیخ عاودہ ۶۱۴ تعیین می شود و ممکن است با وہ قابل جمع باشد

و ممکن است بدون وہ تعیین شود این در فرضی است کہ فحنی علیہ غیر قابل حمایت

نہ ہاں الف ب و پ

یا حدیں با لہ

۳۲ م

نہ وہ دارد نہ تغزیر

- ۱- نقصان
- ۲- شلش عضو
- ۳- از کار افتادن عضو
- ۴- مرض دائمی
- ۵- فقدان یکی از منافع
- ۶- نقص یکی از منافع
- ۷- فقدان یکی از حواس
- ۸- نقص یکی از حواس
- ۹- زوال عقل

مسوره ۲ تا ۵ سال پس از (درجه ۵)

تغذیه

۱- در صورت فقدان آثار ۹ گانه

ساره

۲- در صورت استناده از چاقو، السهم یا نظایر آن

تغذیه بدل از مفاهین عضو قابل با رعایت شرایط مقرر در قانون قابل تعلیق و

تغذیه است

سرور حیاتیات عمومی متوجه مفاهین عضو و مزینت

مجاوزت در ضایعات عمدی مستوجب قصاص عفو یا نیت آیا قایل

مجازات است یا فری؟

مجاوزت در قطع عمدی عفو، صرفاً قایل مجازات است بنابراین اگر

ضایعات وارده هم قطع عفو رانده باشد، صرفاً نقص یا گسستن وجه

و امثال آن باشد، مجازات قایل مجازات نیت، قطع نفس از زمین بردن، قایل عفو

بنابراین اگر کسی در ایراد ضایعات عمدی بر دیگری که منصرف بقصع عفو می شود،

مجاوزت کرده باشد، قایل مجازات نیت صرفاً از انبیه میباشد عفاً

نمود یا نشود. (بالتوجه به نبدأ م ۱۲۷)

۱- عفو فی عاقبت شبه عمدی

۲- ادله اثبات

۳- مجازات شبه عمد

ضایعات شبه عمدی

ضمانت شبه عمدی و براساس م ۲۹۱، ضمانت در موارد

زیر، شبه عمدی است.

۱- هرگاه ترتیب نیت به مخفی علیّه، عقده و قمار و یا درسته لکن عقده ضمانت واقع
شده یا نظیر آن باشد یا نه و از مواردی که مشمول تعریف ضمانت عمدی
می گردد نباشد.

۲- هرگاه ترتیب، جهل به موضوع یا سهواً یا غرضاً یا نیت را با اعتقاد
به اینکه موضوع رفتار وی سهواً یا حیوان و یا افراد مشمول ماده ۳ این
قانون است به مخفی علیّه وارد کند پس خلاف آن معلوم گردد

۳- هرگاه ضمانت به سبب تقصیر ترتیب واقع شود شروط بر این ضمانت
واقع شده یا نظیر آن مشمول تعریف ضمانت عمدی نباشد.

در مورد حالت اول باید اشاره کرد که در هر موردی که ترتیب دلایل عقده

ارتکاب است (یعنی کارهای انجام داده را دارد) اما رفتار او مشمول تعریف
ضمانت عمدی نباشد، ضمانت شبه عمدی است هر چند از نیت رفتار او
نوعاً یا به اعتبار مخفی علیّه خطرناک باشد به بیان دیگر ضایحه رفتار ترتیب
نوعاً یا به اعتبار شرایط بزه دیده، خطرناک باشد و آگاهی و توجه ترتیب
نباشد ضوابط پس گفته احوال فرورد، ضمانت، شبه عمدی است یعنی
از مشمول عمد خارج است بنابراین نمیتوان گفت که قانونگذار مصداق ضمانت

شبه عمدی بر خلاف قانون سابق توسعه داده است زیرا طبق قانون سابق
صیغه برقرار عریض نوعاً بهیض صیغتی می شد صرف نظر از علم و آگاهی و نوع
یا عدم آگاهی و علم، صیغتی عمدی محسوب می شد و صیغتی شبه عمد مصنفین
حالی بود که صیغتی ارتکابی نوعاً بهیض صیغتی نمی شد. حال آنکه
قانونگذار جدید با شرط آگاهی و توجه مذکور در تبصره ۱ و ۲ ماده ۲۹۰
شرایط تحقق صیغاتی عمدی را مشخص کرده و در مقابل شرایط تحقق صیغاتی
شبه عمدی را سارده تر کرده است.

عقد ارتکاب برقرار در صیغتی شبه عمدی لازم نیست توأم با سوء نیت باشد
هم عقد ارتکاب برقرار است هر چند که ممکن است منبأی عمل کافلاً مشروع
باشد برای نمونه اگر کسی ب قصد تأویب صدمه ای متعارف به دیگری وارد کند
و بهیض صیغتی گردد، عریض صیغتی شبه عمدی شده است و این
تفاوتی ندارد با حالتی که همان سبب را ب قصد ایراد صدمه کم تر وارد کرده
باشد و پس مشتمل بر صیغتی بی اثر شود (م ۲۹۴)

بیان جمله دوازدهم

۱۳۰۲/۲/۹۳

حقوق جزا / دکتر شمس = بنام خدا = جلسه نهم / ۲۰/۲/۹۳

توضیح بندب ماده ۲۹۱ ق ۴ ا و

در بندب، جهل به موضوع شامل یکی از حالات زیر می شود؛

۱- جهل به این که موضوع رفتار مجرمیت، شیء است، درحالی که انسان بوده است

۲- جهل به این که موضوع رفتار مجرمیت، حیوان بوده است، درحالی که انسان بوده است

۳- جهل به این که موضوع رفتار مجرمیت، افراد معلول ماده ۳ بوده است،

درحالی که انسان بدینا بوده است

در موارد ۱ و ۲ از قرآن، لغت مجرمیت غایب سؤنیست بوده و صرفاً استنباه کرده

است که البته استنباه در این حالت نوعی تقصیر محسوب می شود

در واقع استنباه مصداق از جهل اخصی یا بی مبالاتی است، از همین رو مجرمیت

نه تنها با ندرت میسر می آید، بلکه براساس ماده ۶۱۶ قانون تعزیرات، سؤالیست

کفایت دارد. بیجان در مجرمیت هم به رسم و هم به نیت تا ۳ سال حبس،

تعزیر موضوع ماده ۶۱۶ ق تعزیرات معلوم می گردد

اما در مورد حالت سوم به زیرین قاطع من قرآن، لغت که ماهیت جنایت، عمدی

است زیرا شخص با قصد جنایت، مجرمیت قتل یا جرح (سری می شود)

با این تصور که مضمی علیه، غیر قابل حمایت است

استنباه در اعتقاد، به این که مضمی علیه، غیر قابل حمایت است، ماهیت

جنایت عمدی را نباید تغییر دهد زیرا عمد به ذهن بر حسی نگردد و قابل قصاص
بودن یا نبودن مرتکب، ربطی به عمد پیدا نمی‌کند، زیرا ممکن است جنایت
عمدی باشد و مرتکب غیر قابل قصاص و مانند آنکه پدری فرزند خود را به
قتل برساند یا ملانی، غیر ملانی را عمداً بقتل برساند
بر این حالت ها، مرتکب قصاص نمی‌شود، اما ماهیت جنایت، عمدی است
بنابراین اقدام مقتضی در شبه عمدی مصوب نکردن جنایت، در صورت
استیفاء در اعتقاد، خلافت موازین حقوقی است، حتی خود قانونگذار در
قسمت اخیر ماده ۳۰۳، با عدول از موضع قبلی، مجازات تقزیر بدل از
قصاص بر این جنس جنایتی پیش بینی کرده است یعنی تقزیر مقرر در مواد
۶۱۲ و ۶۱۴.

با این حال می‌توان در نتیجه گیری بر این باور بود که ماهیت جنایت ارتدابی
در حالت مذکور، صرفاً از حیث ربه، شبه عمدی است اما از حیث
تقزیر، عمدی است. یعنی از حیث تقزیر، آثار عمد بر جنایت مرتکب
است ولی از حیث ربه، آثار شبه عمد (یعنی ربه در مهلت ارسال
برداشت می‌شود)

توضیح بندب م ۲۹۱ ق م ا ه

بندب ناظر به حالتی است که جنایت به سبب تقصیر مرتکب واقع می شود
چنانچه در مباحث پیش گفته شد، تقصیر عبارت است از تجاوز از ضابطه
رفتاری یک انسان متعارف در شرایط خاص، بدون داشتن سوء نیت،
لکن در تقصیر، قصد ارتکاب رفتار مجرمانه، وجود ندارد، لکن مرتکب به بی احتیاطی
یا بی خیالی مرتکب شده است.

چنانچه تقصیر در این حالت سبب و خطرناک باشد، جنایت ارتکابی، مستعمل
تعریف جنایت عمدی می گردد زیرا بندب م ۲۹۱ جنایات ناشی از تقصیر را
در صورتی شبه عمدی می داند که جنایت مستعمل تعریف عمد نباشد، بنابراین
اگر کسی در یک جنایت بسیار سلیغ با سرعت یا لایی اقدام به رفتن کند
جنایت ارتکابی، جنایت عمدی محسوب می شود یا نیز سلیغ با علم به آورده
بودن وسایل مجرمانه، میاد است به عمل مجرمانه می گویند.

در حالتی که جنایت، در اثر تقصیر مرتکب واقع می شود، مرتکب هم بدین وجه
به تعزیر مقدر در ماده ۷۱۷ قانون تعزیرات محکوم می شود البته باید
خاطر نشان کرد که ماده ۷۱۷ صرفاً ناظر به قتل است و در جنایات مازون
قتل، اقدام مرتکب تعزیر ندارد، مگر آنکه مستعمل تخلفات را ندانند که در
در مورد تخلفات را ندانند، ماده های ۷۱۴ تا ۷۱۹ اعمال می شود.

در فرغ قتل ← (ماده ۶۱۶) اما سال جین
در فرغ جنایات حادثه قتل و تخزیر در لورد و عقاب و غیره

در حالت عاری

تخزیر جنایات
ناشی از تقصیر

در حالت و انتزاع

۱- تخزیر ماده ۷۱۴ به ۶ ماه تا ۳ سال جین

عقل و وسایل تعلیم بر توری مهم از زنی در بدین و هوایی و اسبابی شود
آنها نیز در هم وسیله تعلیم هوایی است و این دو هر چه در اسبابی شود
دو هر چه مستور است تعلیمات را از زنی هم نمی شود
این نیز در زنی و وسیله تعلیم را نگه می دارند و این اسبابی صورت می
گیرد و این را بگردد مستور ماده ۶۱۶ در لورد

۲- تخزیر ماده ۷۱۵ به ۲ ماه تا ۱ سال جین در صورتی که

تقصیر لامل این موارد باشد:

۱- برهن جینی یا در حالی غیر قابل علاج

۲- از بین رفتن یکی از اعضا

۳- از کار افتادن بعضی از اعضای بدن که وظیفه ضروری را انجام می دهد

۴- تغییر شکل دائمی عضو یا صورت شخص

۵- سقط جنین

۳- تخزیر ماده ۷۱۶ به جین از ۲ ماه تا ۶ ماه در صورت

و وقوع یکی از این موارد:

۱- نقصان ۲- ضعف دائمی از اعضا غیر یا یکی از اعضای بدن

۳- از بین رفتن قسمتی از عضو بدون اینکه عضو از کار بیفتد

۴- وضع عمل قبل از شروع طبیعی زناحوا

۴- تخزیر ماده ۷۱۷ به ۱ ماه جین در صورتی که

ریک خرابی پوستی هم کافی است

۵- تخزیر ماده ۷۱۸ در صورت وجود یکی از علل مجزیه زیره

۱- حساسیت ۲- نداشتن پروانه مخصوص (چنانچه تقصیر

ناشی از رفتار طرف مقابل باشد همان نسبت نیز با ندرت است

و نمی توان صرف فقدان پروانه را دلیل بر تقصیر دانست بنابراین

این کسی با بیگانه مطمنه در مجاز در حال و اندکی با این دو دلیل

تخلف مجاز با وسایل تعلیم بر تصادم نماید و مسئول هر دو با جنایت نیت

در این حالت نداشتن پروانه هم کافی است و هر چه تخزیر در لورد

و این مسئول برداشت می آن صادر می داند نیستند

۳- سرعت زیادتر از سرعت قطره ۴- عیب و نقص خطای

مؤثر در تصادف که این با بد مؤثر باشد (عقل ناشی از ترک فعل)

۵- عدم مراعات محل های عبور مجاز یا نارسا ۶- عبور از محل های ممنوعه

۷- تخزیر ماده ۷۱۹ به تخزیر مستور به جین از ۲

حد اکثر معازرات مستور در موارد ۷۱۴ تا ۷۱۶

در صورت وجود یکی از علل مجزیه زیره

۱- خود لوری از تنگ

۲- ترک محل حادثه بر قصد فرار

* تخزیر در ۷۱۹ مانع تخفیف است حال آنکه مستور در

۷۱۸ مانع تخفیف نیت *

۱۔ اہل اثبات ضابطہ عمری :

۱۔ اقرار مرتب سے اہر تہ

۲۔ مرد عادل

۳۔ شہادت

یک مرد عادل بہ ہواہ ۲ زن عادل

یک مرد عادل بہ ہواہ ۴ عقم مدعی

دو زن عادل بہ ہواہ ۴ عقم مدعی

۳۔ قاصد سے ۲۵ قسم در فرض قتل شہ عمد و اقطاع عقم در فرض

سایر ضایات (عقود ممانع)

۴۔ علم قاضی (بر تمام اہل ہا حکومت میں کند)

مہلت برداشت نیم ۳ سال اہر

دو ضابطہ ضابطہ در حد جو منصف یا بالائے یا اہر و انز طریق این موارد ضابطہ نمونہ یا نمونہ

(۱) عینہ (بہر ہماں) ترتیب شہ عمد

(۲) علم قاضی

(۳) عتسائیم

(۴) تصدیق اقرار مرتب

عاقلم

ضایات خطای عمن

مسؤل برداشت نیم

۱۔ در ضابطہ ضابطہ کمتر از جو منصف یا اہر

۲۔ در صورت اثبات ضابطہ یا اقرار یا قبول از سولند یا تسائیم

۳۔ در صورت فقدان عاقلم یا عدم عمن عاقلم

مرتب

حیث المال

عاقلم و مرتب

طبق ماده ۲۹۲ جنایت در موارد زیر، خطای مصنف محسوب می شود:

۱- در حال خواب و بیهوشی و مانند آنها واقع شود.

۲- به وسیله صغیر و معنون. امر کتاب یا بد

۳- جنایتی که در آن مرتکب، نه قصد جنایت بر مجنی علیه را داشته باشد و نه قصد

ایجاد فعل واقع شده بر او را، مانند آنکه تیری به قصد کتار رها کند و ب فردی برخورد نماید.

نماید.

توضیح چند ایه مطلق جنایت در حالت خواب و بیهوشی و مانند آن، مانند منی غیر ارادی،

خطای مصنف است که مرتکب خواب یا بیهوشی و مانند آنها عمدی باشد بدین توضیح که

مرتکب با علم به اینکه در حالت خواب یا بیهوشی مرتکب جنایت می شود عمدتاً مجرایه یا

خود را بیهوش کند که در این صورت جنایت عمدی است.

متصور از عمدتاً خوابیدن یا بیهوش کردن، تصمیم تیری برای خوابیدن یا بیهوش کردن

با علم و آگاهی به ارتکاب جنایت است، بنابراین جنایت عمدی و مشمول

جنایت عمدی نمی شود.

جنایت در خواب یا بیهوشی یا عمدی است یا خطای محض که البته اصولاً خطای محض است.

با علم و آگاهی ثابت شود و نیز ثابت شود که مرتکب عمدتاً خوابیده یا خود را بیهوش

کرده، در این صورت جنایت عمدی است (در خواب یا بیهوشی، اصل بر خطای

مصنف است.)

در مورد جنابیت نائسی از منتهی ۳ حالت است

۱- منتهی غیر ارادی، یعنی محض بدون آئین مخصوص نبود، هست منتهی در

در این صورت جنابیت واقع نرود، خطای محض محسوب می شود

۲- منتهی ارادی و عمدی (یعنی با اراده هست منتهی) شود و به قصد ارتکاب مجرم

در این حالت جنابیت ارتکابی، ماهیتاً عمدی محسوب می شود و ترتیب افزون بر

مجازات منتهی، به قصاص مجرم می گردد

۳- منتهی ارادی و انتقامی (یعنی منتهی ارادی بوده ولی بدون قصد ارتکاب مجرم)

در این حالت، جنابیت ارتکابی، شبه عمدی محسوب می شود و ترتیب افزون بر

بر دین، به تخریب مقرره در کتاب پنجم (عسب) مورد ماده های ۶۱۲ و ۶۱۴

عائز می گردد (معلوم می گردد) در این جا ماهیت جنابیت شبه عمدی است

چون نائسی از تقصیر است ولی تخریب منتهی، تخریب عمدی است

در مانند آنرا، در بند الف ماده ۲۹۲، شامل جنابیت منتهی که در اثر علل قهری،

اتفاق می افتد، نمی شود بنا بر این امر کسی در اثر زلزله یا سیل، طوفان یا آفتاب

جنابیت بر دیگری شود، هیچکس ضامن نهرت

توضیح بندب - جنایات ارتکابی به وسیلهٔ صغیر (م صغیر صغیر و م صغیر غیر صغیر)

خطای بعضی معصومین شود، اما اگر جنایت توسط بالغ غیر رشید کم تر از

۱۸ سال واقع شود، ماهیت جنایت، مدعی است اما عقاص

عقاصی که در این صورت ترتیب، به یکس از چهار آنهاست، مذکور در ماده ۸۹

معلوم می شود

پس باید تا آنکه متصور از صغیر در بندب م ۲۹۲ «د بالغ است»

رابطی به بالغ غیر رشید ندارد، بل این حال باید فاکتور آن که ترتیب

به شرح تبصره ۲ م ۸۸، یکس از اقدامات تأسیسی و تربیتی، تعیین و اعلانی شود

در صورت تردید در بالغ بودن یا بالغ نبودن ترتیب به اصل بر عدم بلوغ است

اما در صورت تردید در رشید یا عدم رشید، در صورت بلوغ به اصل بر

رشید است و عدم رشید باید ثابت شود

در مورد جنون باید اشاره کرد که، در جنون ادواری، اصولاً در صورت تردید

اصل بر جنون است، مگر اینکه حالت سابق بر زمان جنایت، افاقه باشد

که در این صورت ترتیب باید جنون خود در حال ارتکاب جرم را ثابت کند تا عقاص

با قطعی شود و صدق نمی توان با آن (یعنی نتواند ثابت کند) با موافقت ولی دم یا نخبه علیه

یا ولی او، عقاص ثابت می شود. تشخیص جنون با راهگاه است نه پزشکی قانونی

در مورد بند سیم م ۲۹۲ بعضی حالت سوم، ناقص به حالتی است که خطا در

اصابت صورت می گیرد یعنی ترتیب و اولی و قصد فعل است اما قصد فعل

و نیز قصد حیاتی نیست به معنی علمیه ندارد (عقد فعلی نیست به یک فنر در است)

به بیان دیگر نیست به معنی علمیه (کسی که مورد اصابت قرار گرفته) مورد اصابت

به قصد فعل وجود ندارد و نیز قصد تنبیه

تفاوتی نمی کند که هدف نخستین، سبب یا سبب یا حیوان یا انسان، هم خطا در

اصابت است، اگر چه قانونگذار صالحی که در بند سیم ارائه کرده است،

بطور است اما باید گفت که مثال طریقتی دارد نه موضوعیت، پس

هر جا که تیری به خطا رود یا رفتار مرتکب، منحرف گردد، حیاتی، خطای محض

موجب می شود و وسیله هدف نخستین هم نیست البته باید اشاره کرد که

مکن است حیاتی، از خطای بعضی خارج شده و مرتکب در غالب موارد سبب

قابل عتاب باشد.

در صورتی که مرتکب، آگاه و متوجه باشد که اقدام او نوعاً موجب حیاتی بر دیگری

می گردد، حیاتی، عمدی، موجب می شود و این در صورتی است که مخفی علمیه

مورد اصابت بسیار وسیع و هم نزدیک است و عرفاً یک هدف را

تداومی می کند، در غیر این صورت (یعنی در صورتی که آگاه و متوجه باشد) حیاتی

سبب عمدی است هر طریقی که از تقصیر باشد و در فرضی که نه علم و آگاهی

انبات شود و نه تعصیر، ضایع، خطای بعضی محسوب می شود.

مجازات ضایع خطای بعضی است

دری و عملت برداشت ۳ اسطال از تارینغ وقوع ضایع است در حال

هم ۱/۱ از دری باید برداشت شود

مسول برداشت دری یا عاقله است یا ترکیب است و یا بیت المال

عاقله در صورتی دری را برداشت می کنند که دری ضایع در حد موصوفه یا بالاتر باشد

و از طریق زیر ثابت کرده باشد

۱- بینر (به همان ترتیب منتهی شد)

۲- علم قاضی

۳- قساحه

۴- تصدیق اقوال ترکیب

در این موارد ترکیب دری را برداشت می کنند

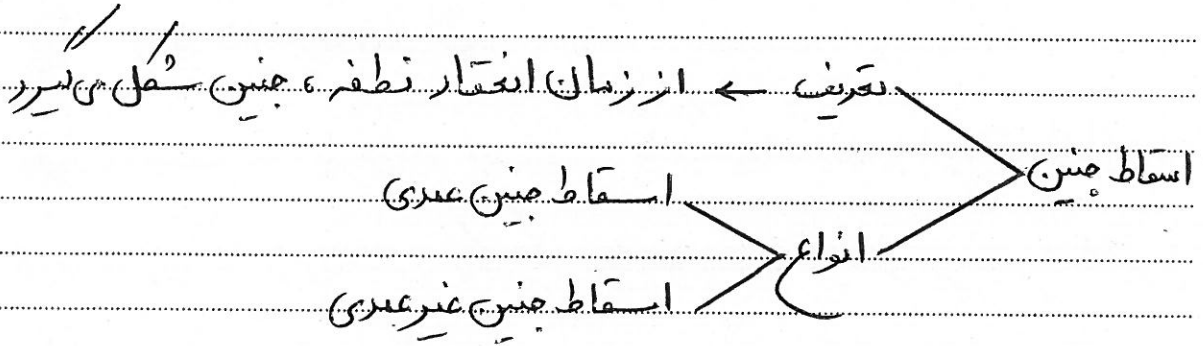
۱- دری ضایع کم تر از موصوفه باشد

۲- در صورت انبات ضایع با اقوال یا فتوای از سوی قساحه
یعنی کسر دری از موصوفه

۳- در صورت فقدان عاقله یا عدم تمکن آن (عاقله)

* یکی از این ۳ مورد ضایع می کنند *

بیت العالم در صورتی دریم و این را وقت میزنند که در صورت فقدان عاقله یا عدم عمل
عاقله و ترتیب



اسقاط جنین و بنا بر یک تعریف عبارت است از افرواح جنین قبل از تولد
طبیعی زایمان، به گونه ای که زنده یا قابل زایش نباشد (این تعریف ایراد دارد)
متصور از اسقاط جنین نیز حائمه دادن به حیات جنین

چند نکته

۱- ضایحه اسقاط جنین برای حفظ حیات مادر باشد، رفتار مرتکب قابل مجازات
نیست، نه دیه دارد و نه تفریر ^{تفسیر ۷۱۸۴} جنین در این روح باشد و چه بدون روح
اما باید ^۳ نیز تک متخصص به همراه نیز شک قانونی، خطر جانی را احوال کرده
باشد و نیز زنی حامله رضایت به اسقاط داده باشد

۲- اسقاط جنین بطور مطلق حرم نصوصی ندارد ^۴ جنین در این روح باشد و بدون
روح باشد، و ناقص باشد ^۵ سلام، چه شروع باشد ^۶ تا شروع
۳- اسقاط جنین در این روح، قصاص ندارد اما مرتکب ب دیه و تفریر مقرر
در کتاب پنجم جنین ماده ۶۱۲ معلوم می شود پس از هیئت تفریر، جنین در این

روح شامل مواد ۶۱۲ و ۶۲۳ و ۶۲۴ نشده و مسئول ماده ۶۱۲ است
(استند ماده ۳۰۶)، اما اگر جنین زنده متولد شود و در این قابلیت ارفع
حیات باشد و حیاتیته قبل از تولد منقرض نفع یا مرتکب پس از تولد شود یا
نفع بعد از تولد باقی بماند، مرتکب به قصاص محکوم می شود که این استند ناعادلانه
است به این دلیل که مرتکب در جنین ارتکاب به حیاتیته و قصد ایراد حیاتیته

بر چنین وارد شده است نه مقدار (در حیاتی بر آن زننده) (تفسیر م ۶، ۳)

اسقاط جنین عمدی ۸ (بدون روح متصور است)

شماره اسقاط جنین عمدی، در موارد ۶۲۲، ۶۲۳ و ۶۲۴ پیش ازین شماره است

ابتداء ماده ۶۲۲، لایحه م ۶۲۲ (لاحدیثی عالمی) مانند آب و اسفنج ضرب یا

ازیت و آزار زن حامله، موجب سقط جنین می شود، علاوه بر برداشت زیه

یا عقابان، صلب خوردن جنین از اتمام ۳ سال محکوم خواهد بود (۱)

ماده مذکور ناظر به اسقاط جنین است که در اثر خشونت صورت می گیرد

زیرا عنقریبی ماده مذکور، ضرب یا ازیت و آزار است، متصور از

ضرب، ارتکاب رفتاری است که منتهی اثر عینی بر بدن زن حامله است

ضرب یا فعلی و لایحه می شود، اما اصطلاح ازیت و آزار، اصطلاح عامیانه

است (بغیر کرده است) و هم سائل فعلی و هم ترک فعلی می گردد، موارد زیر

ازیت و آزار محسوب می شود:

۱- اجبار به حمل سنگین

۲- اجبار به پوشیدن لباس سنگین

۳- اجبار به بردن (از مکان بلند)

۴- اجبار به روییدن

۵- خشونت جنسی ولو توسط شوهر

۶- ترک اتفاق

لا یدعم توجه به نیازهای پزشکی و دارویی زنان حامله.

رفتارهای مذکور در نهایت باید موجب اسقاط جنین شود زیرا اسقاط جنین
جبری است مفید، پس اثر ضرب یا ازیت و آزار منجر به اسقاط نمیدرد
ترتیب صرفاً بابت ضرب یا ازیت و آزار زنان حامله برابر مقررات عمومی
مجازات می شود.

عضو معنوی مجرم ماده ۶۲۲، هم سودنیت عام و هم سودنیت خاص است
سودنیت عام بر این پایه دارد به معنای قصد ضرب یا ازیت و آزار زنان حامله
با علم و آگاهی است (یعنی با علم و آگاهی به حاملگی) و سودنیت خاص به
معنای قصد اسقاط جنین است. در اسقاط جنین اصولاً سودنیت خاص
شرط است مگر آنکه رفتار مرتکب نوعاً خطرناک باشد یعنی نوعاً موجب

اسقاط گردد که در این صورت، سودنیت خاص لازم نیست
بنابر این اگر کسی با علم و اطلاع از حاملگی، ضربه محکم به شکم زن باردار وارد
کند، مجرم موضوع ماده ۶۲۲ در صورت اسقاط جنین، واقع می شود هر چند که
ترتیب، قصد اسقاط جنین نداشته باشد (و رفتار من نوعاً خطرناک است)

در اثر ضرب یا ازیت و آزار جنین اسقاط گردد اما بابت سودنیت قبلاً به
عمل طبیعی یا بیماری از جنین رفته است، مرتکب به علت وقوع جرم محال، قابل
مجازات نیست (بسی محال، محال حکم است چون قانون اسقاط جنین زننده
ند عمل)

و احدهم من راسه ^{که} این امر اسقاط جنین در تعریف خود ز نظر قانونگذار قرار

نمیدهد، جرم، معاقبت فکری است و در نتیجه مرتکب قابل مجازات نیست.

مجازات اسقاط جنین طبق ماده مذکور، حسب مورد عقاصی و بدیه و تفریر است

عقاصی موضوع این ماده به جنین بر نمیگردد، بلکه تا قریب زنی حامله است یعنی

اگر در اثر جنایت، زنی حامله مجروح یا به قتل برسد، مرتکب حسب

مورد به عقاصی نفس یا عقاصی عفو محکوم می شود.

اسقاط جنین ولو در ایام روع، عقاصی ندارد.

بدیه مذکور در این ماده، هم به مادر بر نمیگردد، هم به جنین، هر آینه

و بدیه این عبارت را که «ولدر» امر آیه بر مادر وارد شده یا نه و به جهات مرتکب

عقاصی نشود، بدیه مرتکبه می شود البته در صورت مطالبه.

دین جنین نیز به شرحی است که در ماده ۷۱۶ مینویسند نهاده است و

در صورتی که جنین در یک رحم باشد، سقط هر یک از آنها، بدیه عبارت را که

دارد.

بدیه اسقاط جنین پس از بیداری روع، مسئول مقررات تلفظی می شود به

سقط آنکه رفتار مرتکب و اسقاط هر ۲ در یکی از آنها میسر است یا محدود و عدم

حکم یا نه.

اسقاط جنین توسط زن حامله تعزیر ندارد

تعزیر موقوفه ماده ۶۲۲ سال تا ۳ سال حبس است و این تعزیر
حاشیاً از حدت درجه پنجم، تعزیر درجه ۵ محسوب می شود و از همین رو شروع به
اسقاط جنین موقوفه ماده مذکور، مجرم محسوب می شود و مجازات شروع
حبس یا سلاق یا جزای تعزیری درجه ۶ است.
معاونت درجه پنجم مذکور ۱ یا ۲ درجه پایین تر از مجازات قانونی جرم ارتقا می
است یعنی حبس درجه ۶ یا ۷.

چنانچه در اثر رفتار مرتکب، جنین در بطن رحم هتک استقامت شوند
مقررات تعدد تنجیم در مورد تعزیر احوالی برود و اگر جنین ها تا ۳ مورد باشند
مرتکب بابت هر اسقاط به حد اکثر مجازات تعیین شده محکوم می شود و اگر
بیش از ۳ مورد باشند (یعنی جنین ها) مرتکب بیش از حد اکثر مجازات جرم
مسرور برانند از نصف آن تجاوز نکنند. محکوم می شود در هر حال یک مجازات
احوالی شود و آن مجازات است (حد اکثر ۴،۵ سال)

۱- اسقاط جنین (فرضاً ۳ قتل) یعنی ۳ تا ۴،۵ سال تعیین می شود
رفتار مرتکب به زن حامله
تتابع معتقد در درج

۲- قتل زن حامله به حد اکثر ۱۵ سال به شرطی که قصاص
نداشته باشیم

۳- اسقاط جنین شود و مسئول عمد می شود ۳ تا ۵ سال / و قتل محمول غیر عمد ۳ تا ۳ سال

- ۱- اسقاط جنین عمدی به اعتبار هترب یا ازیت و آزار
 اسقاط جنین عمدی
- ۲- اسقاط جنین عمدی به اعتبار وسیله اورتخاب

طبق م ۶۲۳ (ا هر کس بواسطه اردوب یا وسایل دیگری موجب سقط جنین زنی گردد به ۶ ماه تا یک سال محکوم شود و اگر عالماً عامداً زنی حامله این را ولایت به استعمال اردوب یا وسایل دیگری نماید که جنین وی سقط گردد به ۳ تا ۶ ماه محکوم خواهد شد مگر اینکه ثابت شود این اقدام براساس حفظ صیات مادر می باشد و در هر مورد حکم به برداشت ریه و مطابق مقررات مربوط داده خواهد شد.)

در ماده ۶۲۳ و وسیله موضوعیت دارد (یعنی وسیله مهم است) و وسیله مذکور در این ماده می تواند شیمیایی باشد، می تواند فیزیکی باشد مثل ابزار آلات کور تاشی، می تواند ابزارهای مکانیکی (ابزارهای فرورونده در رحم) باشد. نسبت تحت ماده که مجازات بیشتر دارد بنا بر مبنای اقدام مرتکب در شکل و یا مرتب یا تسبب است. بنابراین ترتیب مستقماً اردوب را به زنی حامله تزریق کند یا به او بجزراند اقدام وی مباشرت است اما در صورتی که به زنی حامله تقدم کند، اقدام وی تسبب است.

علم و اطلاع زنی حامله در وقت تحت و غیر در وقت دوم، تأثیراتی بر سؤالت ترتیب ندارد.

قیمت دوم عاده که مجازات کتبی دارد (درجه ۷) ، ناظر به ولایت است
 ولایت یعنی راهی کردن ، هدایت کردن ، زنی حامله به استعمال ادرویه یا وسایل
 اسقاط است مانند آنچه به زنی حامله مجبور از غلظت بملرو یا قرص بر این اسقاط
 استعاره کند حقوقدانان و فقهای شریک را در این حالت نوعی معاونت محسوب
 کرده اند که البته معاونت در این حالت حکم جرم مستقل را دارد
 نیز تقریبی و بدیهی قیمت افر عاده ، که مقرر در این ماده است ثابت شود این اقدام
 بر این عطف حیات مادر می باشد (ناظر به ولایت است نه دادن یعنی حیاتی
 ولایت گفته به اندازه عطف حیات مادر ، او را ولایت است استعمال ادرویه یا
 وسایل دیگر نماید ، که چنین وسیله سقط گردد ، اقدام وی قابل مجازات است
 هر چند که مسئول برداشت دهنده است ولی قابل تعزیر نیست
 زنی حامله در این ماده (۲۲۳ ق تعزیرات) به عنوان مجرم قابل مجازات نیست اما
 به عنوان معاون قابل مجازات است زیرا با اقدام خود موقوف جرم را تسهیل
 کرده است

اگر اسقاط مستند به خود مادر باشد مانند اینکه مادر با علم و اطلاع ادرویه یا
 وسیله را استعمال کند خود مسئول برداشت دهنده است در غیر این صورت
 برداشت دهنده با مرتکب است

جرم موقوف این ماده (۲۲۳ ق تعزیرات) غیر قابل لغت است
 حال آنکه موقوف جرم عاده قبل قابل لغت است (

غزب یا لذت و آزار سے قابل کثرت است

درجہ (م ۶۲۲)

وسیلہ ارتکاب سے غیر قابل کثرت درجہ

م ۶۲۳

اسقاط جنین بہ اعتبار شخصیت مرتکب ؟

لاطریق مادہ ۶۲۴ اگر حبیب یا ماما یا دارو فروش و اسٹافی کہ بہ عنوان

طبابت یا ماما یا جراح یا دارو فروش اقدام میں کنند و سائل اسقاط جنین

یا فراہم سازند و یا مباشرت بہ اسقاط جنین نمایند میں از ۲ تا ۵ سال

مکرم خواهند شد و حکم بہ برداشت دہ مطابق مقررات مربوط صورت خواهد فریفت

مرتکب در این مادہ، کسی است کہ متخصیص است یا بہ معنای امروزہ یا

بہ معنای دیروزہ، وین مرتکب موقع این مادہ سائل کثرت ماما، قابض،

دارو فروش و عطاری میں شود

بمرض بہر این باورند کہ رفتار مرتکب، در حالت فراہم کردن و سائل اسقاط جنین

یعنی قیمت قیمت مادہ، مطلق است نیابر این طبق این دیدہ گاہ، صرف فراہم

کردن و سائل اسقاط جنین، ہر محسوب می شود ہر چند کہ منتہی بہ اسقاط نکرد

این دیدہ گاہ با ظاہر مادہ کاملاً منطبق است اما برخی دیگر با توجہ بہ قرینہ

آخر ماده بر این باورند که نفس فراخ کردن و سایر اسقاط جنین، صورتی
 عامه نمی شود هر چند که می تواند مجرم مستقل باشد بنا بر این رفتار ترتیب صحیح در حالت
 نخست و در حالت دوم، عقیدت است. اسقاط جنین جزو جرائم علیه تأمینت
 جسمانی است و تقریباً همه جرائم علیه تأمینت جسمانی، عقیدت محسوب می شود
 و بدگاه اخیریست بر نفع مستقیم است پس بد است که این بدگاه نیز بر نفع
 شود. مؤنثت فاضل در این جا به عقیدت اسقاط جنین است / مجازات ترتیب
 میں درجه ۵ (یعنی ۲ تا ۵ سال) و غیر قابل ترمیم و شروع به جوش
 میں - ملاق یا جزای نقدی درجه ۶ است
 معاوتی هم می تواند درجه ۶ یا ۷ باشد
 اسقاط جنین غیر عمدی ۸

اسقاط جنین غیر عمدی (اعم از سه عمدی یا عظامی محض، تقصیر ندارد و
 صرفاً ترتیب به پرداخت ریه محکوم می شود مگر آنکه اسقاط جنین غیر عمدی ناشی از
 تخلفات رواندگی باشد که در این صورت ترتیب به تقصیر مقرر در ماده ۷۱۵
 محکوم می شود

اسقاط عمدی جنین توسط مادر مجرم نیست
 و مانند در ماده ۷۱۵ ترتیب، خود زدن حامله باشد، برابر ماده تقصیر می شود
 چون تقصیرش باعث اسقاط می شود، هم تقصیر در حال رواندگی است

تعريف

منازعه دسته‌جمعی (م ۶۱۵ ق تعزیرات) \rightarrow مکرراً محقق منازعه

مجازات

تعریف منازعه دسته‌جمعی: منازعه از باب مفاعله، به معنای تیرت

عده این در زرد و غور است (یعنی تیرتس هم می‌زنند و هم می‌خورند) (هم زده‌اند)

هم زده‌اند (هم فاعل اند، هم مفعول)

مستور از مکرر است در زرد و غور و لزوماً در تیرتس بدنی نیست

زمنار مرتب باید اصابتی باشد تا منازعه محقق گردد، افعال غیر اصابتی منازعه

نیست. اگر به هدیه توهین نمایند، مطابقت است، منازعه نیست

مکرراً محقق منازعه

۱. تعدد مرتب، دسته‌جمعی ۳ نفر لازم است تا منازعه محقق شود. بین منازعه

با ۲ نفر محقق نمی‌شود، فرب و مرجع است

چنانچه یکی از مرتکبان، بر غور دار از موافق شخص مسئولیت کفری باشد، تا تیرتس

بر حال سایر مرتکبان ندارد (یعنی منازعه شکل می‌گیرد) حال آنکه یکی از این ۳ نفر

سایر نبوده یا از موافق عینی مسئولیت کفری بر غور دار باشد، مؤثر بر حال سایر

مرتکبان است یعنی در این حالت منازعه شکل نمی‌گیرد

منازعه در حالت افریه این دلیل شکل نمی‌گیرد بدون احتساب فرد دیگری

یا فرد بر غور دار از موافق عینی، ۲ نفر دیگر باقی می‌مانند که با ۲ نفر منازعه دسته‌جمعی

شکل نمی‌گیرد

۲- تقارن مکانی

نزاع در صورتی محقق می شود که حداقل ۳ نفر در یک مکان واحد با هم درگیر شوند
یا به همدگر حمله کنند، چنانچه نزاع کنندگان در غالب شروه های ۲ نفری و در مکان های مورد
یا همدگر نزاع نمایند، نزاع دسته بعضی مصفوق نمی شود هر چند که هر از قصد بگذرد
یا خیر باشند

۳- تقارن زمانی

متصور از تقارن زمانی اینست که نزاع سه گان باید هم در یک زمان واحد
با هم نزاع نمایند یعنی ۳ نفر همزمان با هم درگیر شوند بنابراین اگر الف و ب
با هم نزاع نمایند و یکی از آن ۲ - بتأویب جای خود را با شخص سومی یعنی ج
عوض نمایند، منازعه محقق نمی شود

۴- صورت دیگر از نزاع زیر

منازعه دسته بعضی وجهی است معتدیه، در نتیجه باید بین از آمار زیر واقع شود

۱- عقل

۲- نقص عضو

۳- ضرب و صرع

هم این که عقل یا نقص عضو یا ضرب و صرع در نتیجه نزاع باشد و مهم نیست
که قریب باشد، ضمن ثالث باید بین از نزاع سه گان، آنچه مهم است اعدای
و اعلام نسبت بین متابع واقع شده و رفتار متکبران است بدین است

که اکثر نتیجه نزاع، مستند بر شخص ناسی باشد، در آن صورت نتیجه به حساب شخص ناسی گذاشته می شود و متازعه دسته عین محقق نمی گردد مانند آنکه شخصی برای متازکه نزاع کندگان، تیری یا سنگی یا هر چیزی دیگری به جهت آنها برتاب کند و باعث قتل یا نقص یا آتی گردد، در این حالت نتیجه به حساب برتاب کننده است نه متازعه کنندگان.

اما اکثر نتیجه ناسی از اقدام مدافع مشروع یا کسی که به اثر اثر قانونی مدافعه می کند باشد در آن صورت نتیجه به حساب متازعه کنندگان گذاشته می شود.

مجازات ۱: مجازات مرتکب نزاع
 مجازات ۲: حالت قابل عیب است
 ۱- در فرقی عدم شخص ماحل جنایت
 ۲- در فرقی تصنیف عام جنایت

در حالت اول، در فرقی قتل، مجازات مرتکب آن ۳ سال حبس و در صورت مطالبه و دیه به تساوی پرداخت می شود.

در فرقی نقص، مجازات ۶ ماه تا ۳ سال و دیه به تساوی.

در فرقی ضرب و جرح مجازات ۳ ماه تا یک سال حبس و دیه.

قطع عضو مشمول حالت دوم است * یعنی مشمول نقص عضو.

در نزاع مشرعی به هر ۳ نتیجه خود (تعدد نتیجه)

اگر نزاع مشورے سے متعلق متعذر ہو، مقررات تکمیل و ترمیم اعمال میں ہو
 ضابطہ ترمیم تا ۳ مورخہ ۱۹۸۰ء، ترتیباً بہ عدالت مجازات قانونی جیم آرٹیکل ۱۱۱
 میں مؤند و پیش از ۳ مورخہ ۱۹۸۰ء، پیش از عدالت سرگودھا برائے ترمیم از نصف آن (عدالت)
 تجاوز نکتہ، برای نفس و غیرہ اگر نزاع مشورے سے قتل، نقص عضو و ضرب و جرح
 ہو، داد گاہ برای قتل ۳ سال میں تقسیم میں لگند، برای نقص ۳ سال میں و
 برای ضرب و جرح ۱ سال میں تقسیم میں لگند و اولیٰ در هر حال ۱ مجازات
 تقنین میں ہو و آن مجازات امتداد میں ۳ سال میں

در فرقی تَضَمُّنِ عَاطِلِ عِبَابَتِ ۵

در طالع مشورے سے متعلق بعضی در طالع کہ عاتل عیب است و نقص نیست و موارد ۴۷۸ و ۴۷۹
 قابل استناد است

در فرقی تَضَمُّنِ عَاطِلِ عِبَابَتِ ۵

۱۔ در فرقی تَضَمُّنِ عَاطِلِ عِبَابَتِ سے ترتیب برابر مقررات بہ قصاص نفس و ترمیم تا ۳ سال میں
 از باب است و ایک در نزاع محکوم میں ہو و در صورتی کہ قصاص بہ حرمت اور انشور
 یا ثابت نہ ہو، ترتیب برابر دو صورت مطالبہ و ترمیم
 آگے در فرقی نقص عضو لگانی سے
 ہو و محض میں ماہہ ۱۹۸۰ء و فی الدف ۱۹۸۰ء محکوم میں ہو

۳۔ در فرقی ضرب و جرح لگانی سے

بصرفین امکان عقاصه و مرتکب افزون بر عقاصه به

تقریر ۱ تا ۳ سال میں محکوم ہو

بصرفین عدم امکان عقاصه مرتکب به در صورت مطالبه و تقریر بدل

از عقاصه موضوع ماده ۶۱۳ ق. تقریرات از باب تعدد مجزئی بین ماده های

۶۱۴ و بند الف ۶۱۵ محکوم می شود

در هر ۲ حالت سایر نزاع کنندگان به مجازات مقرر برای نزاع دستة مجزئی

یعنی ۱ تا ۳ سال میں محکوم می گردد

در این حالت (نقص عضو عمدی) مرتکب افزون بر مجازات عقاصه عضو

به مجازات تقریر ۱ تا ۳ سال از باب ساریت در نزاع مجزئی

به نقص عضو محکوم می گردد و میبایست عقاصه اجراء نمود یا ثابت نمود

مرتکب به افزون بر در صورت مطالبه به تقریر موضوع ماده ۶۱۴ یعنی

تقریرات (۲ تا ۵ سال) محکوم می شود در این حالت بین بند ۶۱۵ م

و ماده ۶۱۴ تعدد مجزئی صورت می گیرد

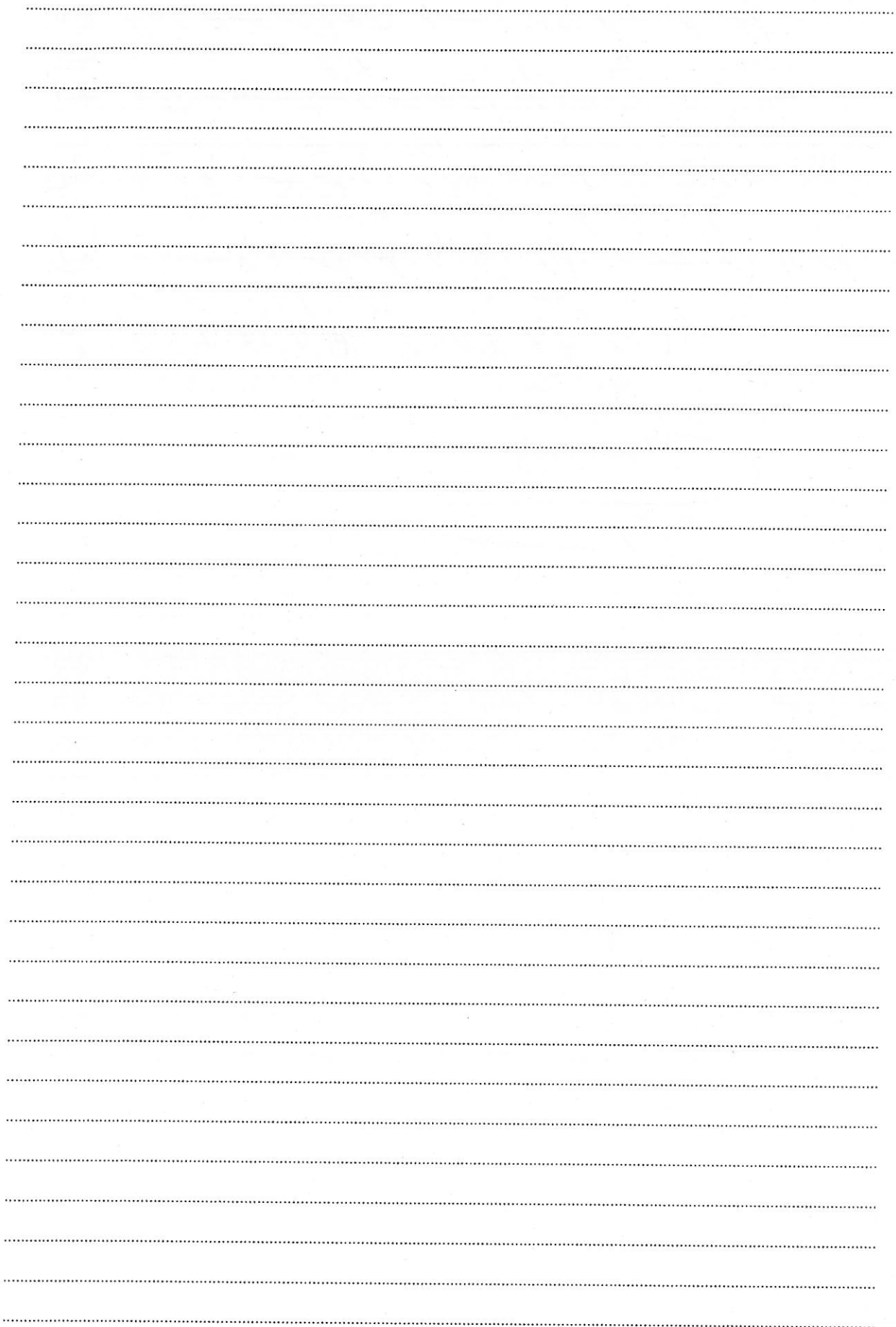
سایر نزاع کنندگان نیز در هر حالت به ۶ ماه تا ۳ سال میں از باب

ساریت در نزاع دستة مجزئی به نقص عضو محکوم می شوند

در نزاع قضیه به ضرب و جمع محرمی مرتکب افزون بر قصاصین جمع به ۳ ماه
تا ۱ سال حبس به علت مشارکت در نزاع محکوم من نور و ضایعیه قصاصین
قابل اقرار بنا بر ما ثابت ننورد و مرتکب علاوه بر دیه در صورت مطالبه
به ۳ ماه تا ۱ سال حبس همراه با سایر نزاع کنندگان محکوم من نور
تبدیل م ۶۱۵ و اعمال من کنیم و در غیر غایب و جمع به اربع تقریر م ۶۱۴

با بیان صلبه ۱۳

۹۲، ۶، ۲



حقوق جزا / دینوری / بی نام خدا = جلسه چهاردهم / ۱۴ / ۹۳، ۲، ۲۷

حرامات علیهم اموال و مالدیت

کلاهبرداری

سرقت

خیانت در امانت

حبس برداشت نسردنی

تخریب

تعریف

کلاهبرداری

مجازات

صور خاص

کلاهبرداری: بردن مال غیر از طریق توسل به وسایل متقلبانه
کلاهبرداری: جرم است هر گاه از توسل به وسایل متقلبانه استفاده شود
۳- بردن مال غیر

کلاهبرداری: جرم مقید است؛ جرم علیه اموال اصولاً مقید است

در کلاهبرداری: فریب مخفی علیه الزامی است

عناصر قانونی - م. ا. ق. گدیہ مجازات مرتکبان اعتدالی

درست ساز و گلاہر داری

گلاہر داری غیر قابل تعلق است اما گلاہر داری را با نہ این

قابل تعلق است گلاہر داری نسبت بہ کمتر از عدل قابل تخفیف

نیت در صالک گلاہر داری را با نہ این قابل تخفیف است حتی بہ

اعتبار از عدل

عناصر تعلق دهنده جرم گلاہر داری

موضوع جرم - مال

عصر ماری

رقبہ مرتکب

تعلق مال غیر

① فریب مردم بہ

وجود تکرکٹ ہا

تجارت خانہ ہا یا

توسعات یا

کارخانہ ہا برصوم

② فریب داروں

خرم بہ ذات حق اولاد

واقعیات رات واہی

③ امیدوار کران

مردم بہ امور غیر واقع

④ ترمیم حاصلہ

فریب نبرہ دیدہ

⑤ ترمیم ندرن مردم از

حوادث یا ایساعر ہا

غیر واقع

⑥ رافعہ سببیت

⑦ اعتبار ایسہ با عنوان عجول

⑧ وسایل تعلق رتبہ

کلاهبرداری، غیر قابل تعلیق است اما کلاهبرداری رایانه‌ای قابل تعلیق است
کلاهبرداری سنتی به کمتر از حداقل قابل تخفیف نیست در حالی که کلاهبرداری رایانه‌ای
قابل تخفیف است حتی به کمتر از حداقل.

کلاهبرداری سنتی جرم درجه ۴ است اما کلاهبرداری رایانه‌ای درجه ۵.

عضو مادی جرم کلاهبرداری

این موضوع جرم و موضوع جرم، مال است، مال طبق تعریف مشهور آن چیزی

است که قابل تقویم به پول است و به نوعی ارزش اقتصادی دارد، قابلیت داد و ستد

دارد. مال، اعم از منقول و غیر منقول می‌تواند موضوع کلاهبرداری قرار گیرد.

اما مال نامشروع مشمول عنوان کلاهبرداری قرار نمی‌گیرد.

امتیاز هم امتیاز غیر مالی موضوع کلاهبرداری قرار نمی‌گیرد.

ملاک مال هم، نوعی است نه شخصی.

مال ملموس، اعم از منقول و غیر منقول.

درم ۶۷۷ ق تعزیرات هرگز امتیاز منقول و ... این ماده شی رایج نوع

کاری به مال ندارد و شی رایج هرگز آنرا مال یا بابت یا بابت

در برهت و کلاهبرداری فقط مال ملاک است ولی در ضمانت در امانت

عقبت، ملک و مال و ... است

وَعَدَّ حَرْبًا كَلْبٌ فِي كَلَاهِمِ دَارِهِ وَفَعْلٌ اسْتِ، فَعْلٌ عِبَارَةٌ اسْتِ اِز تَوَسُّلٍ
بِهِ وَاسْمٌ مَتَقَلَّبَانَةٌ فِي كَلَاهِمِ دَارِهِ بِاِتْرَافِ فَعْلٍ وَاقْعٌ غَمٌّ تُوْرٌ
كُوْتٌ، كَلَاهِمِ دَارِهِ نَهَتْ، بِرَهْنِ هِنَا، كُوْتٌ مَتَقَلَّبَانَةٌ فِي صَبَالٍ فِي رِيَاغَتِ رَجَبٍ
بِاِمَالٍ بِاِمْتِنَانِ مَالِي، كَلَاهِمِ دَارِهِ مَحْصُوبٌ غَمٌّ تُوْرٌ نَبَا بِرَأْسِ اَلْمُرْسِ عَالِي فِي رِيَاغَتِ
نَابِئِهِ مَتَقَلَّبَانَةٌ اَنْ نَبُوْدَهُ وَلِي بِاِئْتِ وَجُوْدِ، كُوْتٌ نَابِئِهِ، كَلَاهِمِ دَارِهِ مَحْصُوبٌ غَمٌّ تُوْرٌ

سُرَابِ حَقَّقِ كَلَاهِمِ دَارِهِ 8

1- فَتَسِي سُرَابٌ حَقَّقَ جَمًّا، يَتَلَقَّى مَالٌ بِغَيْرِ اسْتِ، مَالٌ فِي كَلَاهِمِ دَارِهِ بِاِنَّهُ مَتَقَلَّبٌ
بِهِ غَيْرَ بِاِنَّهُ وَغَيْرِ اَعْمٍ اِز سَخْفِ جَمْعِهِ بِاِحْقَاقِ اسْتِ نَبَا بِرَأْسِ اَلْمُرْسِ
اِز رَهْنِ تَوَسُّلٍ بِوَسَائِلِ مَتَقَلَّبَانَةٍ، مَالٌ مَسْرُوقَةٌ اِز يَدِ سَارِقٍ خَاطِرٌ نَابِئِهِ
عَمَلٌ وَي، كَلَاهِمِ دَارِهِ مَحْصُوبٌ غَمٌّ تُوْرٌ اَمَّا فِي عَصْرَتِ عِلْمٍ وَاطْلَاعِ بِمَسْرُوقَةٍ
بُوْدِي مَالٍ، اِز بِاِبْتِ حَصِيْلِ مَالِ مَسْرُوقَةٍ، قَابِلٌ مَجَازَاتِ اسْتِ
فِي مَكْنِيهِ مَوَارِدِي كَمَا مَالٌ مَوْضِعٌ جَمًّا، اِز رَهْنِ اِرْتِطَابِ جَمِّ حَصِيْلِ نُوْدِهِ اسْتِ
اِسْمَانِدِ كَلَاهِمِ دَارِهِ، مَسْرُوقَةٍ وَضَمَانَتِ فِي اِمَانَتِ عَمَلِ (كَلَاهِمِ دَارِهِ حَقَّقَ غَمٌّ تُوْرٌ
بِهِ) تَوْضِيحٌ كَمَا اَلْمُرْسِ اِئْتِ قَبِيْلِ اِمْوَالٍ رَا بِاِتْوَسُّلٍ بِوَسَائِلِ مَتَقَلَّبَانَةٍ يَبِيْرُ
بِاِتْرَافِ كَلَاهِمِ دَارِهِ قَابِلٌ مَجَازَاتِ نَهَتْ

۲- روئین شرف تحقق جم کلاه زاری؛

۲-۱- فریب مردم به وجود شرفت ها، تجارخانه ها یا مؤسسات یا کارخانه های مردم؛

موهوم به معنای این نیست که ثبت نشده باشد، ممکن است ثبت شده باشد ولی

برای ارتکاب جم ثبت شده یا بعد از هدف نخستین منصرف شده اند.

۲-۲- فریب دادن مردم به راستی اموال و اختیارات و اهر؛

خودش را آدم یا غیر آن را معرفی می کنند.

۲-۳- اهدا و ارتداد کردن مردم به امور غیر واقع؛

و مال ها و رعایت ها قطعاً کلاه زاریند.

۳-۳- ترساندن مردم از عوارض یا بی آفرهای غیر واقع

۳-۴- افتاب اسم یا عنوان معمول (که اسم واقعی داشته باشد یا نه ولی مردم به سبب اهمیت

بسیار می شناسند و مهال را به کار می برند.

۳-۵- وسایل نقلیه و غیره مانند عوارض زریه

۱- استفاده از سند معمول برای بردن مال غیر یا استناد جعلی؛

۲- استفاده از سکه نقلیه یا دلار نقلیه به جای اصلی؛

۳- نشان دادن زمین یا کالای مرغوب به جای زمین یا کالای نامرغوب مورد معامله؛

۴- تظاهر به معلولیت برای دریافت جزایا از مراجع زیر ربط؛

۵- پوشاندن عیوب آثار مبیع توسط فروشنده؛

۶- تغییر دادن بر حسب قیمت کالا

۷- به رهن گذاشتن مالی به بیش از قیمت واقعی

۸- جا زدن خود به جای کس دیگری بابت بستانده و اعتبار زدن مالی

توسل به وسایل متعلقه نه در جرم کلاهبرداری باید مقدم بر بردن مال غیر باشد نه

مؤخر پس اگر کسی مال دیگری را ببرد و سپس با توسل به وسایل متعلقه نه

از بردن آن امتناع نماید این کلاهبرداری نیست چون مؤخر است و مقدم

نیست.

یا اینکه کسی مال دیگری را ببرد و با توسل به وسایل متعلقه نه خود را مقبول

تغییر یا سیل زده، جنب زده یا ورشکست معرفی کند، همین عنوانی کلاهبرداری است

چون مال متعلقه را برده است.

ورشکستی به تقلب چه تفاوتی با کلاهبرداری دارد؟

توسل به وسایل متعلقه نه در ورشکستی به تقلب بعد از بردن مال است

در حالی که در کلاهبرداری قبل

وسایل ارتکاب ممکن است به لحاظ حقوقی متعلقه نه باشد یا ممکن است به لحاظ

فعلی در دستکاری در سند یا نوشته

ماهور متعلقه نه باشد و فعل استفاده از سند یا نامه سر دزدی در بانک یا وانه

فعل زدن بر حسب آن محلاً در جهت است ولی ماهیتاً در جهت نیست

بوعین نبره از نثر ایفای تحقق بهم کلاهبرداری، فریب نبره دیده است و

کلاهبرداری زمانه تحقق من مورد نبره دیده یا انسان فریب بخورد، فریب با اغفال

مستلزم این است که نبره دیده، انسان متعارف باشد پس اگر نبره دیده، و صغیر

یا مجنون یا سفیه باشد کلاهبرداری تحقق نمی نمود و رفتار ترتیب، حسب مورد با جرم

نمود استفاده از ضعف نفس یا بی معرفت قابل انطباق است

افزون بر این توجه داشته باشید که اعمال نبره دیده مستلزم این است که نبره دیده

از تعلیق بودن و وسیله آگاه باشد

و همچنین اغفال نبره دیده متضمن این است که نبره دیده مستقیماً و در اثر

توسل به وسایل متعلبانته، مورد اغفال قرار بگیرد بنابراین اگر کسی با توسل به

وسایل متعلبانته، داروغا استی به داروغا تقدم نماید و داروغا حکم بر روی حال صادر کند

کلاهبرداری تحقق نمی نمود زیرا دلیل اصلی بودن مال غیر، حکم صادره از داروغا است

و نه توسل به وسایل متعلبانته و نه فریب نبره دیده

همچنین اگر کسی با داروغا (خوار بی هویت) کننده (مثلاً نوشیدنی) به دیگری او را بی هویت

کرده و احوال او را بی هویت و عقاوتی نه بر غالب کلاهبرداری تلقی در غالب بی معرفت قابل

مطابقت است (با موارد بی معرفت قابل مجازات است)

نتیجہ حاصلہ 8

از حیث نتیجہ کلاہر داری جو ہے است مقید، مقید بہ بردن، مالی غیر
 اسیاع کلاہر داری یا شخص مورد نظر وی، شرط است بنا بر این اثر کسی با قبول
 به وسایل متعلقانہ، باعث شود کہ دیگران مالان را بیعین بعضی (فقت نازل)
 بفروشد، کلاہر داری نہت (میں صرف بیع سالیات کلاہر داری نہت)
 اثر کسی با وسایل متعلقانہ و این بگیرد ولی قصدش این بنا ہے کہ وام را پس نهد
 یعنی الاں را در وام را برداشت می کند، به تفویض غیر عمد کلاہر داری است
 ولی بر این باید توجہ فرمایید باید توجہ کہ کلاہر داری است ولی در احوال شما توجہ
 کہ کلاہر داری است

ایجاد خطر مصنوعی یا تصادف مصنوعی بر این ترفیق غرض است از بیمہ کلاہر داری
 محسوب می شود

اثر کسی با وسایل متعلقانہ در یک نهادی استخدام شود و بعداً با کار کردن حقوقی بگیرد
 چون حقوقی نمی گیرد بابت اوائیہ خدمات اش، کلاہر داری نہت

میں استخدام در یک نهاد یا شرکت بر اساس عدول جعلی، کلاہر داری نہت زیرا
 ترفیق حقوقی بر اساس فعالیت جعلی یا ادارہ شخص می باشد نہ بر اساس عدول

اوائیہ مدہ اما اثر کسی با اوائیہ مدول جعلی از حقوق و بارانی بیشتر یا بخورد
 خورد، رفتار وی کلاہر داری است

رابطه سببیت در علم کلاهبرداری 8

رابطه سببیت در علم کلاهبرداری باید بین آفرین وجود دانسته باشد

۱- توسل به وسایل متقلبانة و اغفال ذهنی علیه

۲- اغفال ذهنی علیه و بدون مال

ببیان دیگر باید بدون مال، تشویق اغفال باشد و اغفال تشویق توسل به

وسایل متقلبانة در صورتی که نفس رابطه ایی اعداز نگردد، کلاهبرداری محقق

نمی شود بنا بر این اگر نفس با اراثة یک مورد جعلی در یک مسابحة علمی شرکت

نماید و دلیل یا سخنی معصوم بر نفس های مسابحة علمی برنده شده و

جائزه را ببرد، رفتار وی کلاهبرداری نیست زیرا علت اصلی بدون جائزه،

یا سخنی معصوم به سوالات برده است و نه توسل به وسایل متقلبانة

بدین جهت در صورتی که توسل به وسایل متقلبانة صورت پذیرد اما ب دلیل

اظهار ذهنی علیه یا هر مانع دیگر منعید بدون مال نشود، رفتار مرتکب با عنوان

شروع به کلاهبرداری قابل مجازات است

مختصر مکتوبی جرم کلاهبرداری ۲

کلاهبرداری جرمی است مجزیه، بنابراین برای تحقق آن، ترتیب باید در این نوعیت باشد.

بودنیت در اینجا هم در مفهوم سودنیت عام و هم در مفهوم سودنیت خاص، لازم است.

سودنیت عام در جرم کلاهبرداری عبارت است از قصد توسل به وسایل متعلبان با

علم به تقلب بودن وسیله.

سودنیت خاص به معنای قصد بردن مال غیر است.

کلاهبرداری جرمی است مقید و در جرائمی که وقوع آنها بر اساس قانون، منوط به

تحقق نتیجه است، قصد سبب باید اثبات شود.

در جرم کلاهبرداری انگیزه مهم نیست.

مجازات کلاهبرداری ۱

مجازات مابستره: مجازات شروع به کلاهبرداری ۱ مجازات معاونیت در کلاهبرداری ۲

مجازات مابستره در کلاهبرداری باید در ۲ حالت بررسی شود.

کلاهبرداری ساره مجازاتش بین از ۱ تا ۳ سال ۲ جزای نقدی

معادل مال تحصیل شده ۳ رد مال

کلاهبرداری مکرره ۱- انحلال شرکت معضول دولتی یا عمومی

۲- تبلیغ عامه قبل رساندن نطق در مجامع و راهپیمایی و روزنامه و ...
۳- در ارتش دولت یا عمومی

ص ۲ تا ۱۰ سال

فجائی تفریحی معادل عال تحصیل شدہ

رد مال

انفصال لبر

مجازات کلاہر داری
مرد

مجازاتہا غیر قابل تعلق اندوہ کثیر از عدول غیر قابل تخفیف

شروع ب کلاہر داری

مجازات شروع ب کلاہر داری عدول مجازات جسم اور تکالیف

بین شروع ب کلاہر داری ۱۰ سال

شروع ب کلاہر داری ۲ سال و انفصال (م) تواند موقت بائٹہ ۳ ماہ

تا ۳ سال بائٹہ یا دائم بائٹہ

شروع ب کلاہر داری ہم قابل تخفیف است ہم قابل تعلق

کلاہر داری سے ہی ٹور درجہ ۵ یا ۶

معاذت ب کلاہر داری

در شروع ب کلاہر داری سے ہی ٹور درجہ ۷ یا ۸

جعل و کلاہر داری ، مسئول مقدمات بقدر عاری است اما استغاثہ از بند مجبور

برای کلاہر داری ، بقدر مغز است

صورت خاص کلاهر بلاری و

۱- صورت خاص کلاهر بلاری با مجازات کلاهر بلاری

۲- صورت خاص کلاهر بلاری با مجازات مستقل

۱- صورت خاص کلاهر بلاری با مجازات کلاهر بلاری و

۱- انتقال مال غیر و طبق هم ایاق مجازات رابع انتقال مال غیر مصوب ۵، ۸، ۱۱، ۱۲

کسی که مال غیر را با علم یا اینکه مال غیر است به نحوی از احوال، عمدتاً یا مستعملاً

بدون مجوز قانونی و غیره منتقل کند، کلاهر بلاری محسوب و مطابق ماده ایاق تدرید

مجازات مرتکبین ارتش، اعتدالی و کلاهر بلاری، مخوم عن تود و همچنین است

انتقال گیرنده این که بر عین معامله، عالم به عدم مالکیت انتقال دهنده باشد

اگر مالک از وقوع معامله مطلع شده و تا یک ماه پس از حصول اطلاع

احضاریه برای ابلانغ به انتقال گیرنده و مطلع کردن او از مالکیت خود به

مراجع مربوطه تسلیم نماید معاف و هم مصوب می شود

بنده نکتته در مورد انتقال مال غیره

در انتقال مال غیر بطور مطلق هم محسوب می شود اعم از اینکه انتقال عین

باشد یا وصیت منقول باشد یا غیر منقول در شکل بیع باشد یا غیر بیع، یعنی

به هر شکل انتقال هم است

۲- انتقال مال مساع توسط شرکت پیش از سهم خود، طبق یک نظر انتقال مال غیر است و بر اساس نظر دیگر جم نیست که البته تغییر به نفع سهام، نظر دوم را مدح و حق سازد.

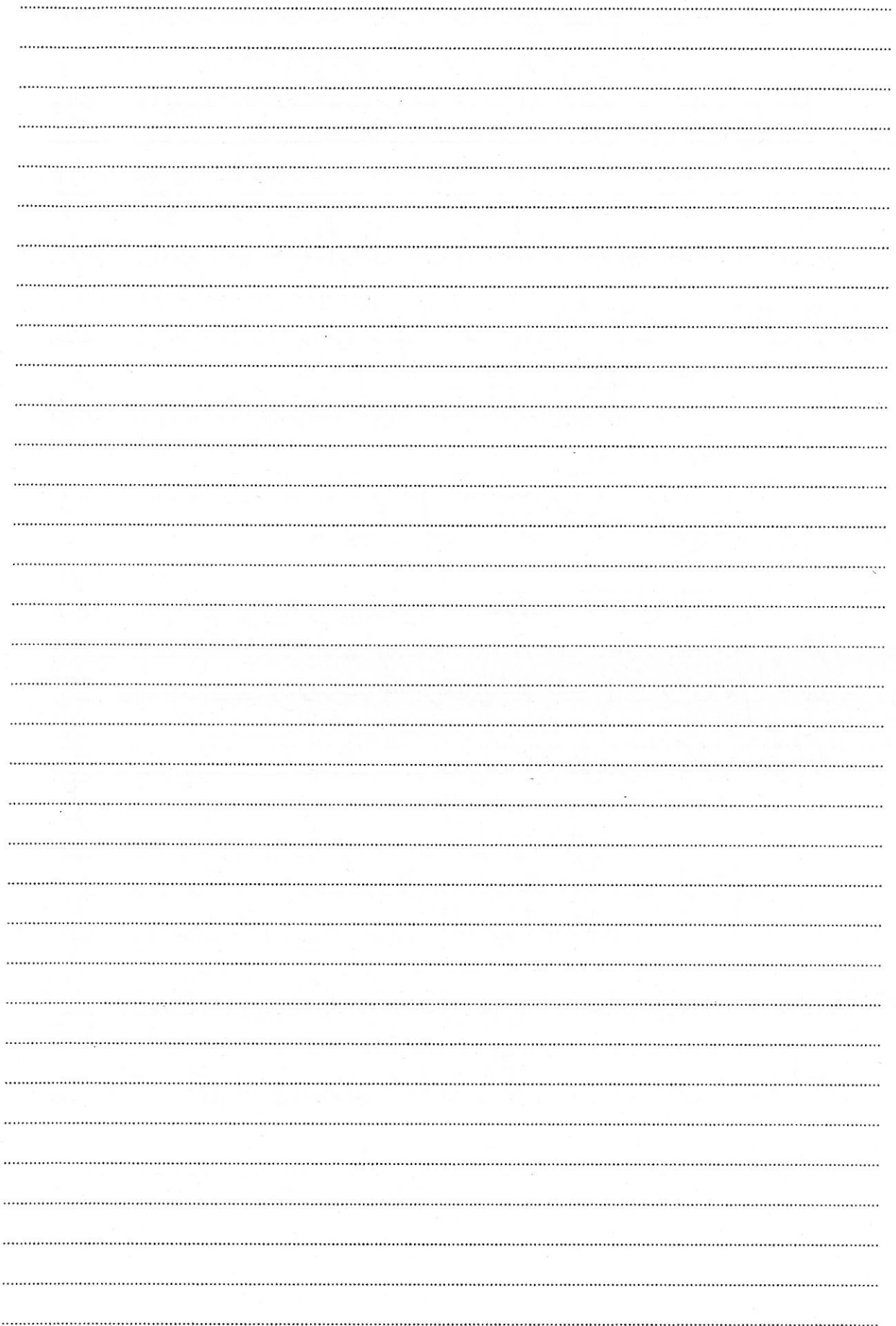
۳- آنچه که فارغ بین انتقال مال غیر با معامله فضولی است، مورد نیست است یعنی اگر معامله فضولی توأم با صورتی باشد مجازات انتقال مال غیر اعمال می شود در غیر اینصورت مقررات معامله فضولی در ۲ مورد موافق در مال مساع جم است

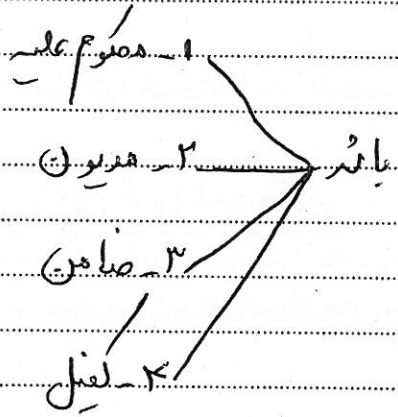
- ۱- صورت
- ۲- تخریب

در انتقال مالی غیر عیون در صورت قانون، صرفاً انتقال مال غیر را ملاحظه کردیم (موضوعاً ملاحظه کردیم است) بنا بر این تمام اگر چه بر جم ملاحظه کردیم مترتب است در مورد انتقال مال غیر نیز قابل اعمال است

از جمله غیر قابل نقلی و غیر قابل تحفیف کمتر از حد اعمال صورت خاص و با مجازات ملاحظه کردیم (۲- محرف مال غیر به عوض مال خود) و در بین خود محرف مال غیر به عوض مال خود است

طبق م ۲ ق مجازات است استماع جم مال غیر را به عوض مال خود محرف می نمایند، مصوب ۱۳۰۸، ۳۱، ۳۲، ۳۳، محکم علیه یا عدویون یا ضامین یا لفظی که بدون مجوز قانونی و با علم به اینکه مال، متعلق به او نیست، مال غیر را مال خود محرف کرده و عملیاتش نسبت به آن مال کرده باشد، مطابق قسمت اخیر ماده ۱ ق تعدید مجازات مرتکبین است (اختلاف و ملاحظه کردیم مجازات خواهد شد مرتکبین این جم ۴ کرده می توانند





این جرم در حکم کلاهبرداری است نه موضوعاً، بنابراین آثار مقترب بر کلاهبرداری در اینجا اعمال نمی‌شود
 نفس معروف و جرم نیست، بلکه باید علیاً منتهی به توقیف مال صورت بگیرد
 مصرف مال غیر به عوض مال خود، جهت برائت باید مجازات شروع به کلاهبرداری
 انجام شود.

در صورت آن است که در مورد جرم فکوری (معرفی و غیره به عوض مال خود)
 مجازات شروع به کلاهبرداری یعنی اگر در زیر اعم ۲ قانونی فکوری، استاره به
 مجازات براساس قمت افر ماده ۲۳۸ ق مجازات عمومی تأثیر که
 این مجازات ناقض شروع به جرم است (یعنی شروع به کلاهبرداری) است
 بر همین مبنا باید در حالت فعلی مجازات مقرر در تبصره ۲ ماده ۱
 تأثیر را در مورد این جرم، اعمال کرد.

۳- مصرف مافوق یا مجازات کلاهبرداری (تبیانی برای بریدن مال غیر)
 طبق ماده های ۱ و ۲ قانونی مجازات اخصی که برای بریدن مال غیر تبانی می‌کنند
 مصوب ۳/۵/۱۳۵۷ هرگاه اخصی باید بر تبانی کرده و برای بریدن مافی که

مطلق به غیر است بر هر کس اقامه دعوا نمایند یا استخاص که به عنوان شخص ثالث
 در دعوی وارد شده یا به عنوان شخص ثالث بر حکم اعتراض کرده یا بر محکوم به
 حکم مستقراً اقامه دعوا نمایند و این اقدامات آنها ناشی از نمایندگی یا اثر
 کلاهبرداری محسوب و علاوه بر تأدیه خسارات وارده، به مجازات کلاهبرداری
 محکوم خواهند شد (همان مجازات مقرر بر ماده ۱)

۱- طرح دعوی صورتی

۲- ورود ثالث

۳- اعتراض ثالث

۴- طرح دعوی یا اقامه دعوا بر محکوم به توسط ثالث

ثالث

برای بردن مال غیر

چون مطلق است و بر قصد بردن مال غیر است همان آثار کلاهبرداری این جا مترتب است
 چون مطلق است و سود نیست فایده دارد

۴- صورت فایده یا مجازات کلاهبرداری و ثبت یا تقاضای ملک غیر

بر اساس ماده های ۱۰۵ تا ۱۰۹ هر کس تقاضای ثبت ملک یا اینها کرده متعلق به

اوست (صرف نظر از دانستن سابقه مالکیت یا ضمیمه کلاهبرداری محسوب و

به مجازات کلاهبرداری محکوم می شود و صرف نظر از اینکه ملک به نام او ثبت کرده

یا نکرده (یعنی مجرد ثبت ملک غیر لغایت حق ثبت) ماده ۱۰۵ تا ۱۰۹

ثبت یا تقاضای ثبت ملک غیر به جرمی قابل تنزیه است که اینها ملک درستی یا وقت عام

موضوعاً کلاهبرداری است

۵ صورت خاص، با مجازات کلاهبرداری و امتناع از رد حق به صاحب آن و
 طبق ماده ۱۱۶ ق.ت. و در مورد اعلانی که برهنه داده شده یا به کسی از عناوین
 مذکور در قانون، انتقال داده شده و رهن یا تقاضا رهنه ملک است، حق
 طرف را در ضمن اظهارنامه قید نماید

در صورتی که رهن یا انتقال رهنه به این تکلیف عمل نماید، برترین یا انتقال گیرنده
 می تواند تا یک سال از تاریخ انقضای مدت حق استرداد یا رد به وسیله
 اظهارنامه رسمی، حق خود را مطالبه کند، هرگاه در طرف یا روز از تاریخ ابلاغ
 اظهارنامه، رهن یا انتقال رهنه، حق طرف را ندارد، کلاهبرداری معسوب و
 مطابق قانون با او رفتار خواهد نمود در این جا جرم یا ترک فعل واقع می شود

۶ صورت خاص، با مجازات کلاهبرداری و تحصیل متقلبانه تصدیق انحصار وراثت
 طبق م. ۹ قانون تصدیق انحصار وراثت، مصوب ۱۳۰۹، هرگاه معلوم شود
 مستحق تصدیق با علم به عدم وراثت خود، تحصیل تصدیق وراثت نموده
 یا با علم به وجود وراثت غیر از خود تحصیل تصدیق برخلاف حقیقت کرده است
 کلاهبرداری معسوب و علاوه بر مجازات انحصار وراثت کلاهبرداری محسوب می شود

این جا موضوعاً کلاهبرداری است
 ۱- می دانند وراثت نیست و خود می دانند وراثت
 این جا ماده ۲ حالت را جرم دانسته است
 ۲- می دانند وراثت نیست و می گویند که وراثت است
 معرّفی کرده و معرّفی نکرده

۷- صور خالص، با مضاربت کلاه برداری؛ مورد استفاده از ارزش دریا حق از دولت

۸- صور خالص، با مضاربت کلاه برداری، و جعل عنوان نامندگی بیمه

منظور بیمه دولتی است که کلاه برداری محبوب می شود م ۶۹ قانون اساسی بیمه عمری

و بیمه و بیمه عمری اطلاق م ۶۹ هر سخن حقیقی یا حقوقی که بدون واسطه بر وانه تحت عنوان بیمه نماید، با مضاربت مقدر بر این کلاه برداری

تعریف

عناصر تشکیل دهنده

مضاربت کلاه برداری

صور خالص ← با مضاربت کلاه برداری؛

- ۱- انتقال مال غیر
- ۲- معرفی مال غیر ب عنوان مال خود
- ۳- تمایز برای بردن مال غیر
- ۴- ثبت یا تقاضای ثبت ملک غیر
- ۵- اقتناع از برحق نبودن صاحب آن
- ۶- تحصیل متعلبات تصدیق اخصار وراثت
- ۷- مورد استفاده از ارزش دریا حق از دولت
- ۸- جعل عنوان نامندگی بیمه

با مضاربت مستقل؛

- ۱- معامله معارضین
- ۲- ورشکستگی بقلب
- ۳- تمایز غیر تصفیه
- ۴- ترفیق با قلب در معاملات دولتی
- ۵- انتقال مال خود ب دیگری ب قصد فرار از دین
- ۶- کلاه برداری رایانه ای
- ۷- تحصیل مال از طریق نامشروع م ۲۴

صور خاص، با عبارات مستعمله و معامله معارضین

معامله معارضین نیز انجام بیس از بیس معامله نیت به حال واحد

هر معامله معارضین، مشمول مقررات م ۱۱۷ قان غن شود، برای

اینکه مشمول م ۱۱۷ معامله معارضین است یا غیر، باید ۴ حالت را تصور نمود

معامله اول با نیت دوم معامله دوم با نیت دوم

معامله اول با نیت عادی و معامله دوم با نیت عادی

معامله اول با نیت دوم و معامله دوم با نیت عادی - معامله معارضین نیت

معامله اول با نیت عادی و معامله دوم با نیت دوم، در این جا ۲ حالت

مصور است ۱- مورد معامله مال منقول است - معامله معارضین است (م ۱۱۷)

۲- مورد معامله مال غیر منقول است

۳- مورد معامله مال غیر منقول یا نیت ۳ حالت دارد

۱- معامله با نیت عادی به لحاظ قانون نیت معارضین است م ۱۱۷ (معارضین نیت)

۲- معامله با نیت عادی به لحاظ قانون نیت معتبر نیت (مبیین است مشمول

استمال مال غیر نیت)

فرض دوم از حالت چهارم

صیق را می و عدت رویه در مناطقی از کشور که نیت اموال غیر منقول

در مورد آنها اجباری است، معامله نیت - این سبب اموال انرا

باید در غالب نیت دوم باشد، بنابراین اگر کسی ابتدا با نیت عادی و سپس با

نیت دوم معامله ای در مورد اموال غیر منقول نماید، مشمول م ۱۱۷ قان

نهی شود زیرا معاقله نیست اعتبار ندارد (از نظر ق) اما امر معاقله نیز
نقطه این از شور یا نه که بیت احوال غیر مقبول التزام نیست مانند برخی روایات
و برخی نحوی ها در این صورت زینهار ترکیب معاقله معاقله بقی می شود
مجازیات معاقله معاقله ^{۱۳} تا ^{۱۵} سال بین است با اعمال ^{۱۴} تا
که الان سابقه این موضوع است در این

مجازیات معاقله و جمع معاقله معاقله در ^{۱۵} یا ^{۱۶} است

۲- صور خاص و با مجازات مستعمل و در ^{۱۵} یا ^{۱۶} تقلب
صوت داده هلاک قانونی تعزیرات و کانی که به میزان و در ^{۱۵} یا ^{۱۶} تقلب
معلوم می شوند مجازات ^{۱۵} تا ^{۱۶} سال محکوم می گردند (نقش درجه ۵)
در ^{۱۵} یا ^{۱۶} تقلب و یا ^{۱۵} یا ^{۱۶} با ^{۱۵} یا ^{۱۶} از ^{۱۵} یا ^{۱۶} تقدم یا تاخذ
وسيله تناوت دارد، در ^{۱۵} یا ^{۱۶} با ^{۱۵} یا ^{۱۶} از ^{۱۵} یا ^{۱۶} تقدم یا تاخذ
مال است حال آنکه در ^{۱۵} یا ^{۱۶} با ^{۱۵} یا ^{۱۶} از ^{۱۵} یا ^{۱۶} تقدم یا تاخذ
می بردن می یابند

در ^{۱۵} یا ^{۱۶} با ^{۱۵} یا ^{۱۶} از ^{۱۵} یا ^{۱۶} تقدم یا تاخذ
فاصله ^{۱۵} یا ^{۱۶} می است تقصیر عنصر معنوی ^{۱۵} یا ^{۱۶} از ^{۱۵} یا ^{۱۶} تقدم یا تاخذ
به ^{۱۵} یا ^{۱۶} از ^{۱۵} یا ^{۱۶} تقدم یا تاخذ است و ^{۱۵} یا ^{۱۶} از ^{۱۵} یا ^{۱۶} تقدم یا تاخذ
سود نیست خاص و در ^{۱۵} یا ^{۱۶} با ^{۱۵} یا ^{۱۶} از ^{۱۵} یا ^{۱۶} تقدم یا تاخذ است

۳ - صور ضامن و با معارضات مستقل و بیانی مدبر تصفیه (۶ ماه تا ۳ سال صبی) ۶۷۳

نسیج بیانی و اعتبار بر سایر دنیای است

جرم مقدمات با یونیت ضامن

۴ - صور ضامن و با معارضات مستقل و تدلیس یا تقلب در معاملات روزی (م ۵۹۹)

بیانی یا در خرید و فروشی است یا دریافت و جرم مقدمات به محصل نفع خود

یا دشمنی است

مطلب این جرم هر کسی می تواند باشد اعم از دولتی و غیر دولتی

این جرم در مجرای است صبی غیر تا ۵ سال

۵ - صور ضامن و با معارضات مستقل و انتقال مال خود به دیگری به قصد فرار از دین

ص ۴ قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی مصوب ۱۳۷۷ هر کسی به قصد

فرار از دین و تقهورات مالی موضوع اسناد لازم الاجرا و کلیه محکومیت های مالی

مال خود را به دیگری انتقال دهد به نحوی که باقی مانده اموالی برایش برسد لغت بدین او

کافی نباشد به ۴ ماه تا ۲ سال صبی تغزیری محکوم خواهد شد و همین است برای

انتقال گیرنده (غیر با علم و اطلاع با نه)

۱ - صدور حکم محکومیت قطعی مالی

در ۲ حالت انتقال مال خود به دیگری

۲ - بعد از استیصال ذمه در اثر تقهورات

به قصد فرار از دین جرم است

سائل هر نقل و انتقالی می شود نه صرفاً معامله به قصد فرار از دین

جرم مقدمات و یونیت ضامن آنهم هم قصد فرار از دین است

۲- صور حاضر، با عبارات مستقل و کلاهبرداری رایبانه این

ماده ۶۷ و ۶۸ قانون تجارت الکترونیک منع شده و الا آن تنها عاده برای کلاهبرداری رایبانه این

ماده ۷۴۱ ق. تجزیرات است. م. ۴۱۰ ق. تجزیرات تا م. ۶۷۴ ق. تجارت الکترونیک است

ها نشونده که اشاره نمیشود. باید یک نقلی در سا همان رایبانه این یا عجا براتی انجام شود

تقلب ممکن است در غالب موارد و اگر در این موارد با سند یا در غالب

تغییر داده یا سند یا صور داده یا سند یا اجمار یا توقف در داده یا سند یا در شکل مستقل

کردن رایبانه این در هر صورت تقلب در رایبانه نمیشود است این کلاهبرداری

مقتضات است

رایبانه با کلاهبرداری از طریق رایبانه زیرا کلاهبرداری از طریق رایبانه، لزوما

کلاهبرداری رایبانه این یا عجا براتی نیست ممکن است کلاهبرداری در بستر

اینترنت واقع شود بدون تقلب در رایبانه. فعلاً در غالب این موارد

در کلاهبرداری رایبانه این، ممکن است ترتیب، اعتبار مالی یا فواید رایبانه

تحصیل کنند یا بر این اثر کسی یا تغییر تراشه های موجود در کارت های حافظه

خدمات رایبانه، تحصیل کنند، رفتار و این کلاهبرداری رایبانه این یا عجا براتی است

همین اثر کسی با تقلب در سیستم اندازه گیری آب و برق (بشرطی که رایبانه این باشد)

بول برق شهری بردارند و ترتیب و هم کلاهبرداری رایبانه این یا عجا براتی شده است

سرقت وجه از طریق رایبانه (یعنی تقلب در سیستم) هم کلاهبرداری رایبانه این و در اثر

این سرقت رایبانه این به منظور رقیق هم همان سرقت داده ها است (اطلاعات)

سرقت

کتر کسی عاوی بانگ سفیر را پیدا کرده (بدون داشتن دفتر آن) هر کاری کند

در آن عوض شود و نوبت بگیرد، کلاهبرداری رایانه این است

جرم موضوع ماده ۷۴۱ از قیود درجه بندی، درجه ۵ محسوب می شود (هم من اس)

درجه ۵ است و هم جزای نقدی است، جرم کلاهبرداری رایانه این قابل تخفیف است

و اگر در غالب جرم اقتصادی قرار بگیرد و مبلغ آن بیش از ۵۰ میلیون ریال

باشد قابل تعلیق است

و کلاهبرداری منتهی به کلاهبرداری رایانه ^{رایانه} محمول مرور زمان می شود

مروط بر اینکه تا ۱ میلیون ریال باشد اگر بیشتر از آن محمول مرور زمان

نمی شود پس یا مذاق یا جزای نقدی

و مجازات شروع به کلاهبرداری رایانه این درجه ۱ است به استناد

ماده ۱۲۲

مجازات معاونت در کلاهبرداری رایانه این همین یا جزای نقدی درجه ۶ یا ۷ است

یک یا ۲ روزه ناسی کر

م ۱۰۹ هم محمول کلاهبرداری منتهی به کلاهبرداری رایانه این بیش از ۱ میلیون ریال

باشد محمول مرور زمان نمی شود

کلاهبرداری منتهی به کلاهبرداری رایانه این قابل تخفیف است و پس در کلاهبرداری رایانه این

کند از حد اعلا قابل تخفیف است

تعريف

سرقت و انواع سرقت

جرایم مرتبط با سرقت

تعريف سرقت و سرقت بر اساس م ۲۶۷ عبارت است ربوب مال

مبتعلق به غیر

- ۱- مفهوم ربایش
- ۲- مفهوم مال
- ۳- متعلق مال به غیر

ربایش به یک مال معروف است و به سادگی قابل تعریف نیست بعضی ها گفته اند

که ربایش به معنای جابجایی یا نقل و استعمال مال است که فتنه طالب نیست

چون با کلاهبرداری و ضمانت در اعانت تداخل پیدا می کند

بعضی ها گفته اند منظور از ربایش یعنی ربوبی متعلقه مال است و اینهم جانب

نیست چون با کلاهبرداری تداخل پیدا می کند

بعضی می گویند منظور از ربایش و تصاحب است

بعضی ربایش را به مفهوم قبضه و قبضه مال معرفی کرده اند و اینهم جانب نیست چون

در سرقت ملکانه قبضه و قبضه معنا ندارد

پس تا زمانی که هیچ تعریف دقیقی از ربایش وجود ندارد بلکه عرف متخلف می کند

که این سرقت است یا نیست پس ربایش یک مقوله عرفی است

مقتن در سندهای ۵ و ۶ م ۲۵۶ ق تعزیرات این را با روق صواب کرده

و باین در صورتی سرقهت معرب می شود که به قصد محروم کردن دانی مالک باشد
بنابر این اگر کسی مال دیگری را به قصد تنفاره بوقت بر بیاید، رفتار وی مجرم است
لیکن سرقهت نهی م ۲۶۵ ق تقزیرات

نکات مهم

۱- اگر کسی مال دیگری را به قصد محروم کردن دانی بر بیاید لیکن قصد او بعدها موقتی شود
(یعنی محروم کردن صوقت) رفتار وی سرقهت است چون قصد، صین ارتکاب مجرم است
اما اگر کسی مال غیر را به قصد محروم کردن موقتی بر بیاید، و صین قصدش دائمی شود
رفتار وی سرقهت نهی همان مجرم صاف است زیرا تقارن عنقریبی با
عنقریبی، لازم است اما این تذکر لازم است که اگر کسی قصد محروم
کردن موقتی مالی را داشته باشد که ارزش موقتی دارد، رفتار وی سرقهت
است ملاً بلطه قطار یا هوایا را بر بیاید

و باین می توانستیم بانه یا غیر مستقیم

و باین مستقیم به معنای وضع بد مستقیم بر مال است اما باین غیر مستقیم
به معنای باین از طریق مجنون، صغیر غیر معتبر، حیوان یا هر وسیله بی اراده دیگر

مستقیم مال و در مورد حال همانگونه که در ذیل مصدق کلامی در این گفته شد
مال آن چیزی است که قابلیت دارد استقلال را داشته باشد
مال اعم از منقول و غیر منقول قابل برقت است فقط غیر منقول ذاتی
غیر قابل برقت است

مال در صورتی موضوع برقت قرار میگیرد که ذاتاً مشروع باشد پس برقت مشروبات
الکلی، حواری، غیره، برقت محسوب نمیگردد هر چند که در طلب قابل مجازات است
به استناد اینکه داشتن مشروبات الکلی حرام است
و باین اموال ممنوعه مانند تجهیزات ماهواره به نظری برسد که برقت باشد
داشتن تجهیزات ماهواره ناشی از نیت و لیس حرام است
داشتن تجهیزات ماهواره به قصد تجارت نیز حرام است
برقت ادبی در حرام است ولی مشمول مقررات مربوط به برقت نمیگردد و باین
مشمول قانون حقوق مؤلفان و مصنفان نمیگردد

بیان جلد ۱۴

۹۳، ۲، ۲۷

حقوق جزا / دکتر رستمی ————— برنام غذا ————— جلسه پانزدهم ۱۹ / ۹۲/۳/۳

تعریف
سرقت → انواع سرقت
که در آن هر تنظی با سرقت

تعریف سرقت
تعیین مفهوم ربای
تعیین مفهوم مال
تعیین مفهوم تعلق مال غیر
ادامه بحث مفهوم مال

در مورد اعضای بدن ۱ حالت قابل تصور است ۲

حالت اول این که اعضای بدن در جای مخصوص نگهداری می شود که در این صورت اگر سرقت

شوند و اصول مقررات سرقت متذکرانند سرقت کلیه از بابت کلیه یا

سرقت خون از بابت خون سرقت اسپرم از بابت اسپرم

حالت دوم این که اعضای بدن مستقیماً از بدن عبور سرقت قرار می گیرند در

این صورت سرقت نیستند اما مجازات قصاص یا دیه یا تفریر حسب

مورد بلا مانع است

بدون لطف از تن میت ، بدون اطلاع پس ، یا بی مصلحت سرقت محسوب می شود

ربایین انسان ولو به قصد برون مال او ادم ربایین محسوب می شود و از سرول هم

طلا و جواهر

سرقت خارج می شود

ربایین خوار خوارکن حتی خوار خوارکن سریع الفساد سرقت محسوب می شود و

اگر به نصاب هم برسد ، سرقت عدس است (۴،۵ خود)

ربایش آب، گاز، برق، تلفن یا سیم فاضلاب قبل از اخذ اشعاب

جرم خاص محسوب می شود. م ۶۶۰ اما اگر بعد از اشعاب باشد (تغلب

بعد از اشعاب می توانند علاوه بر مواردی را بیان نمایند، می توانند علاوه بر مواردی را بیان نمایند این

نیانته (اصلاً جرم نیانته) اگر کمتر رکن نیانته، اکثر و تنگ باشد، علاوه بر مواردی را بیان نمایند این

م ۶۶۰ و ناظر به قبل از اشعاب است است

آب، برق، گاز، تلفن در صورتی که در یک محفظه محفوظ باشد، ربایش آنها

سرقت است است

سرقت آب جاری، غیر اعمصاص، به تصرف یا در وجه جرم نیست غیر آنکه منجر به غش یا تضییع محصول

دیگری شود. یعنی از باب تخریب جرم است نیز از باب سرقت (م ۶۸۴)

تعلق مال به غیر
۶ ماه تا ۳ سال
مجازات تا ۲۴ فرجه

برای تحقق جرم سرقت باید مال ربوده شده، متعلق به غیر یا به بیان دیگر ملک غیر

باشد بنابراین ربایش اموال بی صاحب یعنی مجهول المالك که در مالکیت کسی قرار

ندارد سرقت محسوب نمی شود البته در صورت اموال لقمه یا به قائل به تغلب است

ضایع مال لقمه از سلفه مالکانه مالک، خارج نشده باشد، ربایش آن سرقت

محسوب می شود اما اگر مال لقمه از سلفه مالکانه مالک، خارج شده باشد، عنوان

سرقت معنا ندارد مگر آنکه اگر کسی (غش) را در ملک خود کم کرده باشد و کسی آن

را بر ندارد و ببرد، زفتار و بی سرقت محسوب می شود اما اگر انشتر در

ضایع یا بیان کم شود سرقت معنا ندارد

منظور از تعلق مال بغيره تعلق عين آن بغيری است بنا بر این در صورتی که
 عين مال، متعلق برباننده باشد، سرقه محقق نمی شود حتی اگر سارق شخص از
 حق یا منفعت بر آن مال برخوردار باشد مثلاً ربایش عين مرهونه یا عين مستأجر
 توسط رهن یا مرجه، سرقه نیست هر چند که رهن، و یا مستأجر دارای
 حق اند

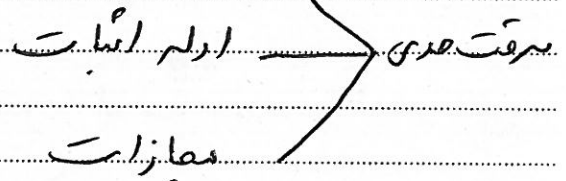
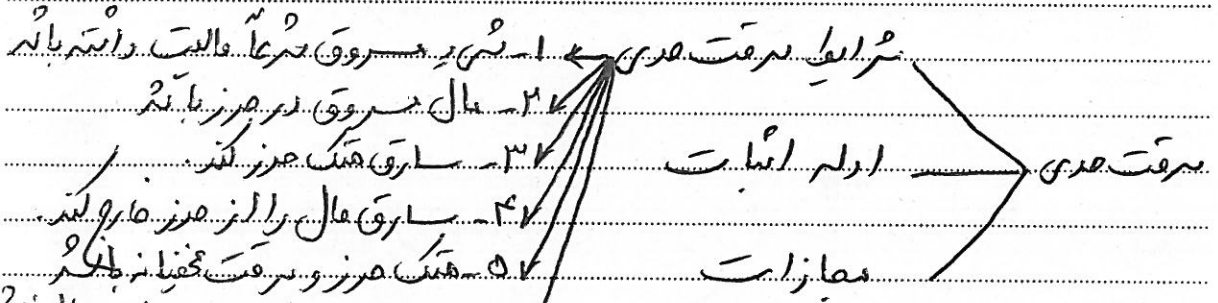
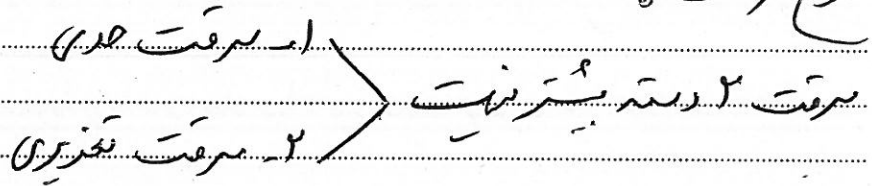
همچنین اگر خریدار قبل از پرداخت عین و بیع را از فروشنده بر بایده و بیهین
 وسیله، او را از حق عین محروم سازد، عمل وی سرقه نیست زیرا بیع مجرد
 عقد بیع، مالک بیع به خریدار منتقل شده است بنا بر این محرومیت از حق عین
 نتیجه را تغییر نمی دهد

لازم به تأکید است که سرقه شرک در حال منع و موقوف مقررات
 سرقه می شود در صورتی که بیش از حصه خود را بردارد م ۲۷۷ ق.م.ا
 در تعلق مال بغيره غیرین توانسته شخص حقیقی باشد یا شخص حقوقی

ربایش مال مسروقه یا مال مقصوبه یا غیره ای که در نتیجه جرم تحصیل شده است
 موقوف مقررات سرقه نمی شود همین جهت مجرم مستقل باشد بنا بر این
 اگر کسی مال مسروقه را با علم و اطلاع به مسروقه بودن بر بایده به اتهام
 تحصیل مال مسروقه موضوع م ۱۶۲ ق. تعزیرات، قابل مجازات است
 ربایش مرتضی از بیمایرستان به قصد عدم پرداخت پول بیمارستان (حق الزحمه) سرقه

مصبوب غم نبود (ریایش باید برای تحصیل مال باشد نه برای نپرداختن مال)

انواع سرقت و



- ۱- سر مال مسروق
- ۲- سر مال غیر مسروق
- ۳- سر مال مسروق در عین حال
- ۴- سر مال غیر مسروق در عین حال
- ۵- سر مال مسروق در عین حال
- ۶- سر مال غیر مسروق در عین حال
- ۷- سر مال مسروق در عین حال
- ۸- سر مال غیر مسروق در عین حال

۱۴ مورد است که در این جا لا مورد
 جائز عقیده
 در توفیقات
 نوشته شده

ریایش اموال نامشروع حتی اگر از کسی که راستن آن اموال برایشان شروع است
 سرقت محسوب غم نبود بنا بر این اگر کسی سروبات کسی را برباید یا
 یک پیروی را بر باند مشمول مقررات سرقت غم نبود هر چند که سرایت عدوی
 دارد

مسائل

۱- سر مال مسروق در عین حال
 ۲- سر مال مسروق در عین حال

عذر در لغت به معنای جای محکم و استوار است، از نظر قانون (م ۲۶۹)
 عذر عبارت از مکان مناسب است که مال عرفاً در آن از دستبرد محفوظ
 می ماند. بین عضاوت و عرف در مورد عذر اهمیت دارد

به لحاظ عرفی و تقطاعی عمری اتومبیل هرگز محسوب نمی شود. هر چند بسته باشد
 هیچگونه وسیله نقلیه و رافل ضایع و ولو مجهز به رزدریم و تمام ابزارهای اینها
 برای وسایل رافل اتومبیل هرگز محسوب نمی شود. البته باید تأکید کرد که منظور
 از هرگز مناسب انزالاً مکان طبیعی است یعنی بسته بنابر این هیچ دست
 درخت، بدن و گردن و غیره توان به ترتیب و هرگز ساعت، سیره، لباس
 و گردن بند را نیز هر چند که موضوع طبیعی این است همان مکان ها هستند
 همچنین جیب ظاهر هرگز محسوب نمی شود هر چند مابین طبیعی نیز است. بول
 محسوب نمی شود اما هرگز محسوب نمی شود بر خلاف جیب باطن و مخفی

با توجه به تعریف ارائه شده در ماده ۲۶۹ باید قائل شد که هرگز
 باید مکانی باشد بین هرگز و بسیار. بنابراین هرگز با نگاه کردن
 یا مراقبت بسیار نمی تحقق نمی شود بین حجم جویان را نمی توان هرگز جمله محسوب
 کرد. همچنین حجم مغازه دار را برای کالاهای درون مغازه (مغازه امر بسته
 باشد) هرگز است اما اگر باز باشد هرگز محسوب نمی شود.

منظور از هرگز مناسب لزوماً هرگز معمول نیست، به بیان دیگر منظور این
 نیست که هرگز، اصل معمول برای محافظت از مال باشد بلکه هرگز باید به گونه ای
 باشد که عرف آن را برای محافظت از مال، کافی بدانند، برای نمونه اگر شخصی
 بخواهد خود را با بیخوابی در طایفه مشغول بگذارد، آن به وقت صبح است

هضمی اگر کسی جواهر است خور را میان مواد خوراکی منجید کرده بدون فزونی خانی است

پنهان کند شرط تمام است و رعایت کرده است

قبر برای نفس و عزت است

برفت کف در جایی که کف در دست باشد و عمل شود، برکت صریح است

۳- سارق هفت هزار کند

هفت هزار طبق م ۲۷۱ عبارت از نقص غیر حجاز عز است که از طریق

خریب دیوار یا بالارفتن یا باز کردن یا شکستن قفل و امثال آن محقق شود

با توجه به این ماده هفت هزار می تواند مادی باشد یا معنوی

مفقور از هفت هزار مادی و ورود به عز یا توسل به خونت است

فصل ششم

اما هفت هزار معنوی و به معنی ورود به عز بدون توسل به خونت است

عائمه این که نقص از کلید استفاده کند یا رمز را بشکند یا از دیوار بالا رود

باز کردن بدون توسل به خونت (شده کلید دیوار)

یا متصرف

بنابر این اگر کسی اجازه ورود به عز یا باز کردن آن را از سوی مالک داشته

و داشته باشد و می تواند هفت هزار نامیده چون اجازه داشته

در برکت مستقیم یا صهای یا کارگر و برکت مستقیم عدلی باشد

هضمی اگر کسی کلید از برای باز کردن صندوق نوز خود

به منزل دعوت کند و کلیه سازشین از باز کردن در صندوق، مالی از (تورن)
آن بریاید، معرفت حدیث نیست چون اجازه باز کردن را نمیده است
اما باید خاطر نشان کرد که اگر اجازه ورود به محل خاص به مستخدم یا همای
یا کارکن داده نشود یا نه، تحقق هتک حرز و بعد نیست، مانند آنکه همای
اجازه ورود به اتاق دیگر را ندانسته یا نه یا اجازه دسترسی به طاق صندوق را
ندانسته یا نه ولی بدون اجازه در اتاق را باز کند یا رمز طاق صندوق را
بیاید یا هر کس را که اجازه دسترسی ندارد، باز نماید عمل وی معرفت حدیث
موجب می شود.

اگر کسی با مصدق سازی خودش را مثلاً مأمور برقی جا بزند، هتک فزونی نیست
و ورود متقلبانه به حرز (یعنی با گنجه سازی) هتک حرز موجب غم خوردن نیست
اگر کسی خود را غرضاً و نه فاجعاً در راه یا مأمور آب و ... معرفی کرده و در منزل
مده و مالی بریاید، معرفت حدیث نیست.

در صورتی که داخل کمدی (یا هر شیئی) نتواند شود، و از این طریق وارد
منزل دیگری نمیرود، به نظر می رسد که اقرار وی، معرفت حدیث حرز نیست
به نظر دیگر عمده صادرش، معرفت حدیث است. (در ادامه) قانون، نظر استاده خودمان
بدان است.

هتک حرز باید به قصد ورود به حرز یا نه به قصد خروج از آن مثلاً اگر

در سبب فائده ای، باز بماند و قصدی برای بیرون آتو میل یا هر وسیله ای ندارد
شود و پس منتظام بیرون آوردن درء بسته شود و او در را باز کند یا بسکند،
عمل وی سرقهت عدلی نیست زیرا هنگام حرز به قصد فروغ بوده است،

نه به قصد ورود
هرگاه کسی با قصد حرز منزل دیگری شود مثلاً در را باز کند یا از دیوار پریده
بماند، و یا با قصد صاحب خانه خود را فقیر یا ضلوع یا کسر منته یا بی فائده
معرفی کند، و صاحب خانه به همین دلیل او را اجازه یک شب ماندن در خانه
را بدهد، و فرد مذکور منتظام مال یا اموالی را بر بانی و رفتار وی
سرقهت عدلی است زیرا هرگاه هنگام حرز و اضرار مال از حرز،

محقق شده است

ایا هنگام حرز باید عمدی بماند یا به بیان دیگر هنگام حرز باید به قصد سرقهت
بماند یا این که بدون قصد سرقهت هم محقق می شود؟

هنگام حرز باید به قصد سرقهت بماند، با توجه به کلمه مخفیانه در بند ۴ م ۲۶۸
بنابر این اگر کسی نه به قصد سرقهت، بلکه بنا به دلیل دیگری، مانند بیرون آوردن
مال خود، وارد منزلی شود، و بعداً اموالی را سرقهت نماید عمل وی سرقهت عدلی

نیست

۴ - سارق مال را از عزیز خارج کند:

سرقه عدی جری است مرکب، مرکب از ۱ جزیره ^۱ و ۲ فقره هتک عزیز ^۲

بنابر این کسی را می توان به ارتکاب سرقه عدی محکوم کرد که افزون بر هتک عزیز

در افراج مال از عزیز نیز شرکت داشته باشد پس اگر ۱ فقره هتک عزیز

کرده باشد (یعنی هر ۱) و یکی از ۲ فقره مال را از عزیز خارج کرده باشد،

فقط روح مرکب سرقه عدی است (اولی یا معاون ^۱ یا مخرب ^۲) در نظر گرفته شود.

همین طور اگر ۱ فقره هتک عزیز نماید و یکی از آقایان وارد عزیز کرده و مالی را بماند

در سبب منزل بیاورد و آنکس که در بیرون است دست خود را داخل کرده و

مال را از ضمن اول بگیرد تنها روح سارق عدی است

اما اگر اولی دست خود را همراه با مال بیرون آورده و ضمن دوم مال را از

بیرون عزیز بگیرد افراج مال از عزیز فقط به اولی نسبت است نه روح

اما اگر ۱ شرط هتک عزیز (هتک عزیز و افراج مال از عزیز) در مورد جمع

از سرقه صدق نماند یعنی کسی که یکی هتک عزیز کرده و دیگری مال را از عزیز خارج

کرده باشد، عد سرقه علیه هیچیک از آن ۲ اجرا خواهد شد

اولی معاون و روحی باشد است

میدان است که اگر مال در جزیره های متعدد باشد، ملاک افراج از بیرون ترین

جزیره است بنابر این اگر کسی وارد منزل دیگری شود (یعنی هتک عزیز کرده) و

اموال را

دافل آفاق گردد و از دافل کاو صندوقی که در آفاق است کبر بانه ولس در صراط

دستگیر شود ز قمار او شروع به سرفقت عدوی است (زیرا هرگز بیرون

صراط است) مملکت هرگز بیرون است، یعنی اگر از سلفه مالکانه مالک

خارج نشود، سرفقت عدوی است

در صورتی که سارق (یعنی رباننده) مالی را که قابل بلعیدن است به قصد سرفقت

بلعد و بدین وسیله آن را از هرز خارج نماید، سرفقت عدوی است اما اگر

قبل از افراج از هرز دستگیر شود، تغییر بی نفع صتم ایجاب می کند که سرفقت،

عدوی نباشد چه بیرون آوردن مال مقتدر باشد چه آسان

که اگر شخص به قصد سرفقت وارد مکانی شود (یعنی وارد هرز شود) و به جایی نرسد

اموال را نخورد، از بیاب سرفقت قابل مجازات نیست، اما اعمال مقدرات

تخریب بلا عاصی است، یعنی از غیر تخریب قابل مجازات است

بیرون آوردن مال از هرز می تواند مستقیم یا غیر مستقیم باشد این امر

بسیار مال را توسط معینون - طفل غیر معین یا صیران و هر وسیله بی اراده

دیگری از هرز خارج کند میانه محسوب می شود ^{که اگر اشخاص را در معرفی باز قرار دهد} سرفقت عدوی است

صیاحه مال توسط صغیر معین از هرز خارج شود، ز قمار آخر حسب مورد محمول پس از

سرفقت های تغزیری است و پس صغیر معین قابل مجازات نیست و ممکن است

مشمول اقدامات تأمینی قرار بگیرد در سایر جرائم که امر صریح صغیر معین باشد

مقررات معاونهت اعمال می شود در مورد آتش، و صغیر مجازات می شود (آتش به حرارت)

مجازات معاونهت محکوم می شود

۵- هتک حرز و سبقت، مخفیانه باشد.

منظور از قید مخفیانه آن نیت است که مردم نباید شاهد و ناظر سبقت باشند بلکه

منظور، توسل سارق به پنهان کاری است بنا بر این رفتار کسی که در شب معاونهت به

سبقت می نماید، سبقت مخفیانه محسوب می گردد هر چند که اتفاقاً اشخاصی شاهد

هم می یابند مانند همان سلطان یا صاحب خانه.

اما اگر کسی در روز بیدار با هتک دستبرد بزند، رفتار وی را نمی توان مخفیانه محسوب کرد

هر چند که ممکن است اتفاقاً هیچ کس در محل ارتکاب جرم حضور نداشته باشد، بدیهی

است که مخفیانه هم در مورد هتک حرز صدق می نماید، هم در مورد اخراج مال از حرز

پس بنا بر این اگر هتک حرز مخفیانه باشد اما اخراج مال از حرز علنی، سبقت،

عدی نیت، همین است اگر هتک حرز آشکار باشد و اخراج مال از حرز مخفیانه.

یعنی باز هم سبقت عدی نیت

نکته مهم دیگر این است که منظور از مخفیانه، این نیت است که هرگز سارق پنهان

مانند بلیغ منظور، مخفی بودن رفتار سارق است بنا بر این عمل سارق نقاب داری که

در روز روشن، بی ^{منظوری} علم می کند احوالی را می یابد، مخفیانه یا پنهانی نیت

هر چند که نقاب، مانع آشکار شدن هویت سارق بشود.

۱- سارق پیر یا جد پیر صاحب مال نباشد.

در اینجا پیر مطلق است، بنابراین مساعل پیر طبیعی هم نمی‌شود و نه سائل اجداد نمی‌شود.

پیر طبیعی، تمام تکالیف پیر را دارد (از علم دارن) نفقه (فقط اوست نمی‌آید) و روی و صورت روی مادر که تغییر جنسیت داده و مورد مده نیست به فرزند هم‌مندان عامر است.

چنانچه سارق پیر یا جد پیر باشد صورت عظمی‌شود. اما تغییر اعمالی می‌شود و ساقط نمی‌گردد. لایه اوزن مال سرورق در زمان افراج معادل ۴/۵ خود طلای مسکوک باشد یعنی مملکت هک جز نیست، افراج مال از عزراست.

متنظر از ۴/۵ خود طلای مسکوک همان ربع یک دینار طلای فاضل است و هر دینار به اندازه یک مثقال طلای باشد و ربع دینار، ربع مثقال طلای است. از احاطه اوزن طلای مملکت مورد نظر قیمت مال در بازار است و نه قیمت دولتی.

از ربع مملکت نیست، از ربع آنرا مملکت است. شرط حد نصاب باید چنانچه گفته شد، در زمان افراج مال از عزرا وجود داشته باشد.

بنابراین هرگاه کسی مالی را در داخل عزرا تخریب کرده یا نقص بر آن ایجاد نماید به گونه ای که اوزن آن از حد نصاب کمتر شود، سپس آن را از عزرا خارج کند به سزای مستوجب محکوم نمی‌شود (یعنی مملکت زمان افراج است).

حقیقت آنکه مال در زمان افراج از عزرا، به نصاب برسد ولی در زمان صدور حکم

از نصاب بیفتد، سرفت عدی است.

نقد هم در این است که ریاضی حال به اندازه نصاب، باید در یک سرفت

انجام شود، بنابراین اگر کسی در سرفت های مختلف، اموالی را بر بیاورد که ارزش

مصدوع آنها به نصاب برسد، لیکن ارزش هر یک به نصاب نرسد،

سرفت عدی نیست، اما اگر شخص طی عملیات صدور و متوالی حال یا اموالی را

از یک مکان واحد، خارج کند، ضایحه ارزش مجموع اموال به حد نصاب برسد، محکوم

به تحمل حد خواهد بود (مورد عرفاً سرفت محسوب می شود)

اگر کسی وارد یک آبادی گمانی شود و از واحدهای موجود در آبادی آن، سرفت نکند

مگر سرفت واحد را دارد و ارزش مجموع اموال بیاورد به نصاب برسد و به این دلیل

که عود بیرون شرک است

نقد بعدی این است که در صورتی که ۱ یا چند نفر با مشارکت هم مالی را از

جز خارج کنند، سهم هر یک جداگانه بیاورد به نصاب برسد، اگر ۳ نفر باشند سهم

بر ۳ می بینیم که همگی ۱ یا چند نفر وارد یک مکان واحدی شوند و هر کدام مال

مخفی را بردارند سهم هر یک باز بیاورد جداگانه به نصاب برسد (ماده ۲۷۵)

حک و سرفت برداشت است بنابراین ریاضی حک سرفت محسوب می شود

بطور قطع عدی نخواهد بود عرف نوشتن مبلغی روی حک، موجب نمی شود که سرفت

عدی باشد چون یا ریاضی حک، مبلغ زبوره نمی شود بلکه باید نقد شود، و قس نقد

بی ثبوت و غیر اجزاء از جزو حساب نمی شود و (در صورت ثبوت زمان) اجزاء موضوعیت ندارند یعنی
در زمان اخذ این ملک از مملکت ما نماند مالک به عهد تضام نرسیده (صرفت حدی نهیت) و وجه تضام صرفت
طبیعی است امر علی و صحت تقنین کرده باقی بماند و با این آن صرفت تقنینی می خورد.

معصوب می شود حتی می تواند صرفت حدی بماند.

همچنین به نظر برخی، و با این سهام بر نام یا کالابرت یا کویپ های خرید و هدیه

منتشره از مومن برخی از فروشگاههای بزرگ می تواند صرفت حدی بماند.

کار تجاری هدیه هم همین طور

۸- مال مسروق از اموال عمومی، عمومی یا وقف عام یا وقف بر جهات

عامه بماند.

صرفت از دولت، بیت المال نهادهای عمومی مثل لژداران، صرفت حدی نهیت

همین طور صرفت از وقف عام یا وقف بر جهات عامه اما اگر صرفت از

وقف خاص بماند در صورت وجود سایر شرایط، صرفت حدی است

صرفت از دولت یا اموال دولتی لا صرفت شده تقنینی هم نهیت و صرفت

ساده محسوب می شود. بنابراین اگر کسی مالین بلیس را صرفت کند، به مجازات

صرفت ساده محکوم می شود. در حالیکه بهتر این بود که قانونگذار صرفت اموال

دولتی را تصدیق کرده و این مسائل را تصدیق کرده است.

۹. برهت در زمان قحطی صورت پذیرد

زمان قحطی به زمانی گفته می شود که قوت غالب بر دلیل خشکسالی یا تحریم یا جنب
ناایاب می شود.

منظور از قحطی ناایاب بودن قوت غالب است و سال مورد بحث در این مورد معیار

قحطی زمان است نه سال (معیار سال نیز زمان است)

مطلق برهت یا ربایش در زمان قحطی حدی محسوب نمی شود صرف نظر از اینکه
سارق (یعنی رباینده) مضطر باشد یا نباشد و همچنین موارد جزو احس بدزدد یا غیره جزو احس

در هر برهتی در زمان قحطی بطور قطع مشمول حد نخواهد بود اما ممکن است
سؤال تقزیر گردد و آن در صورتی است که رباینده مضطر نباشد

۱۰. صاحب مال از سارق نزد مرجع قضایی شکایت کند

برهت حدی ضایحه قبلاً گفته شد، هم ضیعه حق الهی دارد هم ضیعه حق الناسی

بنابر این سرک تحصیل حد، شکایت صاحب مال نزد مرجع قضایی است

بدیهی است که اگر صاحب مال صرفاً در کلاستر شکایت کرده باشد،

قابل قبول نیست بلکه باید در مرجع قضایی یعنی دادسرا یا دادگاه شکایت کند تا

برهت حدی محسوب گردد. پس شکایت از مسئول عنه مجهول یعنی ناخوشی،

قابل پذیرش نیست، برهت در صورتی حدی می شود که صاحب مال از شخص یا

اخصاصی مفسدی، به اتهام برهت، شکایت کرده باشد

۴ حکایت صاحب مال نزد هر دو عقابش نکات می کند و در فواصت اعراسی حد
از سوی صاحب مال ضروری نیست زیرا تخصیص نوع برقت و اینکه آیا
حدی است یا تعزیری، با قاضی است نه با صاحب مال.

۱۱ صاحب مال قبل از انبئات برقت، سارق را نینهد

برقت در صورتی حدی می شود که صاحب مال پیش از انبئات مجرم،
سارق را نینهد زیرا برقت، تا قبل از انبئات حق الناس است
و پیش از آن تبدیل به حق الله می شود، منظور از انبئات، اقامه دلیل
است مانند اقرار، شهادت و علم قاضی.

بدیهی است عفو سارق پیش از انبئات تأثیری بر اعراسی حد ندارد.
توبه سارق پیش از انبئات حد را مطلقاً نمی کند مگر آنکه پیش از اقرار
بائت که در این صورت درگاه می تواند عفو مجرم را توسط رئیس قوه از
مقام رهبری در فواصت نماید.

همین اثر برقت، در مرتبه سوم بابت و ترتیب به من ایند محکوم شود
و من اعراسی مجازات، توبه نماید، و مقام رهبری آزادی او را در صلحت بداند
یا عفو ایسان از زمین آزادی شود. همین مقام رهبری می تواند مجازات
او را به مجازات تعزیری دیگری تبدیل نماید.

۱۲- مال مسروق قبل از اثبات سرقت تحت بد مالک قرار نمیگیرد و
در صورتی که مال مسروق به هر سطلی تحت بد مالک قرار بگیرد و سرقت حدی نهیت
متصور تحت بد مالک است نه حرز و بنا بر این اگر سارق مال را به نحو تحت
بد مالک قرار دهد، سرقت حدی نهیت، هر چند ممکن است مال را به حرز
بیاورد یا با آنرا بنا بر این اگر سارق اتوبوس را در ب منزل مالباخته قرار داده
باشد یا اینکه وجه مسروقه را به حساب مال باخته واریز کرده باشد،
سرقت، حدی نهیت.

همچنین باید خاطر نشان کرد که منظور از تحت بد مالک قرار گرفتن این نهیت به
سارق، مال را با رضایت خود به مالک برگردانده باشد یا نه در صورتی که
مال مسروقه به هر سطلی مانند تسلیم از موسی ضابطین وارد گشتن یا معاملات
مقتضی، در اختیار مالک (تحت بد مالک) قرار بگیرد، سرقت حدی نهیت
رضایت مالک در تفریق مال، مهم نهیت.

حتی می توان ادعا کرد که مالباخته، مال را اتفاقاً پیدا کند یا اتفاقاً بخرد (در بازار)
سرقت به دلیل الحاق بند ز از ماده ۲۶۸، حدی نخواهد بود زیرا در قانون مجازات
اسلامی ۱۳۹۲ بر خلاف قانون مجازات سال ۱۳۷۰ تحت بد مالک قرار گرفتن مال
مسروق قبل از اثبات سرقت تأکید شده است، در ماده تبصره ۴ ۱۹۸۴
قانون سابق مقرر می کرد که هرگاه سارق پس از سرقت مال را تحت بد مالک
قرار داده باشد، حدی خورده.

۱۳ مال مسروق قبل از اثبات عین به ملکیت سارق در نیاید؛

در صورتی که مال مسروق، قبل از اثبات سرقت به ملکیت سارق در نیاید

عد قابل اقرار نخواهد بود. این انتقال مالکیت، قرار دادی با نیت وجه قهری

اگر شخص از مال مسروق به ملکیت سارق در نیاید در صورتی که مقدر با قهر باشد

به نصاب برسد، سرقت، عدی است

هر چند عریب ماده ۸۰۳ ق م و ا ه ب (هه کتبه) تا زمانیکه عین موجود

موجود است، حق رجوع از هبه را دارد، لکن رجوع به موجب برقراری عذر قد

خی عمود زیرا به مجرد عقد هبه، عد ساقط می شود (تفسیر نفع سهم ضعیف ایجاب می کند)

۱۴ مال مسروق از اموال سرقت نکرده یا غضبی نباشد؛

در صورتی که مال ربوده نکرده، مسروقه یا غضبی یا اهر آغیه که در حکم غضب است

باشد، سرقت، عدی نیست، همچنین در صورتی که مکان نگهداری مال از کسی

غضب شده باشد، نیت بی و کسایتی که از طرف مالک، حق دسترس

به آن مکان را دارند عزر محسوب نمی شود و در نتیجه سرقت، عدی نخواهد بود

در این فرض حتی اگر عزر متعلق به غاصب اختصاص باشد یعنی بطریقی غضب

نیاسته باشد یا زعم سرقت، عدی نیست، مثلاً اگر الف منزل ب را غضب

کنند و ب وارد منزل خود شود و اموال الف (غاصب) را از درون عزر

اختصاصی مانند ط و مسروق متعلق به الف، بر ب باشد، سرقت عدی نمی باشد زیرا

عزیز بیرونی متعلق به خود سارق است.
 حکم مربوط به غضب را نمی توان به کلید واردی که سارق و مالک عزیز می باشد، سرقه سرقه
 دارد، بنابراین موضوعی که باقیست عزیز وارد منزل استیجاری سرقه و اموال مستاجر را
 می رباید در صورت وجود سایر شرایط، محکوم به سرقه می خواهد شد زیرا
 مستاجر، مالک منافع بوده و غاصب نیست. همین حکم در مورد معمر و مستقر
 نیز جاری است، همین مورد و مستودع.

در شرط ۱ و ۱۴ ممکن است سرقه تقزیری هم نباشد.

۱. دلالت اشیاء سرقه.

۱- اقرار به ۲ مرتبه.

۲- شهادت ۳ مرد عادل.

۳- علم قاضی و منظور از علم قاضی هم علم نوعی است نه علم شخص
 مولد در حدود و تقزیرات، سوگند و دلیل اشیاء تلقری نمی شود. فقط در عیاض
 حدیه یا ضرر و زیان. فائس از جرم دلیل تلقری شود.

در مرتبه اول، فقط ۴
انگشت در دست راست
در مرتبه دوم قطع باقی است
از عمل بر اعدای
در مرتبه سوم،
چین آید
در مرتبه ۴ به اعدام

مجازات اعدای

مباشره سزای

مبتدئیه سزای

معاول سزای

مجازات سزای

مجازات تکلیفی

مجازات تبعی

در صورتی که سابق در مرتبه اول یا دوم، فاقد عضو معلق قطع باشد، حد ساق بره
و همچنین از مجازاتها که مربوط به سزای تبعیری محکوم می شود، پس از سابق در
مرتبه نخست فاقد ۴ انگشت دست راست باشد هیچ وقت به مرتبه دوم
یا سوم یا چهارم نمی رسد. مثلا هیچ وقت اعدام نمی شود، یا چین آید یا قطع باقی است

مجازات تکلیفی

تعیین مجازات تکلیفی در صورتی که سزای در مرتبه اول یا دوم باشد،

ملا با نوع ارتکاب اعدا در سزای در مرتبه سوم و چهارم، همانند دارد
در جایی که آن زیاد است می توان مجازات تکلیفی تعیین کرد

مجازات تبعی

مجازات تبعی در جرم سزای در فرض قطع عضو ۳ سال پس از

اجرای حکم است اما در فرض چین آید یا اعدام ۱ سال از تاریخ توقف

اجرای حکم است از هر ناظر به حالتی است که محکوم کلیه جرم محکومیت به اعدام

یا مین ابد، عفو شده باشد، مثلاً بعد از اقرار توبه کرده باشد

مجازات شروع به سرقت حدی ۸

مجازات شروع به سرقت حدی در مرتبه اول یا دوم و عین درجه ۵ است

اما در مرتبه سوم یا چهارم و عین درجه ۴

مجازات معاونت در سرقت حدی ۸

معاونت در سرقت حدی شامل بند ب م ۱۲۷ می شود و مجازات آن

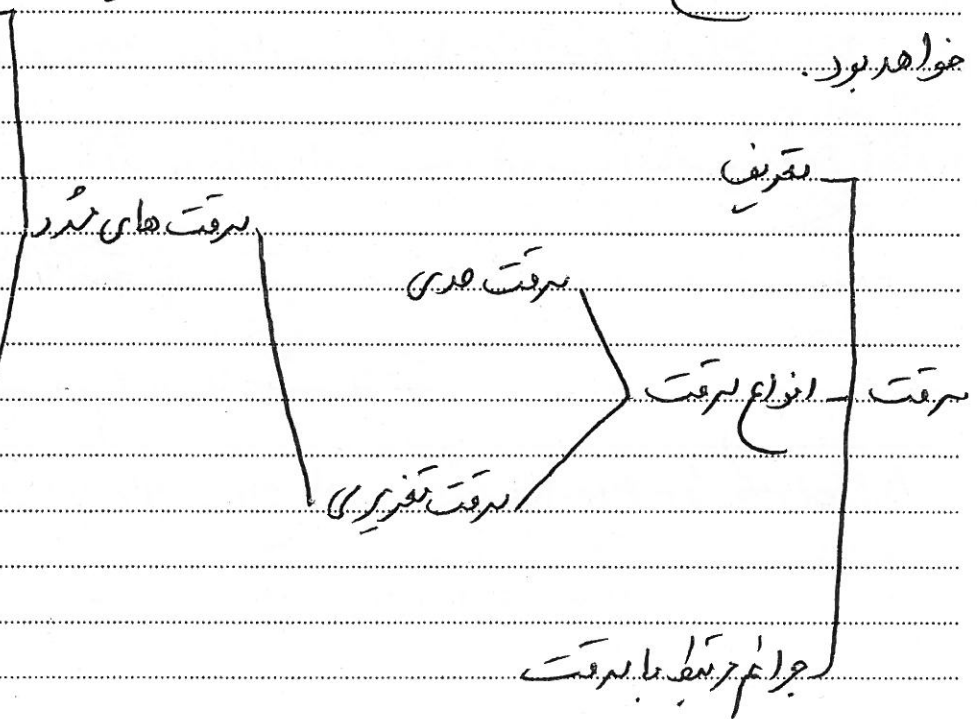
عین تقزیری درجه ۵ یا ۶ می باشد صرف نظر از اینکه سرقت در مرتبه اول

باشد یا دوم یا سوم یا چهارم، و فسخ نمی کند

معاونت در شروع به سرقت حدی ۸

معاونت در شروع به سرقت حدی، یک یا ۲ درجه یا مین ترا از مجازات حدی است

- ۶۵۱ سرقت م
- ۶۵۲ م م
- ۶۵۳ م م
- ۶۵۴ م م
- ۶۵۶ م
- ۶۵۷ م
- ۶۵۸ م
- ۶۵۹ م
- ۵۵۹ م



۱- سِرْقَتِ تَغْزِرِي مُسَدَّر
سِرْقَتِ تَغْزِرِي ۲ وَ سِرْقَتِ اَمْد

۲- سِرْقَتِ تَغْزِرِي سَادَّة

۱- سِرْقَتِ مَادَّة ۶۵۱

۲- سِرْقَتِ مَادَّة ۶۵۲

۳- سِرْقَتِ مَادَّة ۶۵۳

۴- سِرْقَتِ مَادَّة ۶۵۴

۵- سِرْقَتِ مَادَّة ۶۵۶

۶- سِرْقَتِ مَادَّة ۶۵۷

۷- سِرْقَتِ مَادَّة ۶۵۸

۸- سِرْقَتِ مَادَّة ۶۵۹

۹- سِرْقَتِ مَادَّة ۵۵۹

سِرْقَتِ تَغْزِرِي مُسَدَّر

سِرْقَتِ مَوْضِعِ مَادَّة ۶۵۱ سِرْقَتِ اِهْتِاكَ كِه حَادِثِ اِي شُرُطِ زَيْلِ اِهْتِاكَ :

(۱) سِرْقَتِ دَرِ سَبِّ بَا اِنَّهُ مَقْطُورِ اَزِ سَبِّ، غُرُوبِ اَعْتَابِ نَا طُلُوعِ اَعْتَابِ

اِهْتِاكَ (اَزِ فُلُوقِ نَا اَشْفَقِ)

(۲) سِرْقَتِ دِهْتِ كَمِ ۲ نَقَرِ بَا بِيْسْتَرِ بَا اِنَّهُ

(۳) بِيكِ بَا اِنَّهُ نَقَرِ اَزِ اَنْهَا حَامِلِ مَدَاعِ بَا اِنَّهُ (بِيكِي حَامِلِ مَدَاعِ بَا اِنَّهُ كَا فَا اِهْتِاكَ)

(۴) بِيكِي اَزِ شُرُاطِ زِيْرِهِمْ وَ جَوْرِ دَا اِنَّهُ بَا اِنَّهُ (بِيكِي نَهْتِاكَ)

۱- از دیوار بالا رفتن

۲- عزیز را بستن

۳- کلید افتن با در بودن

۴- اختیارات کردن عنوان یا لباس مستخدم دولت

۵- قلم را کردن غور به عنوان قلمرو دولت

۶- معرفت از محل سخن یا همای برای آن یا توابع آن

۵) در ضمن معرفت و آزار یا تهدید صورت گرفته باشد

و عندئذ صورت مورد م ۶۵۱

۱- ماده ۶۵۱ در فرجه جرائم محسوب می شود چون برخی از شرایط مذکور

در ماده ۶۵۱، مربوط به شرایط رفتار هستند مثل از دیوار بالا رفتن - از دست و آزار

داشتن اسلحه و غیره محسوب است

۲- دادگاه نمی تواند برای داشتن اسلحه در ماده مذکور یا از دست و آزار یا

تهدید و مجازات جداگانه این تعیین کنند زیرا مجموع جرائم در قانون و عنوان خاص دارد

لذا اصول مقررات بگذرد نمی شود

۳- منظور از سلاح در بند ۳ ماده ۶۵۱، سلاح واقعی است اعم از ترم یا سرد

البته سلاح باید قابل نوارد مذکور در تبصره باشد لذا داشتن اسلحه محسوب

نمی شود، گازها و شیشه های مسلح محسوب نمی شود، کاربرد صیغه غرضی سلاح محسوب نمی شود

۴- منظور از کلمه ساقش در بند ۴ هر انباری است که برای باز کردن در بسته
بجای هر ورودی اعم از اینکه ظاهر آن به شکل کلمه یا نه یا غیره اما اگر کلمه
واقعی باشد، مشمول ماده نیست چون ماده استفاده از کلمه ساقش را مطرح
نمی کند نه کلمه واقعی.

۵- منظور از اختیار کردن لباس یا عنوان مستقیم دولت، آن است
که لباس یا عنوان دولتی متعلق به عنوان خود مرتکب نباشد یعنی سارق بدون
تتمیم مأمور دولت باشد، از لباس یا عنوان، استفاده کرده باشد.
۶- آزار یا تهدید، مذکور در بند ۵ باید ناشی از اقدام سارق باشد
بنابر این اگر مالک، در مقام دفاع از مال خود بر روی مالین سارق، برتاب شود
و در نتیجه مصروع گردد، سارق مشمول این ماده نمی شود چون خودی به خودی
ایب زده. مجازات مرتکب در این ماده ۵ تا ۲ سال حبس (درج ۲)
و تا ۷۴ ضربه شلاق است (درج ۶)

۷- مجازات شروع به سرقت به سرعت موضوع این ماده حبس درج ۴ است و مجازات
معاونه در این جرم، یک یا دو سال درج ۵ است. مجازات قانونی جرم ارتقاچی
است (حبس درج ۳ یا ۴ و نیز شلاق درج ۷ یا ۸)

سرقت موضوع ماده ۲۵۲

بر اساس ماده ۲۵۲ مصوب ۱۳۷۰ هرگاه سرقت صعرون به آزار

باشد یا سارق و مصلح باشد به بیش از ۳ ماه تا ۱ سال و شلاق تا ۷۴

صدمه محکوم می شود و اگر جرمی نیز واقع شود، علاوه بر مجازات جرم، به عدالت

مجازات مذکور در این ماده محکوم می شود.

در این ماده چند نکته قابل بحث است؛

۱- در صعرون که سرقت توأم با اسلم یا صعرون به آزار باشد و یا اینها هر دو

سرطان نیز وجود داشته باشد، مرتکب باز هم به مجازات م ۲۵۲ محکوم می شود.

۲- در همه سرقت ها از جمله این ماده (۲۵۲) صرف عمل اسلم کفایت می کند

استفاده از آن شرط نیست.

۳- بر این تحقق جرم موضوع این ماده، شدت آزار مهم نیست پس توافق یک

بسیار به نوبت غالباً ضمه، کفایت می کند.

۴- همین طور مصور از جرم سرقت افر ماده، شامل هر نوع از جرم بیعتن با صراحت

بدن می شود سطحی یا عمیق بودن آن مهم نیست.

۵- اگر سرقت توأم با تهدید باشد، به نظر می رسد که مرتکب، شامل ماده

۲۵۲ می شود زیرا تهدید، نوعی آزار روحی است و بی منظور از آزار، هم

آزار جسمانی است هم آزار روانی. همچنین لازم نیست که آزار با تهدید

علمه شخص بالباغته بائنه بنابر این مجروح کردن یا کشتن یکی دیگر از افراد حاضر
در صحنه مثلاً مستقیم، همسر یا فرزند صاحب مال یا حتی رهندهای که از
آنجا عبور می کنند براساس تحقق شرط آزار در این ماده لغایت می کنند

۶- آزار فذکور در این ماده باید عمدی باشد یعنی اگر کسی بر اثر بیرون مال
مصرفه یا شخص بر خور کند و او بر زمین افتاده و مجروح شود به نظر می رسد که
عمد است مگر این ماده نباید، چون آزار نرساننده

همچنین اگر حریق در مقام دفاع مشروع به صاحب مال، آزاری برساند
نمی توان بهرقت و اضرار و امنیت مانند آنچه صاحب خانه (مالک) بدون

توجه به اینکه حریق در یک خانه خود را به نماند تمام بالا برده است در صدد
کشتن وی یا شلیک گلوله بر آید و حریق در مقام دفع خطر از خود، اقدام به کشتن
اسلم نماید که بر این اساس مالباغته زخمی نمی گردد

مجازات شروع به جرم موضوع این ماده صین درجه ۵ است

مجازات معاونت در این جرم یک یا ۲ درجه یا صین تراست یعنی صین درجه ۵ یا ۶

و مطلق در صین ۸ است

سرفت موضوع ماده ۷۵۳

طبق ماده ۷۵۳، هر کس در راهها و نوارع به نحوی از انحاء خرابی راهزنی نمود،

در صورتی که عنوان مجازب بر او صادق نباشد، ۳ تا ۱۵ سال و سلاق تا ۷۴

ضرب محکوم می شود.

در مورد این ماده نیز تفصیلات زیر لازم است:

۱- در صورتی که راهزنی، مجازب تلقی شود، در هر ماده ۷۵۳ کاربرد نخواهد داشت

طبق م ۲۸۱ راهزنان قاصداً قصبان و سارقان که دست به اسلحه بزنند و

بوسیله اسلحه مردم در راهها شوند مجازبند

۲- برای تحقق جرم موضوع ماده ۷۵۳ مکان وقوع جرم باید صفاً راهها و نوارع

باشد اعم از راههای داخل یا خارج از شهر، البته سرفت از راههای داخل شهر

(درونی) در صورتی که شامل این ماده است به عرفاً بتوان آن را راهزنی نامید

۳- با توجه به عبارت خرابی راهزنی، باید گفت که بردن مال باید به وقوع

بسیوندر، پس صرف بستن راه و راهزنی نیست پس باید مال برده شود

مجازات شروع جرم ۲ درجه

معاونت یک یا ۲ درجه پایین تر از مجازات قانونی جرم ارتکابی است

سرقت موضوع ماده ۶۵۴ :

سرقت موضوع ماده ۶۵۴ قانون ۳ شرط است :

۱- سرقت در شب واقع شده باشد

۲- سارقین ۲ نفر یا بیشتر باشند

۳- مکر از آنان حاصل مدافع ظاهر یا مخفی باشد

در صورت وجود هر یک شرط، مجازات ترکبانی از ۵ تا ۱۵ سال و

سلاق تا ۷۴ ضربه می باشد.

در تمامی سرقت های که اسلم مطوع می شود لازم نیست که سارق یا سارقین

از پیش اسلم با خود آورده باشند پس هرگاه خود را با استفاده از مدافعان

موجود در همان محل مدافع نمایند می توان آنها را بر اساس ۴ ماده ۶۵۴ یا ماده های

قبلی با ارتکاب سرقت مسلحانه محکوم نمود زیرا در هر حال در مین سرقت، ترکب یا

ترکبانی حاصل مدافع برده اند.

سرقت موضوع ماده ۶۵۶ :

طبق ماده ۶۵۶ در صورتی که سرقت، مکر از شرایط زیر را داشته باشد ترکب

به ۶ ماه تا ۳ سال ^{میں} و تا ۷۴ ضربه سلاق در جرم محکوم می شود.

۱- سرقت در محل های عمومی یا مسکونی باشد مثل مسجد و حمام

۲- سرقت از محل های معزز

۳- سرقت در شب یا نه؟

۴- سارقین ۱۲ نفر یا بیشتر یا نه؟

۵- سرقت به وسیله خادم به اعتبار رابطه استخدام یا نه؟

۶- سرقت به اقتضای شغل، توسط کسی که امین است، واقع شده یا نه؟

مثل اداره کننده هتل، فنیست، بیجک، فنانان، درامانست، شبیه است و این فنانان

درامانست، مذاق ندارد.

عجازات شروع به سرقت این ماده، عین یا مُلّا یا غیره، نقدی درجه ۱ است

و عجازات معارفت در این جرم، یک یا ۲ درجه یا ۳ ترازی عجازات جرم ارتعابی

است (عین ۶ یا ۷ / مُلّا ۷ یا ۸)

سرقت موضوع ماده ۶۵۷ و ۸

طبق ماده ۶۵۷ در صورتی که سرقت از طریق کیف زنی یا جیب برهنه و اموال

آن باشد، عجازات هر یک، از یک تا ۵ سال عین و تا ۷۴ ضربه مُلّا

می باشد. برای تحقق جرم موضوع این ماده، لازم است که عمل فایده‌ی صورت

بگیرد. بنابراین اگر شخصی از داخل کیفی که در یک جیب قرار دارد، مال را بر بایر

یا از داخل جیب لباسی که او تیران است سرقت کند از شمول این ماده

خارج است.

نقد و عین کیف زنی و جیب برهنه در این ماده، موضوعیت ندارد یعنی در واقع

عاده غسل است بین لطف زنی، و یا بل قاپی، و عینک قاپی، گردن بند قاپی،

مُشول این عاده است

نقدت دیگر این است که هرگاه ۲ نفر، که یکی راننده و دیگری ترک نشین موتور است

با تباخی بلد بر لطف زنی یا هر چیز که حکم قاپیدن دارد در صورتی که عمل قاپیدن

را فرد ترک نشین انجام داده باشد عرفاً هر ۲ نفر شریک در سرقه محسوب

می شوند

نقدت دیگری این است که فیما بین مرتکب لطف زنی یا حبیب بری یا حرمتب هر نوع

قاپیدنی، حلق با ناله یا اقدام و بی مقرون به اذیت و آزار یا ناله، حرمتب

از باب تعدد مضمری مشمول عاده ۶۵۲ می شود یعنی ۳ ماه تا ۵ سال

در حالتیکه این جا یک تا ۵ سال است

مجازات شروع به جرم سرقه موضوع این عاده، من یا مُلاق یا فرای نقدی درجه ۴

است در مجازات معارضه تریک یا ۲ درجه یا من تراز مجازات ارتعاب است

سرقه موضوع عاده ۶۵۸ و

طبق م ۶۵۸ هرگاه سرقه در مناطق سیل، یا زلزله زده یا جنبی یا آتش نوزی

یا در محل تصادفات را نندگی صورت پذیرد، ترتیب به همین از ۷۵ تا ۷۴ مندرجه مُلاق

محکوم خواهد شد در توضیح این عاده باید اشاره کرد که مناطقی که ذکر در این عاده

مضمری اند نه قسطن، بنابراین سرقه در مناطق طوفانی زده مشمول عاده نمی شود

مضمین برقت باید از کسانی باشد که خود به نوعی قربانی حوادث یا تصادف
شده اند بنابراین اگر کسی در محل تصادف یا مناطق حادثه دیده مذکور بر مایه
از اسطفاص دیگر ملاقاتی با نیروهای امداد یا فاعورین نیروی انتظامی برقت
نمایند، سائل این ماده نمی شود

مجازیات شروع به جمع و نیز معاونت در جمع مانند ماده قبل است
برقت موضوع ماده ۶۵۹ و ۸

ماده ۶۵۹ ناظر به برقت وسایل و منقولات مربوط به تأسیسات مورد
استفاده عمومی است که مستوجب مس از یک تا ده سال باشد،
این ماده سائل برقت اموال عمومی یا دولتی نمی شود، بلکه صرفاً سائل

وسایل و تجهیزات می شود که مورد استفاده عمومی هستند مثل سطله های بهره برداری
اب و برق و گاز یا باجه های مربوط به تلفن عمومی، این مجوزات باید ایجاد
یا نصب شده باشد بنابراین هرگاه تجهیزات و وسایل مورد استفاده عمومی

از اینبار از جای های ذی ربط، برقت شده باشد، ترتیب سائل این
ماده نیست مانند سطله شخصی علامت راضی و رانندگی را از اینبار نیروی
انتظامی برقت نماید سائل این ماده نیز چون نصب شده است
دوربین های پلیس سائل این ماده نیز، چون برقت است که نصب

شده ولی مورد استفاده عمومی نیست، همین طور صنوبری حد فاصل سائل
ماده نیز هر آنچه که نصب شده و بر این استفاده عمومی باشد ولو بخش خصوصی نصب کرده
باشد سائل این ماده است.

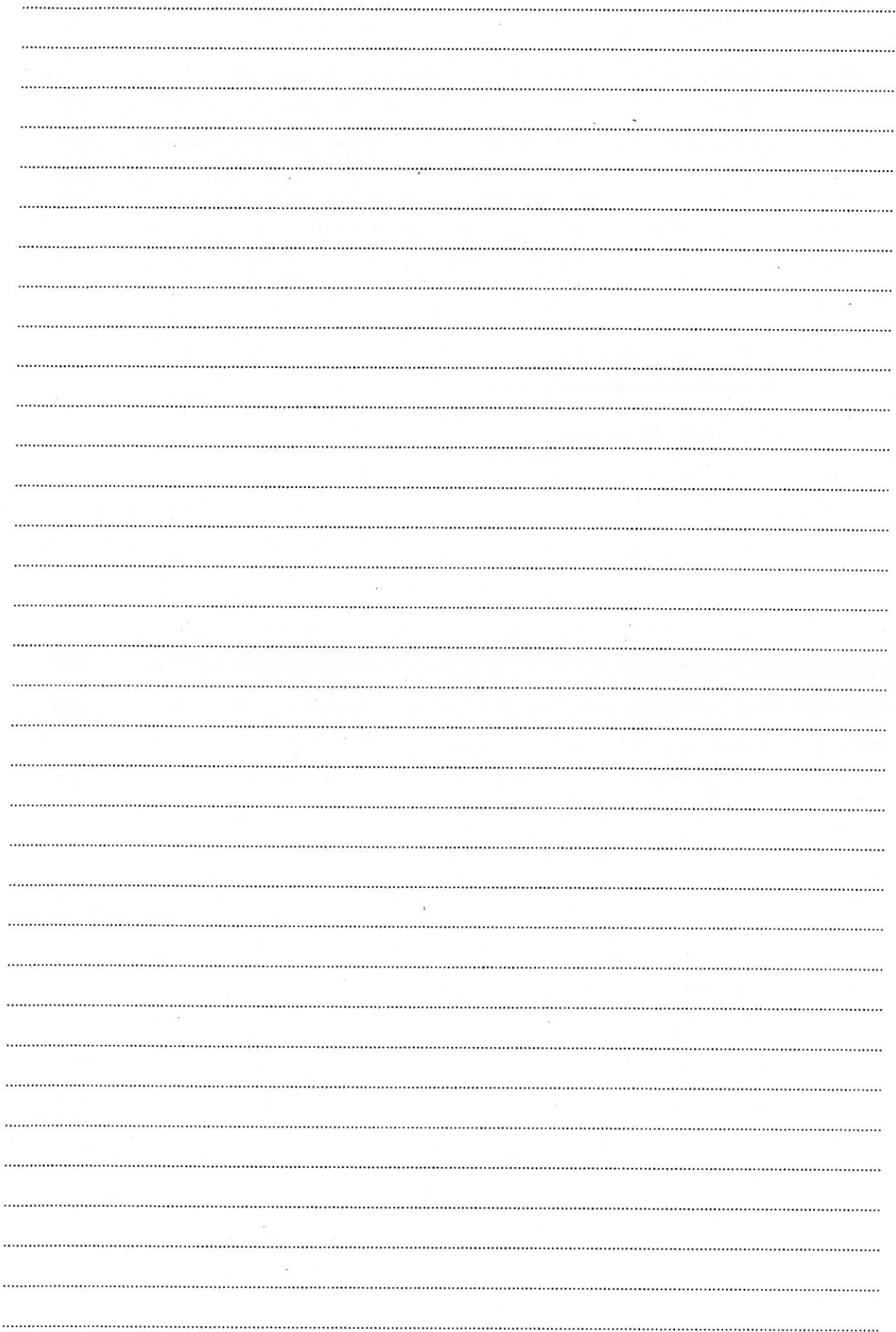
موضوع به مجرم و مطابقت در این ماده، مثل ماده قبل است ولی مطلق در این
ماده موضوعیت ندارد.

سرقت موضوع م ۵۵۹

طبق ماده ۵۵۹ هر کس اشیاء و لوازم و همچنین مصالح و قطعات اشیاء فرهنگی
و تاریخی را از موزه ها و نمایشگاه ها، اماکن تاریخی و فقهی و سایر اماکن که تحت
حفاظت یا نظارت دولت است، سرقت کند یا با علم به سرقت بودن
اشیاء مذکور را بخرد یا بپوشاند، در صورتی که مشمول مجازات حد سرقت
نگردد، علاوه بر استرداد آن، به حبس از یک تا ۵ سال محکوم می شود
نکته: در توضیح این ماده باید گفت که مال مورد سرقت باید از اشیاء
و لوازم و قطعات اشیاء ملی و تاریخی باشد. همچنین مکان سرقت نیز باید
موزه ها، نمایشگاه ها یا اماکن تاریخی و فقهی و یا اماکن تحت نظارت یا
حفاظت دولت باشد بنابراین اگر کسی یک اثر تاریخی یا فرهنگی را از منزل
دختری یا از یک مکان خصوصی سرقت نماید، مشمول این ماده نمی شود.
برای تحقق جرم موضوع این ماده، لازم نیست که نمایشگاه، موزه یا نظارت آن
در مالکیت دولت یعنی مطلقاً به دولت باشد بلکه صرف تحت نظارت یا حفاظت
دولت بودن، کفایت می کند افزون بر این باید حفاظت یا نظارت
دولت بر مکان های مذکور به عنوان یک مکان فرهنگی و یا تاریخی اعمال گردد.

والادوات از قبیل های که مذکور شد و علاوه بر اینها در این کتاب صفات
و نظایر آن در برده این جمیع غیر قابل لذت است (علاوه بر این کلیه سعادت
فرهنگی غیر قابل لذت است)
عجایز است شروع به جمیع این موارد به نظر است که گفته شد

با بیان جمله ۱۵
۹۳، ۳، ۳



مقوق جزا / دستوری / به نام خدا - ج ۱۶ / ۱۰ / ۱۳ / ۹۳

جرایم مرتبط با سرقت :

۱- مداخله در اموال مسروقه

۲- مداخله در اموال توقیف شده

۳- ساقط یا تنه و مسدود برای ارتکاب جرم

۴- ربایش بدون عقد سرقت

مداخله در اموال مسروقه ، در چهار حالت قابل تصور است (غیر مادی)

۱- تحصیل مال مسروقه

متصور از تحصیل یعنی بدست آوردن ولو آنکه سرقت کند ، پس تحصیل ، فعل است

یعنی تلاش برای بدست آوردن

۲- مخفی کردن مال مسروقه

احقا جرم مستمر است

۳- قبض مال مسروقه یعنی پذیرش مال مسروقه

۴- مورد مداخله قرار دادن مال مسروقه یعنی خرید و فروش

در همه موارد ۴ طایفه علم و اطلاع یا وجود قرائن الهمیدان اور به این امر مال ، سرقت

می باشد ، شرط است

به نظر دستوری صراحتی ، در فرض ۱ ، ۲ و ۳ یعنی در حالت های تحصیل ، مخفی و قبض

مترکب التزاعاً غیر سارق است بنا بر این امر سارق مال مسروقه را مضمّن نامبر
عقلاً به مجازات «سرقّت» محکوم می شود.

اما در مورد حالت چهارم یعنی مورد معامله قرار دادن، مترکب اعم از سارق یا
غیر سارق است بنا بر این امر سارق، مال مسروقه را بفروشد، به مجازات
هر دو مجرم یعنی هم سرقّت و هم فروش مال مسروقه محکوم می شود (تعدد عادی) نظر آری که

در نظر استاد این است ماده ۶۷۲ م. ۱ که عبارت است از مجازات

تظلمت و به نظر من بر سر آن تغییر دیگر غیر مجازات است در صورتی که بنا بر آن نیز ایا توجیه به صدر

ماده ۶۷۲ که به علم و اطلاع و قراین اطمینان آور اشاره می کنند، لاجرم باید

گفت که ماده مذکور به «مضمّن مال است یعنی فردی غیر از سارق»

مستند اخیر ماده ۶۷۲، کیفیت مذبذبه شخصی است یعنی در صورتی که مترکب

معامله اموال مسروقه را حرفه غور قرار داده باشد به حد اکثر مجازات، محکوم

می شود. در احوال تاریخی فرهنگ منقول این ماده نیست، مشمول م ۵۵۹

است

۲- مدافع در احوال توقیف شده (ماده ۶۷۳) و مجرم مستقل است و

هیچ ربطی به سرقّت ندارد

مدافع در احوال توقیف شده و ممکن است در ۲ حالت باشد:

۱- احوال منافی توقیف و مشمول ماده ۶۷۳ است (توسط قائم یا نائب

امکان پذیر است)

↓ بدون ربا

۲- در این احوال توقیف نکرده و ممکن است توسط مالک یا نایب یا توسط ثالث
 اگر توسط مالک یا نایب، مالک که سابق بهت است منقول ماده ۶۶۳ است
 اگر توسط ثالث یا نایب، مقررات سرعت اعمال می شود و در سایر موارد ۶۶۳ نمی روم
 فداخته در احوال توقیف نکرده باید با علم و اطلاع باشد.

۳- مسافت یا تهیه وسیله برای ارتکاب جرم (ماده ۶۶۴) ؛
 ماده ۶۶۴ اولاً شامل همه وسایل می شود اعم از کلیه اسلحه و ضابط
 خوب و نردبان و ~~و~~ ^{تا بنایه} شامل همه جرم می شود و اصفاً بی سرعت ندارد
 اما اگر ضمن سازنده یا تهیه کننده وسیله، ترتیب جرم اهل شود، منقول
 این ماده قرار نمی گیرد، مشروط بر اینکه وسیله، مقدمه منطقی جرم باشد،
 بنابراین اگر کسی کلیه تهیه کند و سپس با کلیه، ترتیب سرعت شود، صرفاً به مجازات
 سرعت محکوم می شود و در سایر مجازات این ماده موضوعیت ندارد اما اگر جرم در عمل
 واقع نشود یعنی ترتیب فقط وسایلی را تهیه کرده است، در این صورت
 به مجازات ماده ۶۶۴ محکوم می شود.

چنانچه ضمن برای ارتکاب جرم توسط دیگری، وسایل ارتکاب جرم را بسازد
 یا تهیه کند و در عمل، جرم صورت نگیرد واقع شود، مقررات تعدد معنوی برای سازنده
 و تهیه کننده وسایل اعمال می شود و در این صورت مجازات جرم داده می شود که

استدانت بنابرین المراف کلمه را در اختیار قرار دهد برای سرقه

و در عمل بترک سرقه شود، در آن صورت الف از باب

تعدد معنوی، حسب مورد مجازات معاونت در سرقه یا جرم موضوع

ماده ۲۶۴ محکم می شود (تعدد معنوی)

جرم موضوع ماده ۲۶۴ - به رغم این که مطلق است و

سود نیست فاضل دارد.

۴- و باین بدون قصد سرقه:

ماده ۲۶۵ و ناظر به رباین، بدون قصد سرقه است یعنی کسی

مال دیگری را می رباید، اما قصد سرقه ندارد ممکن است قصد او

از سبب یا شوخی یا نه یا برای انجام کاری بوده باشد یا قصد استقراض بوده

دارد و مجازات این ماده ۶ ماه تا ۱ سال است موع به جرم ندارد ولی معاونت دارد.

در همه جرائم تکرار در مرتبه چهارم یا بالاتر مانع تخفیف مجازات است بنابرین در

ضرورتی به تصریح ماده ۲۶۶ نیست ضمناً خود ماده ۲۶۶ صرفاً سرقه های

تجزیی موضوع مواد ۲۵۱ تا ۲۵۹ و ۲۶۱ را شامل می شود.

و شکی فاضل

در سرقه اب و برقی و گاز و تلفن است را شامل نمی شود

جرم فاضل است ولی اگر در سرقه جرم فاضل نبود نیز سرقه

استفاده از نیروی برق بدون پرداخت حق انشعاب

۷- سرقت است ۴- ضمانت در اعانت است

۵- کلاهبرداری ۶- جرم نیت

در سرقت، دادگاه افزون بر تعیین مجازات، مکلف است به حکم بر رد مال
مسرور و در صورت وجود عین یا مثل یا قیمت آن و نیز جبران خسارت وارده

صادره نماید. درخواست لازم نیت در این رابطه، حتی برای جبران خسارت وارده
صرف شکایت کافی است. ^{صرفاً حکم به رد مال می دهد} کلاهبرداری هم همین طور است ولی جبران خسارت
و این ترانزاکشن عمد عمد را غیر از نیت درخواست برابر شرایط مقرر در آ. د. م. م. ۴ می دارد

تقدیم شده باشد و طبق ماده ۱۴ ق. آ. د. ک. جبران تمام ضرر و زیان های مادی و
معنوی و منافع ممکن الحصول را در صورتی که فائز از جرم باشد مطالبه کند.

در صورتی که حکم به پرداخت قیمت مال صادر می شود، قیمت (در زمان اجرای حکم) ^{۱۴}
ملک است نه قیمت زمان صدور (تفسیر م ۱۹ ق. آ. د. ک.)

در این موارد بر این صورت دارد درخواست لازم نیت

۱- سرقت ۲- کلاهبرداری ۳- کلاهبرداری رایانه ای ۴- تحصیل مال از طریق

نامشروع ۵- تصرف عدوانی ۶- رشوت در صورتی که راسماً مفسد باشد

یا پرداخت رشوه را از طریق نیت یا برای حفظ حقوق حق رشوه داده باشد که ربط

حکم به رد رشوه یا دهنده ندارد (م ۸- دیات) مطالبه رشوه، نیاز به درخواست ندارد
در جایی که قصد نیت انحال منقول پرداخت رشوه است، بار صدور دادستان در دادگاه است
و نیازی به درخواست نیت (م ۸۵ ق. آ. د. ک.)

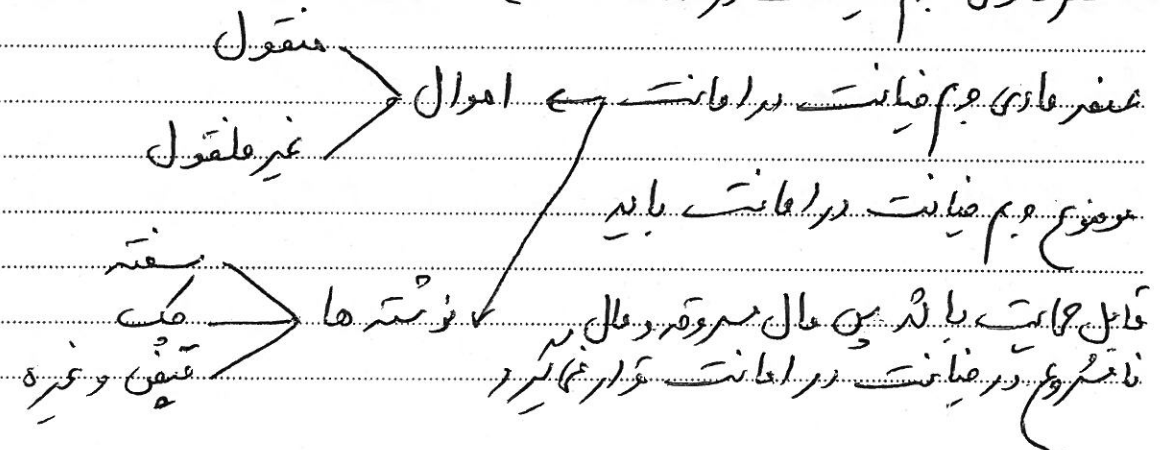
با توجه به وفات ملاک م ۸۵ قارک، در جائی که منزل پرداخت و غیره
 با محزون است، پرونده به دستور دادستان، برای صدور حکم منتفی است (در ادامه)
 ارسال می شود. در این جا در صورت لازم است

حیانت در امانت

تعریف حیانت در امانت و م ۶۷۴
 عناصر تشکیل دهنده جرم و
 تطایرات حیانت در امانت
 صور خاص حیانت در امانت

تعریف حیانت در امانت (۶۷۴) با توجه به ماده باید متوجه شد استعمال و تصاحب
 تلف یا مفقود نمودن عمدی مالی که از طرف مالک یا متصرف قانونی به کسی سپرده
 شده و بنا بر استرداد یا به مصرف یعنی رسانیدن آن بوده است
 حیانت در امانت در جرم است (در غیر قابل گذشت است) بین متناهی
 به سائن مخصوص ندارد و اگر هم سائن داشته باشد، لغت سائن تأثیر ندارد
 جرم ندارد.

عضر قانونی جرم حیانت در امانت م ۶۷۴



رفتار ترکیب در جزم ضایع در امانت؛ یا در شکل استعمال است یا تصاحب است
یا تلف است یا مفقود کردن است

منظور از استعمال، استفاده کردن یا مصرف کردن مال امانی است،
مانند آنکه این لباس یا اتومبیل یا هر وسیله دیگری را منتهی به سرده ندهم، خورد
استفاده قرار ندهم، ظاهراً هرگونه استعمال مازاد مال خورد امانت
در صورت وجود سود نیست، (ضایع در امانت) محسوب می‌شود
لازم به اشاره است که استعمال ممکن است با بقای عین باشد یا
بدون بقای عین، (و استعمال با فعل واقع می‌شود)

منظور از تصاحب، برخورد مالکانه با مال خورد امانت است در این حالت
عین، مال خورد امانت را همچون مال خود پنداشته و بر همان مبنا با آن
برخورد می‌کند مانند این که مال را به فروش می‌رساند یا به سرودی ندارد یا اظهاره
می‌دهد یا از استرداد آن خودداری می‌کند، این تصاحب می‌تواند هم در شکل
فعل و هم در شکل ترک فعل واقع شود.

منظور از تلف، نابود کردن یا ایراد خسارت به مال خورد امانت باشد پس
تلف می‌تواند حکم باشد یا جزئی، آتش زدن مال، تلف فعل است اما باره
کردن یک ورق از کتاب یا فریب کردن موتور اتومبیل یا فضا انقضای بر روی

اقوییل یا یا سیدین رنگ روی دیوار حکم تلف فخری است

سفسن یا ای است تلف حکم است

بر هم زدن رنژ طو و صندوق تلف فخری است

تلف هم می تواند در سطل فعل باشد یا ترک فعل

متصور از مفقود کردن و یعنی از دسترس خارج کردن مال مورد امانت

بعضی مال بدون آنکه تلف شود، از دسترس خارج شود مانند برتاب انگشتری

و داخل دریا یا درها کردن مال در بیابان ~~بجای~~ تصور از مفقود کردن

یعنی مالک نمی تواند به مال دست یابد و بعد از آنکه مالک کسی را بفرستد

برای تحقق مفقود کردن ضروری است که برتاب بودنت داشته باشد

بنابراین هرگاه بر اثر اهل یا سهل انفاری این مال مورد امانت مفقود شود

مسئولیت کیفری وجود ندارد و این مفقود کردن نیز مفقود کردن

در صورتی که این، بیش از یک مصداق از موارد ضمانت در امانت را

(استعمال - تصاحب تلف مفقود کردن) ترک شود فقط به یک ضمانت در

امانت محکوم می شود مانند این که این مال مورد امانت را استعمال کند

و هم تصاحب، هم تلف در هم مفقود کند، فقط به یک مجازات

ضمانت در امانت محکوم می شود

صانع جم ضمانت در اعانت با عنوان مجرمانه دیگری که اهل کند، از باب
 عقوبات بعد معنوی، مجازات (در استراحت) یقین می شود مانده الله امین
 مال مورد اعانت را باید دیگری بفروشد که در این صورت هم در غالب ضمانت در
 اعانت قابل مجازات است و هم در غالب فروش مال غیر در
 این صورت مجازات جرمی دارد می شود که است که در این جا مجازات
 فروش مال غیر است

مُرَادِ تَحْقِيقِ جِمْ ضِمَانَتِ دَرِ اعَانَتِ :

۱- تعلق مال به غیر؛ مال مورد اعانت باید متعلق به غیر باشد، و این تعلق مال
 به غیر باید مشروع باشد بنابراین اگر کسی موارث خود را یا روان گردان یا سر و پا
 الفس به دیگری اعانت دهد، جیم ضمانت در اعانت واقع نمی شود.
 اگر کسی فروزند خود را یا دیگری اعانت دهد و آن طرف ضامن کند، جیم فاضل است

۶۳۲

ایا وجه موضوع جیم ضمانت در اعانت قرار می گیرد؟ متأسفانه رویه قضایی
 وجه را ضمانت در اعانت قرار نمی دهد، فرض می دانند پس وجهی که تواند موضوع
 ضمانت در اعانت باشد زیرا دادن وجه هوایه به معنای وفی ائمت طلبه علیهم السلام است
 حکم اعانت و بعد از آنکه قیمت درم عاره ۶۷۴ که اشاره به مصرف حقین
 رسانیدن دارد بیشتر ناظر به وجه است پس این استباه است که رویه قضایی
 می گوید وجه نقد موضوع ضمانت در اعانت قرار نمی گیرد.

۲- سپرده بودن مال بامین و

برای تحقق حجم ضمانت در اعانت، لازم است که مال موضوع بجم یا منفرد تحصیل
نماید تا مالک یا متصرف قانونی، بامین داده شده باشد و الا اگر کسی خودش،

عالی را بدست آورد، ضمانت در اعانت قابل تصور نیست بنابراین

صرف در مال منسوخه، ضمانت در اعانت نیست حتی اگر بدان مالکشی هم

کس است همین طور صور نیست بجهتیه، امین محسوب نمیگردد، چون

مال ب او سپرده نشده است هر چند در برخی نقاط در بوم است که امین

عقد نظامی، رسید جهتیه را بامین امضای نمودی رسانند امین رسید صرفاً قائم

از عمل جهتیه به منزل صور و بخلق آن به زوجه است نه امین برون صور

نیست به آن.

به نظر دیگر هر چند صادره، وصی، ولی قهری و غیره قیام، نسبت به اموال حولی علیه

امین محسوب نمیگردد، بلکه امین قانونی هستند نه امین و اگر (دوس)

امین دیدگاه سایر در مورد ولی قهری که تا حدودی مجمع باشد اما در مورد وصی

یا قیام، به هیچ وجه صدق نیست، زیرا عنقریب در مورد وصی و قیام وجود

ندارد

با توجه به عنقریب بودن، می توان استنادی را بر امین موضوع م ۶۷۴

محسوب کرده اند وکیل استعفاء مستوع ۴ متاخر ۵ حامل در تزارعی
۶ سه تن ۷ حامل در ساعات

قرض، امانت محسوب نمی شود، زیرا در قرض، علیک صورت می گیرد
 بین قرض در مقابل قرض، امین محسوب نمی شود. افزون بر این، برای
 اینکه مالی را سپرده شده و امین محسوب کنیم لازم است که همین آن مال
 به وی سپرده شده باشد بنابراین وجه حاصل از فروش مال مورد امانت
 یا وجه حاصل نقد کردن چک یا مسکنه و یا عواید و منافع حاصل از مال سپرده شده
 به نفع خود مال، موضوع امانت قرار می گیرد پس امین در فروش و امین در رد و
 نیز می باشد و همچنین امین در عین مال، امین در منافع و عواید حاصل از آن
 مال نیز می باشد.

افزون بر این، ضروری ندارد که سپرده شده به شکل مستقیم باشد زیرا امین است
 شخصی که کنترل خود را بر روی سپرده و شخص سپرنده کننده است به همه
 احوال نازل، امین محسوب می گردد.

بسم الله الرحمن الرحیم

برای تحقق ضمانت در امانت، لازم است که مال به قصد امانت داده شود
 صرف همین رسانیدن، به دیگری سپرده شود، پس در صورتی که این شرط اقرار
 نگردد، نمی توان گفت که مجازات ضمانت در امانت محکوم غرض، بنابراین
 اگر دادن مال، به قصد هدیه یا هدیه باشد، در ضمانت در امانت محقق نمی شود
 همین حکم در عقود، مانند قرض، ضمانت نقدی، ضمانت در امانت محقق نمی گردد زیرا

در عقد قرض در ملک عین در مقابل نقد به رد عمل (۱) صورت می گیرد، بنابراین
مقتضی می تواند هرگونه تصرفی که لازم بدانند در مال قرض نماید، از سوی دیگر
لازم نیست که استرداد در عقد امانت، تصریح گردد، با توجه به قراین و
اوضاع و احوال، امانت اعم از می گردد بنابراین اگر کسی به دیگری بگوید که
این مال بیسها بماند، به نوعی او را امانت کرده است، اما اگر بگوید
این مال از آن شما بماند، او را حاکم کرده است اما لازم است
که به مصرف عین رسانیدن مال، قید گردد.

غایب بانک از استرداد وجه موجود در حساب مشتری در صورت مقرری یا
پس از مطالبه مشتری خود را پس و زرد نمی توان مؤل بانک را به ارتقا
چون ضمانت در امانت محکوم کرد، زیرا وجهی که به بانک سپرده می شود
ماعتاً سیمیه در قرض است (این را می گویند امانت خلف فاعده)
اما اگر مؤل صندوق امانات بانک، امری که مشتری آن به امانت
گذارد، نزد بانک کند، چون ضمانت در امانت واقع می شود.
نتیجه حاصله:

حیانت در امانت همچون سایر جرائم علیه اموال از دسترسه جرائم مقید می باشد
که تحقق آن منوط به این است که رفتار مرتکب منتهی به نتیجه خاصی گردد
در ماده ۶۷۴ نیز با توجه به قید ضرر، حیانت در امانت، جزا مقید به
ضرر محسوب شده است بنابراین ورود ضرر به مالک یا تصرف،

لازمه تحقق جرم ضیانت در امانت می باشد اعم از اینکه این ضرر مستهل بر
 منتفعی برای شخص خاص یا فرد یا غیره، بنا بر این زینج بگردن میوان در سرف ضوت
 برای جلوگیری از حوام شدن آن یا فروختن میوه سریع الفسار، به قصد جلوگیری
 از ضایع شدن آنها ضیانت در امانت محسوب نمی شود چون این کار
 ضرری به مالک نمی زند بلکه برعکس، وی را منتفع می سازد
 افزون بر این باید تأکید کرد که جبران خسارت بعدی توسط امین، تا آنجا
 تحقق جرم نیست، زیرا در جرم ارتکاب رفتار معبر مانده، ضرر وارده شده است
 و اقدامات بعدی فایده ای ندارد، ممکن است از علل محققه عبارت باشد
 حتی ممکن است مال بیمه شده یا نه ولی این ربطی به جرم

عطف معنوی جرم ضیانت در امانت و برای تحقق جرم ضیانت در امانت، وجود عطف معنوی
 شرط است، جرم ضیانت در امانت از صیغه عطف معنوی در زنده و اعمام آمده
 است و هر یک از این صیغه سووئیت عام و سووئیت خاص است
 سووئیت عام به صیغه اول عطف فارسی یعنی رفتار ترکیب بر می آید و عبارت است
 از خواست ارتکاب عمل غیر مصلحتی یعنی خواست استعمال، خواست تصاحب
 خواست منفور کردن یا خواست اطلاق و سووئیت خاص به عطف سخته
 بر می آید و عبارت است از خواست ایراد ضرر به مالک یا تصرف قانونی
 در ضیانت در امانت هم سووئیت عام را از هم سووئیت خاص (هر ۲)

یا قیوم به قید سود نیست فایده یا بد نیست که اگر امانی عهد آویز به عقد منتفع
 کردن مالک یا متصرف، ترکیب عمل غیر ممکن استحوال، تصاحب یا تلف شده
 باشد، وی را نمی توان به ارتکاب این جرم محکوم کرد مانند آنکه این برای جدایی
 از ترخیص مال مورد امانت آن را با دیگری اجاره داده و قید اجاره را به
 حساب مالک یا متصرف بگذارد.

حق عین یا حق ثروت در جرم ضمانت در امانت، نیز قید نمی شود، مگر آنکه
 بین حق مورد امانت و مال مورد امانت، رابطه منطقی بر خورد در باشد مانند امتناع
 از رد مال مورد امانت در مقابل هزینه نگهداری آن در این حالت نیز
 حق مورد امانت باید محل و شخص و بدون شبهه باشد.
 مجازات ضمانت در امانت

مجازات اعلیٰ معادل ۶ ماه تا ۳ سال عین (در مج ۵)
 شروع به جرم عین یا تلف یا برای عین در مج ۶ یا ۷

مجازات تکمیلی طبق ماده ۲۳ ملاحظاتی است
 مجازات ضمانت در امانت

مجازات تبعی ۲ سال عین از اعمالی مجازات (م ۲۵ ق ۴)

حکم بر رد مال در جرم ضمانت در امانت به نیاز به دادخواست دارد.

صور خاص فیانت در اعانت:

- ۱- با مجازات فیانت در اعانت
- ۲- دستہ بقیہ بقیہ من مورد
- ۳- با مجازات مستقل

با مجازات فیانت در اعانت:

۱- مورد استفاده دلال، حق العمل کار، و مدیر تصفیه

۲- نماینده متولی یا نماینده او قاضی در ثبت ملک وقفی

۳- خود داری از اعلام اموال مجهول الواریت

۴- ضیانت در شرکتی تعاونی

۵- مورد استفاده دلال، حق العمل کار، و مدیر تصفیه

دلال، طبق ماده ۳۴۹ ق.ت در صورتی که بر خلاف وظیفه خود نسبت به کسی که

به او و ابوریات داده، به نفع طرف مقابل، اقدام نماید یا بر خلاف معروف تجاری عمل

از طرف مذکور وجهی دریافت یا وعده وجهی را قبول کند، مجازات ضیانت

در اعانت محکوم می شود، مستحق اجرت و مخارجی که کرده نمی باشد

دلال کسی است که واسطه انجام معاملت می شود

حق العمل کار به موجب ماده ۳۵۷ ق.ت است که به اسم خود ولی به حساب

دیگری (غیر اسم) معاملاتی کرده و در مقابل، حق العملی دریافت می کند، بر اساس

ماده ۳۷۰ ق.ت ضایحه حق العمل کار، نادرستی کرده و به حساب آنرا، قیمت

انزوری بر قیمت فرود یا کمتر از قیمت فرودش، متصور نماید، مجازات ضیانت

در اعانت محکوم می شود،
ضمناً اینده مستحق حق العمل هم نیست.

در تصفیه و ضابطه در ضمن تصدیق امور مربوط به تأخیر و رکنه، وجهی را
عین و میل کرده باشد، به مجازات ضابط در امانت محکوم می شود (م ۵۵۵ ق ۱)
طبق م ۲۸ ق ۱ مصوب ۱۳۱۰ هرگاه نسبت به اطلاق وقفی به عنوان
مالک، تقاضای ثبت شده و متولیان یا نماینده اوقاف می که بموجب نظامنامه
ملف به دارن عرض حال اعتراض و تعقیب دعوا و حقا حقوق وقف یا صبی
یا نسلت باقی است، در اثر تبانی، به تکلیف خود عمل نمایند، به مجازات
ضابط در امانت، محکوم خواهد شد

در مواردی که تقاضای ثبت ملک دیگری، بدون ذکر حقوق ارتقا حق اطلاق وقف
و صبی و نسلت باقی شده است،

هرگاه امضا خاص مذکور در اثر تبانی، به تکلیف عمل نمایند به مجازات ضابط در امانت
محکوم می شوند. (مضرفادری مجرم در این جا، ترک فعل است)

اگر عدم اعتراض یا ندانن عرض حال، به علت غفلت یا بی توجهی متول و یا
سهل انگاری باشد، مجازات ضابط در امانت اعمال نمی گردد.

اموال

۳ خود داری از اعلام مصدول الواریت

طبق م ۶ قانون تصدیق اخصار وراثت مصوب مهرماه ۱۳۰۹، امر اموال
منقول و غیر منقول و وجه نقد، متعلق به امضا خاص مجهول الواریت که در تصرف
دولت یا موسسات تجاری و یا صراف و یا امضا خاص است،

در طرفه ای سال نیت به مال ضعیف و وجه نقد و ... سال نیت به مال غیر ضعیف،
از تاریخ فوت مالک، کسب عنوان وراثت و ادعای نیاورد، در اعمالی نیز برفته
خواهد شد و اموال منبوره متعلق به دولت است که به مصرف مؤسسات
غیریه برسانند.

طبق م ۱۱ مذکور، هرگاه متصرفین مال متعلق به اشخاص مجهول الواریت و یا
مردومنین به اشخاص منبوره (غیر اشخاص مجهول الواریت) پس از انقضای مهلت (م
ب مورد ای سال و آ سال) مال یا رین و یا منافع حاصل از آن را به دولت
تسليم یا تأدیبه نماید به مجازات ضایع در امانت محکوم خواهد شد
در صورتی که متصرف یا مردوم، شرکت باشد و یا شعبه آن
که متصرف یا مردوم است، مؤهل اجرایی مقررات تبصره م ۱۶ ق. مذکور
بوده و در صورت تخلف به مجازات ضایع در امانت محکوم خواهد شد.

۳. ضایع در شرکت های تعاونی و

به موجب ماده ۱۲۸ قانون شرکت های تعاونی، مصوب ۱۳۵۰
ضایع در بران عامل یا اعضای هیأت مدیره یا بازرسان یا کارکنان
شرکت ها، و تأدیبه های تعاونی شرکت ضایع در امانت در وجه و
اموال شرکت یا تأدیبه کردند، به هرگز مجازات مقرر برای ضایع در امانت
محکوم شوند (غیر ۳ سال)

صورتها من حیث در امانت و (یا مجازات مستقل) :

۱- ائلاسن

۲- تصرف عنقرآنونی

۳- سورا استفاده از سقیم یا سقیمه اصدار

۴- سورا استفاده از صفت سقیم

ائلاسن و

ائلاسن در لغت به معنای بیرون، جدا کردن و برداشتن چیزی از روی چیز دیگر است و در منابع فقهری، ائلاسن را به افعال غیر از جایی غیر از حذر معنای برده اند، حتی برخی به برداشتن

چیزهایی مال از مکانی غیر از حذر گفته اند.

در اصطلاح حقوقی برداشت و تصاحب اموال متعلق به دولت یا امرایی

که از طرف اشخاص نیز در دولت به امانت گذاشته می‌شود، توسط

کارمندان و کارکنان دولتی یا سازمان‌ها و مؤسسات فزونی در قانون

در مورد نظامیان و صرف برداشت مال ائلاسن است.

عنقرآنونی ائلاسن به معنای تجدید مجازات در تفسیر ائلاسن است.

و کما غیر ذلک.

سراطی تحقق حجم اقتلاسی و

۱- ترتیب باید از کارمندان و کارکنان دولت یا مؤسسات فزونی در ماده
۵ باید، رسم، قرار دادی و غیره، مهم نیست، بنابراین کارمندان بانک های
حضور، نمایندگی مجلس، از اصول ماده ۵ خارج اند.

۲- ترتیب باید در اموال دولت یا اموال که متعلق به اشخاص دولتی نزد
دولت می باشد، ترتیب ضمانت گردد، منظور از اموال دولتی، اموالی
است که توسط وزارتخانه ها، مؤسسات یا شرکت های دولتی
خریداری شده و یا به هر شکل دیگری تحت مالکیت دولت در می آید.

۳- اموال باید بر حسب وظیفه یا امور سریده شده باشد، بنابراین ضایحه
وظیفه یا امور، در اختیار گرفتن اموال نباید ولی حال برخلاف مقررات به وجه
تسلیم گردد، تصاحب آن موجب تحقق حجم اقتلاسی نخواهد شد مانند آنکه
سرایدار اداره ای، خود را با امور وصول جریه یا مالیات یا عوارض دولتی
معرفی کرده و وجهی از توابع آن دریافت دارد در ضمن حالتی عنوان
اقتلاسی، توجیهی ندارد.

همین باید اشاره کرد که منظور از در اختیار مستقیم قرار دادن مال
بر حسب وظیفه، اعم از این است که وظیفه مستقیم ارتباط با مال

دائمه يا لله يا ائمه مال براس انجام بھنہ وظائف کارمند بر اختیار وی
قرار گرفتہ یا لله (اموال کہ در اینجا پورہ ہی ہوڈ اعم از منقول و غیر منقول است)

۴۔ مرتب یا لله اموال مذکورہ را بہ نفع خود یا دیگر ہی برداشت و تصاحب کند
بنا بر این محور برداشت یا استفادہ غیر مجاز از این اموال، نمی تواند
اختلاس محسوب گردد پس اگر کسی اموال را بردارد و آنرا را مورد استفادہ
غیر مجاز مانند انجام امور شخصی قرار دھد بہ مجازات تعریف غیر قانونی
معلوم ہو و نہ اختلاس۔

۵۔ مرتب یا لله برداشت اموال بر وجود دولتی عامد یا لله بنا بر این
اگر امارات و قرائن دلالت بر آن نماید کہ برداشت یا تصاحب از عرصہ
سہل انگاری یا فراموشی یا ہی دقتی صورت گرفته است، مرتب بر
اس اختلاس، قابل مجازات نیست زیرا در اختلاس، ہم بودنیت
عام، ہم بودنیت ظہنی لازم است۔

بودنیت عام بہ خواست مردانیت و تصاحب

بودنیت ظہنی بہ خواست عملی

تقریه یک ماده ۵ قانون تمدید مجازات کلاهبرداری و
در صورت ائتلاف عمده، ترکیب علاوه بر مهلت، مجازات اعتدالی محکوم
شود. (تقریه یک ماده ۵ و تمدید مجازات ترکیب اعتدالی ارتشاء و کلاهبرداری)

نقشه

۱- مجازات اعتدالی، به شرح ماده ۵ و نیز تقریه ۲ آن، به اعتبار میزان

اعتدالی تعیین می شود. در هر چه مبلغ بیشتر، مجازات بیشتر

۲- مجازات های تعیین شده در ماده ۵ موارد ذیل را شامل می شود

۱- عین که حسب مورد درجه ۳ و ۴ و ۵

۲- انفصال که حسب مورد دائم یا موقت است

۳- جزای نقدی معادل ۲ برابر مال

۴- رد مال

۵- در صورتی که اعتدالی در غالب شکل یا هر دو شکل مذکور باشد

ترکیب از مجموع ماده ۵ خارج و مشمول ماده ۴ شود و در این صورت

مجازات ترکیب علاوه بر رد مال و جزای نقدی مجموع معادل ۱۵ سال تا

عین دائم (درجه ۱) و انفصال دائم از خدمات دولتی است

و در صورتی که ترکیب، مصداق مفرد از الارض باشد، به مجازات اعدام

محکوم خواهد شد. در حداقل ۳ نفر برای شکل مذکور نیز لازم است

به نظر می رسد که چنانچه برخی از اعضای مُسَدِّد دارای سهم دولتی یا
سهمت های مذکور در ماده ۵ باشند ولی بقیه فاقد آن سهمت ها باشند
هم به مجازات ماده ۴ محکوم می شوند.

نقشه ۳.

چنانچه اصل این توأم با جعل مندر باشد، مجازات مرتب افزایش می یابد
اما راهکار نمی تواند برای جعل، مجازات جداگانه ای تعیین نماید زیرا
مصروع جرائم در قانون عنوان مستقل دارد (در کتب میر محمد صالح تقریب بقدر معنوی دارند)

نقشه ۴.

در صورت استرلاب تمام وجه یا مال قبل از صدور کفر خواست، دادگاه ملکی
است اعمالی صبی و اطفال کند و مرتب را از زیر دافعت تمام یا قسم از جزای
نقدی معاف دارد ولی حکم انفصال اعمالی شود البته باید اشاره کرد که در
صورتی که مرتب تنها جرمی از احوال را مسترد دارد، تعلیق و تخفیف و موافقت
در مورد او کار برد ندارد لکن جزای نقدی باید به میزان مال باقیمانده تعیین گردد

در صورتی که محققان، مال مورد اقتلاص را تا قبل از صدور کفرخواست متردد
نیاید، چنانچه مبلغ اقتلاص تا یکصد میلیون ریال باشد، دادگاه می تواند
مجازات را معلق کند در غیر اینصورت غیر

استرداد وجه یا مال قبل از صدور کفرخواست؛

در جرم اقتلاص ۲ حالت داریم

۱- تحقق عین و معافیت از جرائم تعدی اجمالی است
۲- عدم استرداد وجه یا مال قبل از صدور کفرخواست؛

۲ حالت قابل تصور است

- ۱- مبلغ اقتلاص بیش از یکصد میلیون ریال می تعلق ممنوع است
- ۲- مبلغ اقتلاص کم تر از یکصد میلیون ریال می تعلق (اختیاری) است

مستطوره از استرداد تمام مال مورد اقتلاص در سببه ۳ ماده ۵ و نهایت عادی
آن است نه کفایت قتمی، بنابراین در غیر محکمس، اگر قبل مورد اقتلاص
و با سببه سلسله متردد نماید، مشمول تعلق می شود. که در آنکه عیب و
نقص دارد سببه به مال، در حدی باشد که عرف بین مال اقتلاص سببه و مال
متردد سببه تفاوت عمده قابل تصور

اقتلاص به کمتر از حد قابل تخفیف نیست - اما شروع به اقتلاص و عوارفت
در اقتلاص به کمتر از حد قابل تخفیف است

مجازات شروع به اقتلاص به حد قابل مجازات ۷ جرم ارتقایی است
که معاوضش هم ۱ یا ۲ رجب یا سببه تر

عناصیر عمل اقتلاسی توأم با فعل باشد و ترکیب نظامی باشد، به مجازات
هر جرم محکوم می شود. (قانون مجازات نیروهای مسلح م ۱۱۹)

فراهم زیر در حکم اقتلاسی اند:

۱) قاجاق توسط مأموران کشف کالای قاچاق (م ۱۶ ق مجازات خرابین قاجاق)

۲) برداشت یا تصاحب محموله پس توسط کارکنان شرکت نفت

یا اسطفاص که به هر نحو به همکاری دعوت شده اند. (م ۱۷ ق تکلیف شرکت نفت جمهوری اسلامی ایران)

۳) استفاده غیر مجاز از وجوه صندوق بازنشستگی کشور (م ۱۰۱ ق استخدام کوری)

۴) برداشت غیر قانونی از وجوه یا اموال سازمان تأمین اجتماعی (م ۴۰ ق تأمین اجتماعی)

تصرف غیر قانونی

استفاده غیر مجاز از اموال دولت یا اموال اسطفاص که مال خود را نزد دولت

به امانت گذاشته اند توسط کارکنان دولت یا مؤسسات مذکور در

قانون، بدون قصد تلف.

بهاست های این جرم و جرم اقتلاسی:

۱- در هر دو ترکیب، کارمند دولت یا کارمند مؤسسات مذکور در

قانونی است

۲- موضوع جرم در هر دو واحد است.

۳- در هر دو ۱، حال بر حسب وظیفه کارمند پیرو شده است

تفاوت اقتلاسی و تصرف غیر قانونی

۱) اقتلاسی جرمی است مقید ولی تصرف غیر قانونی جرمی است مطلق

۲) اقتلاسی، جرمی است با یورینت خاص ولی تصرف غیر قانونی جرمی

است با یورینت عام

۳) اقتلاسی، جرمی است حُرک، در صورتی که تصرف غیر قانونی جرمی است

بسیط (ساده)

موضوع، جرم در صورت تصرف غیر قانونی همانند ارور

قسمت افزوده ۵۹۸ در حکم تصرف غیر قانونی است یعنی بیان دیگر

توضیح احوال و وجود دولتی، هم چنین در اثر اهمال یا تغذیه و هم چنین مصرف

وجود دولتی برای امور که در قانونی، اعتباری برای آنها منظور شده یا

مصرف وجود دولتی در غیر موارد یعنی یا زائد بر اعتبار، در حکم تصرف غیر قانونی

است

سود استفاده از سفید مهر یا سفید امضاء (ماده ۳۷۳ ق ۱۴۰۱)

شرایط لازم برای تحقق جرم موضوع ماده ۳۷۳

۱- رفتار ترکیبی در این ماده باید به شکل فعل مثبت واقع شود مانند نوشتن مطالب ^{یا هر مطلب دیگر} تقدیر و غیره در روی سفید مهر یا سفید امضاء

۲- سود استفاده از سفید مهر یا سفید امضاء باید توأم با علم و آگاهی و سوء نیت باشد و هر چند که در این ماده، سوء نیت خاص مرهون نیت، سوء نیت عام کفایت می کند. (سوء نیت عام در این جا قصد سود استفاده با علم و آگاهی به موضوع)

۳- برای تحقق جرم، ضرر آتش یا غوری یا بالعقل، لازم نیت زیر جرم مطلق است و این نفس سود استفاده کفایت می کند صرف نظر از آنکه مشتمل بر ضرر شود یا نشود.

۴- برای تحقق جرم موضوع ماده ۳۷۳ لزومی به سپردن نیت، یا توجه به عسرت روم ماده که مقرر می دارد در هر طریقی بد نیت آوردن، نیازی به عنقریب سپردن نیت - اما ^{ماده} فاعل آن است که اگر سفید مهر یا

سفید امضاء، ^{و سپرده شده باشد} یک یا سفید یا مهری است رفتار ترکیبی مشمول

مقررات تقدیر معزنی باشد که در این صورت مجازات جرمی (ماده ۵۱) مؤثر است و سود استفاده از سفید مهر یا سفید امضاء بر

مقابله با ضیانت در امانت است - سفید مهر ا تا ۳ سال ضیانت در امانت ۶ ماه تا ۳ سال

سور استفاده از صفت نفس اطمینان، ماده ۵۹۶ و

تعریف سور استفاده از صفت نفس:

اخذ نوشته یا مند از دیگری با سور استفاده از صفت نفس او یا هوا و هوس او.

عناصر تشکیل دهنده جرم سور استفاده از صفت نفس اطمینان و

عضو قانونی م ۵۹۶ / قسمت اخیر ماده قابل لغت است اما

اصل جرم غیر قابل لغت است. امر از قسمت دوم لغت شود،

قسمت اول حکم اعمال منسوخ، بین مجازات درجه قابل لغت است

و درجه ۴ قابل لغت است

عضو ماده جرم سور استفاده از صفت نفس اطمینان: نوشته یا مند اعم از تجاری

یا غیر تجاری (پس وجه مشمول ماده نیست)

اطمینان موضوع جرم سور استفاده از صفت نفس چه آنها هستند

اطمینان موضوع جرم یا اطمینان غیر رؤید (اعم از صغیر - سفید - مجنون) است

یا اطمینان در اطمینان صفت نفس (افراد بی حس - اعتبار) یا افراد

دارای اعتدال روانی البته نه در حد جنون

روفا و پزشکی در جرم سور استفاده از صفت نفس اطمینان (۵۹۶) اخذ نوشته یا مند

① التزام قربانی در برابر کینه منور یا نوشته

یا مضمحل نایب

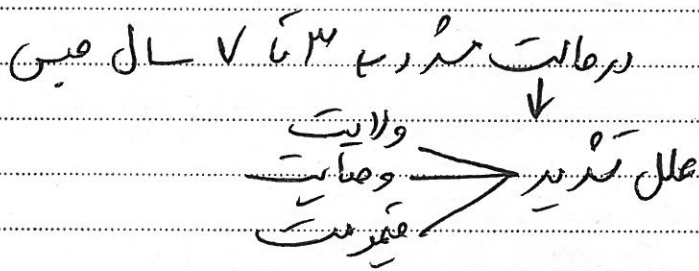
② برائت زخم کهنه یا مضمحل نایب

در برابر قربانی

کیونکہ سورۃ معنون یا عنقریب نو مستہ یا مندی صادر کنند کہ موجب برائت زعم اور سورہ؟
 فی النفس صغیر یا مجنون یا مضمیہ غی کرانند مندی صادر کنند کہ موجب برائت زعم
 اور سورہ۔

از صیغہ عنقریب معنوی سے جرم عدوی است اور صیغہ عام (خواہت
 انقد نو مستہ یا مندی با علم بہ وصیغہ قرآنی) نفس علم بہ عنقریب مستہ بودن
 یا علم بہ عدم مستہ و دیگر علم بہ صغیر نفس، موثقت فاعل (فواہک
 التزام قرآنی یا برائت زعم کرندہ یا نفس مالک

مجازات مرتب جرم سورہ استغاثہ از صغیر نفس
 مجازات اصلہ مجازت سے در حالت سارہ ۲ ماہ تا ۲ سال و
 جزای نقدی از یک تا ۵۰ میلیون ریال



مجازات محالوں سے صین و ~~و غیر~~
 ↓
 ۸ تا ۷ سال

شروع به جمع سود استفاده از صنعت نفت است

شروع به جمع در قسمت دوم ماده ۵۹۲ کاربرد دارد و مجازات شروع به جمع در این حالت عین درجه است

مجازات تکمیل و بلافاصله است

مجازات تنبیہ فقط در صورت قسمت دوم م ۵۹۲ قابل اعمال است

مجازات تنبیہ در حالت عدم ماده ۳۱ سال عمر و صحت از حقوق اجتماعی دارد

عکس (برداشت نشدن)

تعریف
 امتیازات کارکنان عکس برداشت نشدن
 جهات کفری عکس
 مجازات عکس
 جهات سقوط عینه کفری عکس
 دادگاه صالحه زندان
 هزینه رسیدگی به جمع عکس

تعریف عکس از نظر ماده ۳۱۰ قسمت نهم این است که مجموع آن

صادر کننده و عموماً را که نژاد مطال علیه دارد و کلاً یا بعضاً مترادف است

تعریف عکس کفری و عکس مستند است که مجموع آن صادر کننده به بانک

مطال علیه دستور رهبر تا وجود موجود عموماً را در آن بانک کلاً یا بعضاً مترادف

راست و با به حال که بردارد

یک برداشت نشدن، به معنی لغتاً می شود که بانگ، به معنی از عمل قانونی
 با صدور خواهی عدم برداشت، از برداشت وجه آن خودداری می کند.
 در عین حال در عرف بانگ، وقتی در برخی موارد قانون یک، اصلاح یک برداشت نشدن
 مصطلح است، اما باید گفت که این عبارت، جامع جهت بر
 یک برداشت نشدن، لزوماً یک بلا عمل نیست
 یک بلا عمل صرفاً متضمن یک عاقل بدون موجودی هستند، حال آنکه یک
 ممکن است به دلیل عدم خودداری یا اختلاف در شرایط یا جهت
 دستور عدم برداشت، برگشت خوردن پس می توان گفت که هر یک بلا عملی
 یک برداشت نشدن است حال آنکه هر یک برداشت نشدن،
 یک بلا عمل نیست و در این ۲ مورد و خصوصاً مطلق است.

۱- مراجعه به واقع اجرائی است

امتیازات دارند. یک برداشت نشدن ۲- صلاح دعوی حقوقی

۳- صلاح تطایق کسری

مراجعه به واقع اجرائی است، و یک از آنجا که طبق م ۲ اصلاح قانون
 صدور یک، در حکم استناد لازم الاجرائی است، لذا دارند. اینگونه یک ها
 اجازه دارند به واقع اجرائی است محل، مراجعه کرده و نسبت به صدور اجرائی

و وصول وجه یک یا با قیامند آن، از صادر کننده اقدام نماید فقط نسبت
به صادر کننده می توان (در ابرایشه) صادر کرد نسبت به ضامن و ظهر نویس نیز میسر نمیگردد.

شرایط اعمال این روشی به شرح ذیل است:

۱- معرفی مالی غیر از مستثنیات دین از صادر کننده

۲- مطابقت امضای ذیل یک با نمونه امضای مندرج در بانک بحال علیه

۳- ارائه اصل یک، همراه با گواهی عدم پرداخت

۴- پرداخت هزینه ابرایشه نسبت (نیم عسری یا $\frac{1}{3}$ یا ۵ درصد)

صدور ابرایشه از طریق مراجع ثبتی، مشمول هر روز زمان نمیگردد و با توجه به اینکه
ابرایشیه علیه اموال صادر میگردد، غیبت صادر کننده یک، مانعی ایجاد نمیگردد

مغایب آنهم این است که نمیگردد علیه ضامن و ظهر نویس اقدام کرد، نمیگردد اعمال

عاده اگر دو نفر نمود طلب کرد

طرح دعوی حقوقی: طرح دعوی حقوقی به معنای تقدیم دادخواست علیه صادر

کننده یک یا ضامن یا ظهر نویس برابر شرفعات مقرر در آیین دادرسی مدنی

است، ضمن این روشی در این است که اقربون بر صادر کننده، علیه

ضامن و ظهر نویس نیز می توان اقدام دعوا کرد اما ایراد آن در این است که

موضوع اطاله دادرسی می شود اگر چه در برخی موارد به دلیل آنکه یک، جنبه

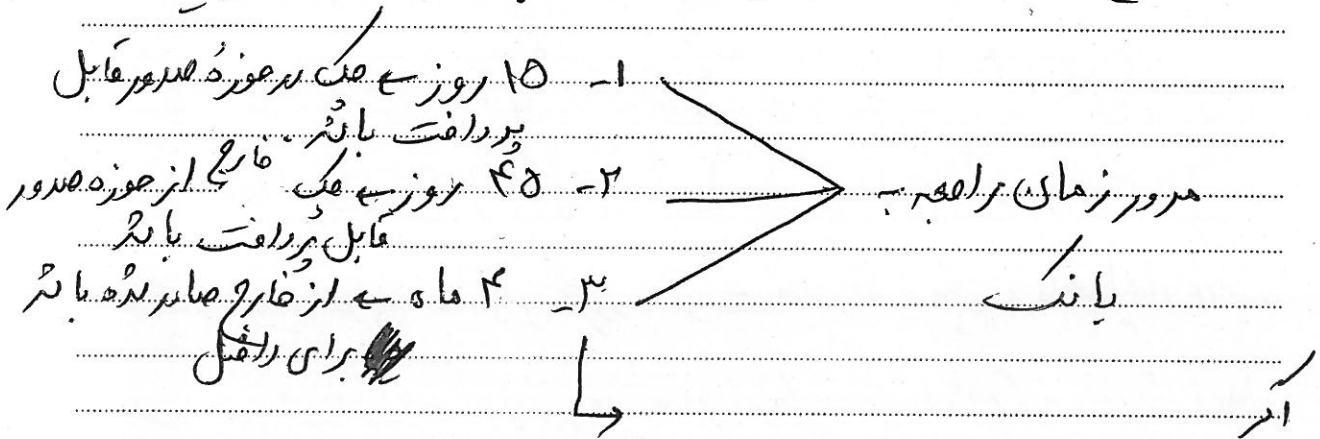
کفتری ندارد و توسط روشی حقوقی، اقتضای این امر است یعنی چاره ای جز این نداریم

شرایط طرح دعوی حقوقی:

۱- تقدیم دادخواست برابر شرفیات مقرر در امر تأیید میلیون تومان بابت در صورتی حل اختلاف و بالاتر در دادگاه

۲- ابطال عقد برابر مبلغ مقرر در قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین، تا ۱ میلیون ۲٪ و بیش از آن ۵٪

۳- رعایت مهلت های مقرر در قاجارت ثبت - صاعن و ظهر نویسی



مرور زمان اقامه دعوی در سال از تاریخ

صدور کواچر عدم پرداخت

مرور زمان دوم در جایی معنای دارد که مرور زمان اول رعایت شده بابت

جنبه کفری حک : (مراجعه شطاب کفری)

در صورتی که حک ، واحد جنبه کفری باشد . بهترین روش طرح شطاب کفری است ، در حال حاضر ، انواع حک را برای جنبه کفری است و (۱) حک که به تاریخ واقع روز صادر می شود و مشروط و تقنین یا تفهیم امضاء

نیست

حک به روز ، به حک گفته می شود که به تاریخ واقع روز صادر شده و در همان روز یا بعد از آن قابل وصول است (یعنی روز بعدی) پس حک به روز به معنی گفته نمی شود که در همان روز برداشت گردد . حک هایی که در روز تعطیل صادر می شود یا در ساعاتی صادر می شود که امکان مراجعه به بانک مسکو نیست این حک ها ، به روز محسوب می شوند (یعنی در حکم حک وعده دار نیستند)

لکن حک در روز تعطیل صادر شود ولی تاریخ بعد از اولین روز کاری برای آن زده شود چنین حک وعده دار محسوب می شود ولی اگر تاریخ اولین روز کاری را داشته باشد حک به روز محسوب می شود .

عقد حک صادر شده برای نشسته به روز
عقد حک صادر شده برای نشسته به وعده دار

اصل بر این است که حک به روز است ، وعده دار نیست .
اصل بر این است که حک مشروط و تفهیم شده نیست .

۲- صدور یک از صاب صدور با علم به بسته بودن صاب و
 ولو آنکه وعده دار، غیر اخصاء و مشرک یا تقصیر باشد
 یعنی صدور یک از صاب صدور با علم به بسته بودن صاب در هر حال
 کفیر است

اصولاً شطایت کفیریه، علیه صادر کننده یک مطرح می شود اما در برخی
 موارد ممکن است کسی غیر از صادر کننده به معایزات یک پرداخت نشود
 مصدق گردد و آن در صورتی است که شخص غیر از صادر کننده، در صورت عدم
 پرداخت یک رایج بانک داده باشد، یا اینکه عدم پرداخت مستند به
 عمل صاب صاب یا وکیل یا نماینده بودن باشد در طایفه که یک به وکالت
 یا نمایندگی از طرف صاحب صاب ام از شخص حقیر یا حقیر
 صادر شده باشد حواله ۱۴ و ۱۹ ق صدور یک

جهات کفیری یک و در ماده ۳ ق صدور یک شش بند آمده است
 در جهات کفیری یک، منظور همان جهات صدور که عدم پرداخت است

- ۱- وجود قلم خوردگی
 - ۲- اختلاف در مندرجات عملاً موقوف با علم در وقت
 - ۳- عدم مطابقت اخصاء به در حد عرف بانگاری
 - ۴- نقص اخصاء به عملاً ۲ اخصاء است اما
 یک اخصاء دارد به یا اخصاء، مهر است
 اما فقط اخصاء دارد
- یک بنا عمل
 به معنای حقیر
 همین است

۳- صدور بدون صاب
 ۴- دستور عدم پرداخت به بانک

حروف و عدد اگر مخایر باشند بانگ کو اهن عدم برداشت صادر می کنند ولی در طاه

حروف را ملاک قرار می دهد. و یک اضا نیز در بانگ.

اگر صفت یا اضا باشد و یکی اضا کرده باشد که لا مسئولیت لغوی متوجه کسی است

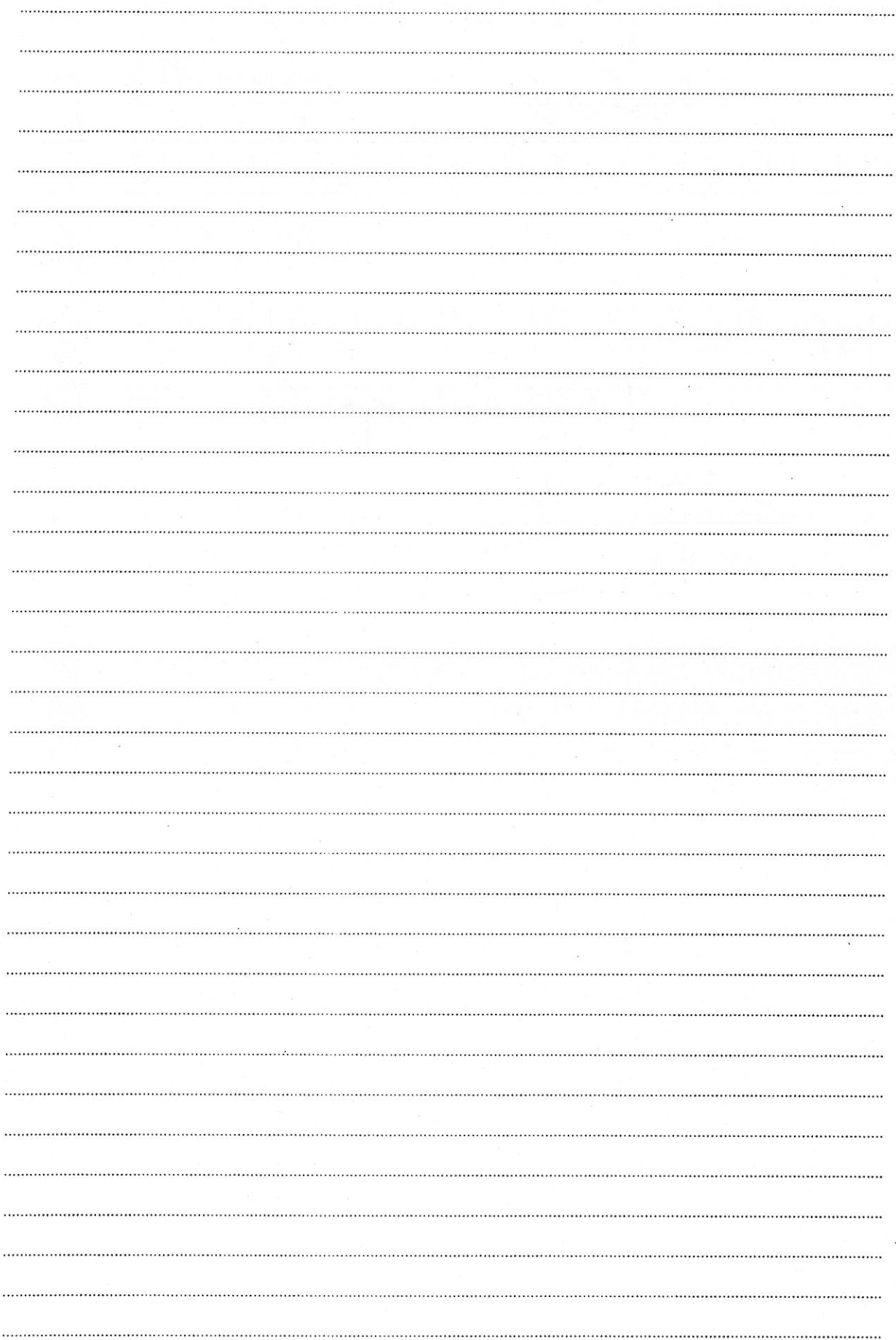
یک صفت یا اضا کرده باشد.

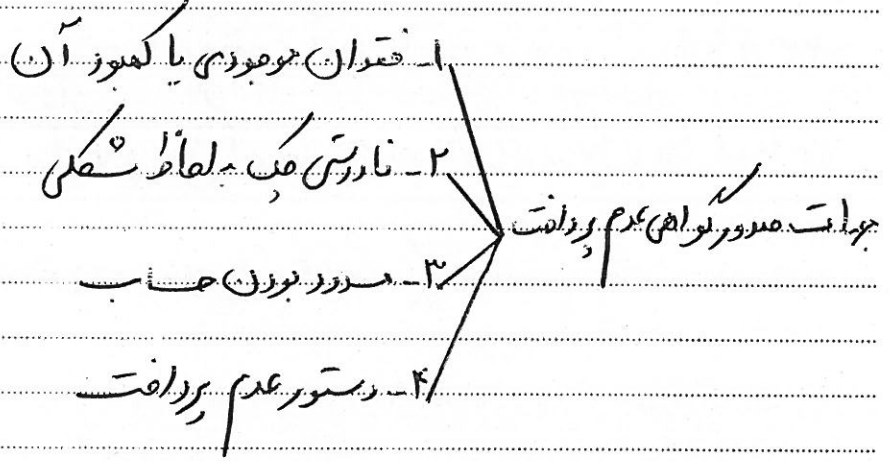
اگر صفت هم را داشته باشد و اضا نداشته باشد بانگ با بی را اهن عدم برداشت

صادر کنند (البته در صورتی که هم صفت و اضا باشد)

بیان صبر ۱۶

۱، ۳، ۹۳





در صورتی که حکم با علم به صدور بودن حساب، صادر شود، ترتیب مسئول م ۱۰ قانون یک خواهد بود و در این حالت به صورت مجازات یک برداشت نشدن حکوم می شود و این مجازات، غیر قابل تعلیق است اما در صورتی که ترتیب، علم به این موضوع نداشته باشد، مسئول مقررات عام قانون یک می شود و لذا در صورتی که حکم، به تاریخ واقع روز صادر شده باشد، مشروط، سفید امضاء و تصدیق باشد، بر اساس م ۷ ق صدور حکم، مجازات تعیین می شود.

نکاتی در مورد دستور عدم برداشت:

طبق م ۱۴ ق صدور حکم، صادر کننده یا قائم مقام یا ذی نفع، می تواند با مراجعه به بانک مطال علیه دستور عدم برداشت وجه یک را بنا به یکی از دلایل

زیر، بدهد:

۱- سرقت (یعنی ادعا کند که حکم سرقت شده)

۳ - جعل (البته نسبت به یک مایه تخصیص شده بانگس، یعنی شورا دعای جعل
کنند فقط بانگس صادر کننده ا دعای جعل کند نسبت به این گونه یک ها ا دعای
دیگری همچون معرفت و مفقودی نیز برفته نمی شود)

۴ - خلا هر داری

۵ - خیانت بر امانت

۶ - سایر جرائم (یک در اثر سایر جرائم تحصیل شده مثل قمار - ربایه - تحصیل مال
از طریق نامشروع و ...)

غیر از موارد مذکور، دستور عدم پرداخت بوجه یک، شنیده نمی شود.
بنابر این شخص نمی تواند به بانگس مجال علیه مراجعه کرده و با ا دعای انگیزه با
دارنده یک، اختلاف حساب دارد و دستور عدم پرداخت بدهد، چنین
صورتی نیز برفته نیست

پس از صدور دستور عدم پرداخت، دستور دهنده مکلف است ظرف یک هفته
تکلیف کرده و گواهی آن را به بانگس ارائه نماید. در صورتی که دارنده
در مهلت یک هفته، به بانگس مراجعه کند، بانگس مکلف است در صورت
تقاضای دارنده، گواهی عدم پرداخت بازگشت صادر نماید هر چند که
گواهی از مرجع قضایی به بانگس ارسال نشده باشد اما در صورتی که

یک هفته منقض شده و گواهی طرح مطالب - بانک در مهلت مذکور تقدیم
 نشده باشد، بانک ملکت به پرداخت وجه یک است و ضایحه گواهی
 تقدیم شده باشد، بانک مانند مورد قبل، ملکت به صدور گواهی عدم پرداخت
 است در این صورت، وجه یک (تأمین تکلیف توسط مرجع قضایی) در حساب مدور
 نگهداری می شود، ضایحه ادعای دستور دهنده عدم پرداخت جنبی بر مسرفت می افتد
 به اثبات برسد دیگر حجم صدور یک پرداخت شدنی معاند ندارد اما
 در صورتی که خلاف این ادعا به اثبات برسد، دستور دهنده، افزون بر
 مجازات یک پرداخت شدنی به جبران خسارت وارد شده نیز
 محکوم می شود. حق اکثر دستور دهنده، خود صادر کننده یک نباشد (ملا
 ممکن است ضامن یا ظهر نویس باشد) در این مورد لازم نیست که درنده
 یک، بر این گرفتن خسارت، وارد خواست به شرح قانون آ. د. م
 به مرجع گفتاری تقدیم نماید.
 در فرضی که یک، وعده دارد، مشروط و تضمینی یا سفید امضاء باشد،
 و به شرح ماده ۱۴ و ب. لیل دستور صادر کننده یا قائم مقام یا ذی نفیخ، مشروط به
 گواهی عدم پرداخت گردد در همین حال، خلاف ادعای دستور دهنده،
 ثابت گردد، دیگر اعمال مجازات ماده ۷ قانون یک، توجیهی ندارد،
 زیرا طبق ماده ۱۳، صدور یک های وعده دارد، بدون تاریخ مشروط و سفید امضاء

جرم نیت حتی اگر به دلیل دستور عدم برداشت که کذب است ، مشتمل به
 نواهی عدم برداشت شود ، بدین است که در این حالت می توان عملیه
 دستور دهنده ، بر اساس قانون تقزیرات ، حسب مورد تطایب اقترا
 یا نشر اکاذیب مطرح کرد . و نظر مستر زین

جرم یک برداشت نشدن از حیث ماهیت در دسته مادی صرف و عنقر یعنی آن مخروض است
 مستر در یک مورد آنهم صدور یک از صاب محدود که در این حالت علم به
 صدور بودن صاب باینر ثابت شود ، جرائم مادی صرف از حیث دسته بندی
 در زمره جرائم عمومی قرار می گیرد بنا بر این اگر کسی بگوید ماهیت جرم یک برداشت
 نشدن چیست ؟ جرم عمومی است

جرم مادی صرف می عنقر مادی صرف مخروض و اثبات خلاف آن برعهده
 صادر کننده است یعنی یا اخصار یک ، اماره مسؤلیت وجود دارد عنقر مخفوی
 با اثبات نداشتن عنقر مخفوی برعهده صادر کننده است

مجازات جرم یک برداشت نشدن

- ۱- ^{بانه} ۶ ماه تا ۱ سال در صورتی که مبلغ یک و کمتر از ۱ میلیون ریال باشد
(در ۱۷)
- ۲- ۳ ماه تا ۱ سال در صورتی که مبلغ یک از ۱ میلیون ریال تا ۵ میلیون ریال
(در ۱۶)
- ۳- ۳ ماه تا ۲ سال و مصروفیت از راستن دستور یک به مدت ۲
(در ۱۶) (در ۱۷)
- ۴- ۳ سال در صورتی که مبلغ یک بیش از ۵ میلیون ریال باشد .

در صورت صدور یک از حساب مدور با علم بسته بودن حساب، ترتیب
به مدارک مجازات، در هر مورد - اعتبار مبلغ یک مکتوم می شود بنا بر این اگر مبلغ
یک و کمتر از ۱۰ میلیون ریال باشد، ترتیب - ۶ ماه حبس محکوم می شود و
در صورتی که مبلغ یک بیش از ۱۰ میلیون ریال باشد - ۲ سال حبس و نیز
۲ سال محرومیت از دانش رشته یک، محکوم می گردد، هر چند که نظر به
وجود دلایل قوی گوید در صدور یک از حساب مدور با علم بسته بودن
حساب، در هر حال باید مدارک مجازات مقرر در ماده ۷ مقرر از مبلغ یک
تعیین شود یعنی ۲ سال حبس و ۲ سال محرومیت از دانش رشته یک
و یا قابل تعیین مجازات مابقی هستند یا فرد (احمال مجازات مابقی این است)
چون اگر قاضی تشخیص کند، مجازات اعطای شود

معاون چگونه مجازات می شود در این جرم؟
معاونت هم در مورد بزه صدور یک برداشت نشدن، قابل تصور است مانند اینکه
کسی دیگری را به جرم صدور یک برداشت نشدن تحریک یا ترغیب نماید
در این صورت برابر قواعد معاونت، مجازات می شود یعنی اما ۲ درجه پایین تر
از جرم ارتکابی

تعیین مجازات قطعی، برابر ماده ۲۳ بر این ترتیب صدور حکم بردافت نقدی
بلایانواع سقوط بر این که مبلغ حکم کمتر از ۱۰ میلیون ریال نباشد.

در مورد حکم بردافت نقدی، مجازات تبیین نداریم - (با توجه به م ۲۵ ق ۱۴)

- ۱- سقوط مرور زمان
- ۲- عدم مشروعت حکم
- ۳- تجاوز در صدور حکم
- ۴- فقدان قصد
- ۵- برداشت وجه حکم
- ۶- استیصال حکم

جهات سقوط تبیین نگین حکم یا (جهات سقوط مجازات حکم بردافت نقدی)

۱) سؤال مرور زمان :

دارنده حکم در راستای حمایت از جنبه کنفری حکم، مکلف است

۲ نوع مرور زمان را رعایت کند:

۱- مرور زمان بر اصدای حکم که ۶ ماه از تاریخ حکم است

۲- مرور زمان قطعی که ۶ ماه از تاریخ صدور، خواه عدم برداشت

است

در صورتی که مرور زمان تحت رعایت شود، مرور زمان روم، کاربرد ندارد

ماده ۶۱ قانون م ۱ که قانونی لاحق است، مانع مهلت مرور زمان

در قانون حکم نیست چون عام موفر، خاص مقدم واضح نمی کند

با وحدت ملاک از ماده ۱۰۶ می توان بر این باور بود که اگر دارنده حکم

برداشت نقدی، به دلیل تحت سطر منهم بودن، یا خارج از اعتبار،

قابل به طاعت نباشد، در این صورت مهلت زبور از تاریخ رفع مانع محاسبه شود.

همچنین اگر دارنده، قبل از انقضای مهلت ۶ ماهه، فوت کند و دلیل بر
صرف نظر وی از طرح بطایع نباشد، هر یک از ورثه در مهلت ۶ ماهه از
تأدیغ فوت، حق بطایع را دارد.

۱۲) عدم مشروعیت جهت حکم:

در صورتی که ثابت شود جهت حکم، نامشروع بوده است، مجازات لغوی است.
حکم بردافت نذنی ساقط می‌گردد بنا بر این اگر ثابت شود که جهت بابت
رسوه یا ربا یا قمار یا هر چیز نامشروع دیگر مانند خمر و فحشاء و غیره است، حکم
صادر شده و مستحق به صدور نخواهد بود. عدم بردافت نذنی است اعمال مجازات صادره یا
قصد حکم استکمالی نیست.

در صورتی که جهت بابت رسوه بردافت شده باشد اعمال مجازات رسوه
ارتقا بر بلا مانع است. صادر کننده حکم (راش) و دارنده حکم (مخمس) را
با خواهر داشت اما اعمال مجازات حکم بردافت نذنی، معناه ندارد
پس رسوه ارتقا به هم مطلق است، صرف وادارن مستند بردافت
رسوه است، چه صرف بگیرد چه صرف نگیرد (مستطوره وجه حکم است)
در صورتی که جهت بابت ربا صادر شده باشد و مستحق به صدور نخواهد بود
عدم بردافت نذنی باشد، در این صورت نه هم حکم بردافت نذنی
و نه هم ربا محقق است زیرا ربا همی است مقید، اما با این حال

می توان دارند که یک برداشت ندرتی را به مجازات شروع به ربا مقدم نکرد
نیز اجماع ربا موضوع هم ۵۹۵ و تقزیرات، صین درجه ۵ است و مجازات
شروع به جرم در جرائم مستوجب مجازات صین درجه ۵، صین یا اطلاق یا
میزان تقزیری درجه ۶ است

در صورتی که یک، بابت قمار صادر شده باشد، و مشتمل بر یک است بود،
مجازات یک برداشت ندرتی ساقط می شود اما قمار بازنی، جرم محسوب نمی شود
و در صورتی که بابت قمار صادر کننده و دارند در قمار بازنی رخیل بوده اند
به مجازات صدر بر این قمار بازنی محکوم می شوند.

۱۳) موارد مصدق در ماده ۱۳ قانون صدور چک؛
طبق ماده ۱۳ قانون چک، صدور چک در موارد زیر ولو آنکه مشتمل بر صدور کتبی
عدم برداشت گردد، جرم و قابل مجازات نیست؛
۱- صدور چک تضمینی

۲- صدور چک مشروط (لازم نیست مشروط در متن چک باشد مگر است در قرارداد)

۳- صدور چک سفید امضاء

۴- صدور چک وعده دار

۵- صدور چک بدون تاریخ

اصل بر این است که تضمینی، مشروط، اینها نیست.

۱۴) وجه یک برداشت شدن در زمره جرائم قابل لذت است بنابراین
تعیین این وجه، منوط به تطبیق آن است و بالذات ساین نیز
مجازات ساقط نمود و ضایحه در مراحل قبل از صدور حکم باشد، قاضی
مكلف است و اگر موقوف تعقیب صادر کند.

۱۵) برداشت وجه یک به همراه ضارت تأخیر تأدیه و

ضایحه صادر کننده، مبلغ یک را به همراه ضارت تأخیر تأدیه به دارند
برداشت نماید، مجازات ساقط می گردد و در صورتی که این اقدام، قبل از
صدور گواهی عدم برداشت باشد قرار موقوف تعقیب صادر می شود و در صورتی که
بعد از صدور حکم عقلی باشد، مجازات اجرا نمی شود (یعنی موقوف الایوانی نمود)
در این جا لازم نیست که ساین نیز لذت نماید حتی با وجود عدم لذت
ساین، مجازات ساقط می گردد و این وصفی است که فقط در مورد
وجه یک برداشت شدن، پیش نی برده است و در سایر جرائم قابل لذت
برداشت ضارت، موجب سقوط مجازات نمی شود مگر آنکه ساین لذت نماید
به نظری رسید عین در مواردی که شخص دیگری غیر از متهم یا محکوم علیه، وجه
یک را برداشت می کند و یا اینکه به دلیل فرار محکوم علیه، وجه یک و ضارت
از وثیقه تودیع شده برداشته می شود، باز هم مجازات ساقط می گردد هر چند
که این نکته در جایی که وثیقه گذار شخص ثالث باشد، قابل اعمال است،

(۶) انتقال ملک به دیگری :

در صورتی که ملک، پس از صدور کتوای عدم برداشت، در هر مرحله ای که باشد به دیگری منتقل شود، صیبه کفتری آن ساقط می گردد و به دلیل جلوگیری بدیده شرخرزیم. مگر آنکه انتقال ملک، قهری باشد یعنی دارنده فوت کند و ملک به وراثتین برسد.

صرفاً دارنده برابر قانون صدور ملک حق سقاطیت کفتری دارد و دارنده کسی است که به بیان تراص کرده و کتوای عدم برداشت به نام او صادر شده باشد. (این کسی که ملک را به بیان کرده بگوید من نماینده ام، در آن صورت کتوای عدم برداشت به نام اهل مال در می شود)

دارگاه صالح به رسیدن کدام دارگاه است؟
دارگاه صالح به رسیدن ۱) از صیبه صلاحیت زان ۲) دارگاه صالح به رسیدن دارگاه کفتری ۲.

۲) از صیبه صلاحیت محلی و دارگاه محل صدور کتوای عدم برداشت، صالح به رسیدن است نه دارگاه بیان بحال (مطلق است ملک به آنجا می آید).
دارنده ملک می تواند همراه با طرح سقاطیت کفتری، دادخواست مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم رایج طرح کفتری تقدیم کند که در این صورت طرح کفتری ملک است - این مورد رسیدن کند (صرف نظر از مبلغ ملک)
دارگاه نمی تواند جزو زیر صالحین توان است -
بگوید
برو شورای حل اختلاف -

بدون (نه مجید نظر)

تا قبل از اعلام فتح دارویی حق دارویی دادخواست بدوی ، چه دادگاه چه دادسرا
در صورت جنبه مدنی است ، ضرورتی ندارد که دادخواست به مرجع کفتری تقدم گردد
بلکه می تواند دادخواست به دادگاه محل اقامت خواننده یا محل احوالی تقدیم یا
محل وقوع بانک محل علیه تقدم شود

طبق نظر دکتر میرمحمد صادقی ، هیچ حایر نیست در ایران و به عهده بانک های خارجی
واقف در خارج از کشور صادر می شوند و منتهی به صدور گواهی عدم پرداخت کارگردند
از هیئت مقررات کفتری ، تابع قانون ایران است این نظر مصدق نیست
در ماده ۸ قانون صدور حکب ، مطلق است اما با توجه به ماده ۲
باید گفت به هیچ حایر صدور مقررات کفتری ایران نمی شوند که به عهده
بانک های ایرانی واقع در خارج از کشور صادر شود و منتز به صدور گواهی عدم
پرداخت شود

هزینه تطای کفتری :

- ۱- در صورتی که مبلغ حکب تا ۱ میلیون ریال باشد ۵۰ هزار ریال
- ۲- در صورتی که مبلغ حکب بیش از ۱ میلیون ریال تا ۱۰ میلیون ریال باشد
۲۰ هزار ریال
- ۳- در صورتی که مبلغ حکب ، بیش از ۱۰ میلیون ریال تا ۱۰۰ میلیون ریال باشد
۳۰۰ هزار ریال

۱- قرار و تصفیہ
 قرار تائید صادرہ در مورد یک برداشت نڈز ۲ ہزار است
 ۲- قرار لغات
 بین قرار بازرگانی، مصدقہ

در صورتی کہ مبلغ یک بیس از ۱۰۰ میلیون ریال باشد ہ هزینه اس میں ٹور
 یک در ہزار یعنی ۱۰۰ میلیون ریال میں ٹور ۱۰۰ ہزار ریال ہوگا
 (۱۰۰ ٹور ۳ تا یک بلا عمل صادر کردہ باشد ہر ایک ٹور ۳ تا ۱۰۰ ہزار تا نصف)

عضرو تونز ۵۲۴ تا ۵۳۸
 ولن م ۵۳۶ پایہ است

تعریف جعل

عناصر تشکیل دہندہ

عضر مادی

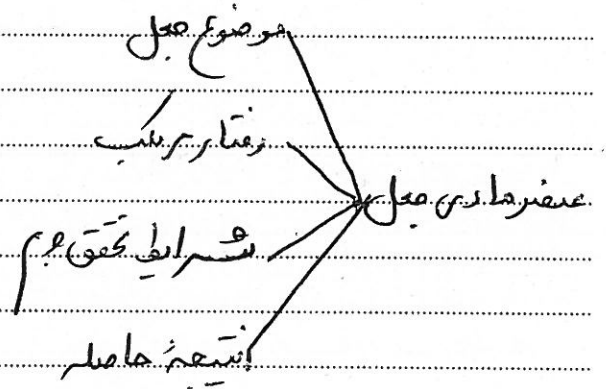
مجازات

مورد خاص

تعریف جعل (م ۵۲۳ قی تعزیرات) ۸

جعل عبارت است از ساختن یا تغییر دادن نوشته یا هر چیز دیگری که در قانون

تصریح شده، برخلاف حقیقت و به ضرر غیر



موضوع جعل به مفهوم اخص و نه مفهوم اعم تقسیم بندی دارد.

به مفهوم اخص نوشته یا سند است.

به مفهوم اعم اسلحه، خود، منگنه، افسار، تیر، علامت و نشانها

بین تألیف، نقاشی، مصوری، اثر انگشت، تألیف خوشنویسی، موضوع جعل قرار
نمیگیرد.

تغییر ارقام، نام، خود، پلاک، جعل نیت، بلکه بجم خاص موضوع ماده

۷۲۰ است

ساختن بدل آثار تاریخی و فرهنگی نیز جعل نیت، بلکه بجم خاص موضوع ماده

۵۵۶ مکرر است

تغییر در اسلحه‌ها بجم خاص است و ربطی به جعل ندارد.

نوشته، لازم نیست که دروس کاغذ باشد، در فضای مجازی هم درج شود.

ساختن

رفتار مرتب در عمل

تغییر دادن به باید قها در منذ اصل باشد، در منذ فعل و
یک باشد.

خرامیدین

تراشیدین

قلم بردن

القصاق

محو

اثبات

سیاه کردن

تقدیم یا تا غیر فارغ اند

القصاق

به کار بردن مهر دیگری بیرون اجازه

خرامیدین طبق نظر دیگر هر یک صاف یعنی حذف چیزی از کلمه با ابزار تیز مانند تیغ
و طبق نظر دیگر آزمایش یعنی کشیدن چیزی نوک تیز بر روی کلمه، به گونه ای که
با خوانا شود.

تراشیدین طبق نظر دیگر هر یک صاف یعنی حذف کل کلمه با ابزارهای تیز ایا بر اساس
نظر دیگر آزمایش به معنی حذف چیزی کلمه است با ابزارهای نوک تیز
قلم بردن: کلمه است و شامل خط خطی کردن یا اضافه کردن یا سیاه کردن تیز
می شود. (مهر) ابزارها یا بر صفا قلم باشد

میاده کردن و یعنی جوهر بر روی سندی یا نوشته به گونه ای که تا خوانا نگردد (صفت)

میاده کردن باید به شکل باشد که قابلیت استنباط انداختن را داشته باشد و الا

جعل نیست بلکه مشمول مقررات تخریب می شود

الحاق: یعنی افزون چیزی به متن که می تواند کلمه باشد، جمله باشد، نقطه باشد

درمانند دادن باشد

معوه: یعنی پاک کردن یا به تعبیری لاک زینتی را پاک کردن به هر طریقی که

پاک کننده است

انبات: یعنی از بیطال خارج کردن سند (یعنی سندی که فرود است آن را

زنده یعنی یعنی از بیطال خارج کردن)

تتم یا تأخر سند و تکالیف را یا جویبیری یا عقیب می اندازد

الصاق: یعنی ضمیه کردن سندی به سند دیگر، الصاق نیست به الحاق

کلی تر است

عکس اضافه کند، در صورتی جعل است که معهور باشد (عکس موضوعیت ندارد)

چنانچه عکس به سند جعل محسوب نمی شود قرینه معهور به هم باشد

بکار بردن مهر دیگری بدون اجازه

عین مهر زردی سندی یا نوشته به کار می رود پس آن را تفسیر می دهد

ابطال

مُرَاطِبًا مَحَقَّقًا جَعَلَ هُوَ وَجُودَ مُنْتَسِبِ إِلَيْهِ

۱- قَابِلِيَّةِ اِسْتِبَاهِ اِنْدَافَتَنِ

۲- بِرَفْلَافِ حَقِيقَتِ بُوْدَنِ

ووجود منتسب الیه، یعنی جعل باید منتسب به نفس فاعلی نور اعم
از حقیق یا حقوقی کما در بیان قدرت جعلی کنی منتسب می شود به نظام وصفیه

جعل به نام اعضاء موجودی جعل نیست، بنابراین اعضاء غیر زوفا را
جعل کنند، جعل نیست یا اعضاء است اسمیت را جعل کنی، جعل نیست
چون منتسب الیه وجود ندارد.

که منتسب الیه کرده باشد جعل محقق می شود (یعنی منظور این است
که منتسب الیه مجهول نباشد)

تفاوت جعل با تصدیق نامر فلاف واقع در همین نکته است در تصدیق نامر
فلاف واقع، دروغ از زبان خود نویسنده منقلب می شود یا دروغ به خود فرزند
برخی گردد مانند زنی که گواهی دروغ صادر می کند حال آنکه در جعل، دروغ حسنه
به نفس دیگر منتسب می شود، یعنی تحریف واقعیت منتسب به نفس دیگر است،
سما به نام زنی که جعل می کند. ولی در تصدیق نامر فلاف واقع، دروغ به
خودت بر می گردد. پس در جعل وجود منتسب الیه مرطوب است.

قابلیت به اشتباه انداختن و جعل باید به گونه ای باشد که انسان متعارف را به

اشتباه اندازد یعنی انسانی متعارف، جعل را به جای اصل بپندارد (انسان

متعارف نه انسان متخصص)

در جعل شبه سازی شرط نیست مگر آنکه موضوع جعل استثناس یا

فقره حروف باشد که در این صورت شبه سازی شرط است مگر در کس

در سطح کلان، استثناس های سفید رنگ ۱۰ هزار توانی جعل کند و به یک

ظاهرش بدهد و مالی از او دریافت نماید، جعل نیست ولی کلاهبرداری است

بر خلاف حقیقت بودن و جعل باید بر خلاف حقیقت باشد. حقیقت غیر از واقعیت است

واقعیتهای حقیقت فحش است ولی در جعل، حقیقت فحشین هم نیست

بلکه حقیقت ثانویه هم است. جعل کافراست. خلاف حقیقت ثانویه باشد

نه حقیقت اولیه زیرا ممکن است جعل، کاملاً منطبق با حقیقت اولیه (یعنی

واقعی) باشد اما به دلیل مغایرت با حقیقت ثانویه، مرتکب مجازات شود

برای نمونه اگر کسی به دیگری هدیه بدهد و بگوید این را به تو هدیه میدهم برای اثبات

ادعای خود که این را بر او هدیه است رسیدن به نام (این جعل نماید، عمل وی

چون و قابل مجازات است هر چند که آنچه جعل شده، غیر از واقعیت مندرج

در جعل، واقعیتهای هم نیست و حقیقت هم است

شیب حاصله از شیب شیب حاصله، جم جعل مطلق است همیشه
 قابلیت ایراد ضرر یعنی وجود ضرر بالقوه شرط تحقق جعل است بنابراین
 بر این تحقق جعل ضرر آنرا یا فوری، لازم نیست بلکه قابلیت ایراد ضرر در آینده
 لغایت هر گز حتی در استفاده از سبب مجبول هم، ضرر شرط نیست و منظور از
 استفاده یعنی بکار بردن سبب مجبول یا هر مجبول با علم و آگاهی است
 استفاده به منزله انتفاع نیست

یا این که جعل، جم مطلق است اما شروع به جم در مورد آن قابل تصور است
 ولی در استفاده از سبب مجبول، تصور شروع به جم ممکن نیست، زیرا به غیر
 اراده سبب مجبول، جم واقع می شود و در شروع به جم موضوعیت ندارد
 بدین صورتی که حاصل و استفاده کننده هیچ نفر باشد، تعدد، فاعلی است
 یعنی ترتیب مجازات هر دو از جم معلوم می شود
 جعل می تواند با انتقال مال غیر، تعدد معنوی پیدا کند (هم با اعضاء جعل واقع شده و

هم انتقال مال غیر

طبق تفسیر اراده حقوقی اگر سبب اعضاء معنی سبب را بر روی سبب، جعل نماید
 و از این طریق مالی را ببرد، بنابراین اعضاء سبب نباشد، ترتیب مجازات
 شده است اما اگر اعضاء سبب باشد ترتیب جعل و استفاده از سبب
 مجبول شده است

عضو معنوی عجم جعل ۵ از جهت عجز معنوی، جعل جزی است عمومی، و برای
 تحقق آن، وجود سوو نیت عام و خاص، لازم است، سوو نیت عام در جعل،
 به معنای قصد ماضی یا تغیر دادن نوشته یا غیره با علم و آگاهی است
 و سوو نیت خاص در جعل همان قصد قلب است (م ۵۲۳)
 بنابراین جعل به قصد قلب نباشد، مجازات ندارد مانند آنچه بعضی قصد
 هنرمندی و نشان دادن هنر خود، غیر از جعل کند، در این صورت از باب
 جعل، قابل مجازات نیست

در استفاده از سوو نیت معمول، سوو نیت خاص یعنی قصد قلب، شرط نیت
 بلکه صرف سوو نیت عام کفایت می کند و سوو نیت عام در این باب به معنای
 عزائم استفاده از سوو نیت معمول با علم و آگاهی به جعلی بودن است
 عند نظر ۵

۱- دست بردن در سوو نیت که خود را اجتناب یا جعلی است، جعل محسوب
 نمی شود، مگر در صورتی که در سوو نیت که اهل نیت
 (سوو نیت) است که سوو نیت را سوو نیت محسوب باشد

۲- شرط در جعل در شکل ماضی، تحقق عینی سوو مانند آنچه عند نظر با هم
 یک سوو را با سوو اما سوو در جعل به شکل دست بردن محقق نمی شود
 زیرا با نخستین دست بردن سوو جعل عینی سوو و ادامه جعل توسط فرد دوم

جعل جعل محبوب می شود و جعل جعل هم نیت
 هیضین باید خاطر نشان کرد که شرکت در استفاده از سند جعلی، قابل تحقق
 و قابل تصور نیت، چون در حقیقت یک نفر ارائه می کند.

۳- عکس برداری از اوراق هویت و مدارک دولتی، در صورتی که موجب استنباه
 یا اصل شود و مصور به علامتی بنا کند که نشان دهد عکس است نه اصل
 جعل مصوب می شود و تهیه کنندگان اینگونه مدارک و نیز استفاده کنندگان
 آنها به طایفه اصلی مجازات غیر کور در ماده ۵۳۷ ق.م.ا. محکوم می شوند.
 (در صورتی که موضوع جعل و ادراغی نمیرد حتی سربرگ روانی دولتی) //

در حالت عادی (م ۵۳۶) ۶ ماه تا ۲ سال (درج ۶)
 یا از ۳ تا ۱۲ میلیون ریال (درج ۷)
 مجازات هم جعل

موضوع جعل در اصل عادی، قابل مجازات نیت
 معاوضتی ۱ تا ۲ درج یا سبب نیت
 مجازاتش ۶ قابل تعلیق است ۶ بر حذف قانون تقدم که نیت نیت
 قابل تعلیق و تخفیف هم نیت قابل آزارش مشروط و نظام
 به اعتبار نظام رسمی ۵ نیت از این هم نیت

۱- جعل بنا بر هر چه یا بر وسایلی آفوده (این جا سبب الیه مقام رهبری
 است م ۵۲۴
 باید به اعتبار (در مقام رسمی) جعل شود ۳ تا ۱۵ سال
 مصور خاص

موضوع مجازاتش ۴ درج ۴
 معاوضتی هم یک یا ۲ درج یا سبب نیت

- ۲- جعل اسبابه م ۵۲۵ ۴
- ۳- جعل اسکناس رایج یا اسناد نقدی یا اسکناس
- ۴- جعل مدارک دانشگاهی یا مدرک آموزش عالی (تلافی با طاعن)

۱- جعل به نام مقامات یا کارمندان از
جیب مقام رسمی

۲- جعل مهر یا غیر یا علامت ادارات یا نهادها
یا شرکت های دولتی

۳- جعل اوراق و اسنادها یا اسناد یا حواله های
مبارزه از خزانه

۴- جعل سفته یا علامت تقسیمی کننده طلا یا نقره

۵- جعل اسناد رسمی و امضا و مهر دولتی

جعل اسناد ماره ۵۲۵

مطابقت این موارد با آیه اسال

صین یعنی درجه ۴
نماره ۱ نماره ۲

این دو م قابل تعلیق است هم اولی و هم دومی
شروع به جرم صین درجه ۵
معاذت صین درجه ۵ و ۶

استاده از نام یا علامت استناد دارد، ملی یا بین المللی به منظور القای شبهه

در کیفیت محصولات، ماهیت جعل نیز بلکه قانونگذار حد اکثر مجازات جعل را

برای این حالت در نظر گرفته است

۳- جعل اسناد رسمی و امضا و مهر دولتی یا اسناد معمولی ماده قانونی

هم شود اما اغراضی الارضی در صورتی که جعل اسناد رسمی بطور متکرر باشد

به گونه ای که موجب اغلال شود در نظم عمومی کشور شود یعنی اغلال در نظام اقتصادی

ایجاد کند و مرتکب نیز قصد اغلال کرده یا ایجاد نا امنی یا اضرار خدایت کرده

درسته باشد، - مجازات اعدام محکوم شد (طبق م ۲۸۶) پس افراد
فنی الارض ۳ تا سرط را در ارتد هم ۲ - افلال در نظم اقتصادی
۳ - عقد افلال یعنی صورت فاضل پس هم مقید و یا صورت فاضل است

۲ - هم موضوع ماده ۵۲۶ که صورت فاضل آن، عقد افلال در وضع
بولی و بانس و اعتقادی و یا بر هم زدن نظم و امنیت بیایر است که در
این صورت مجازات مرتب ۵ تا ۱۰ سال حبس است (یعنی حبس
درجه ۲ که غیر قابل تعلیق است)

۳ - هم موضوع ماده ۵۲۵، و این در حالتی است که ترتیب صرفاً قصد تقلب
دارد یعنی مایل حواله بالانگرا شود که در این صورت مجازات وی ۱۰
سال حبس است - م ۵۲۴

۴ - جعل مدارک دانشگاهی یا مراکز آموزش عالی (دانشی یا فارغی)
جعل مدارک دانشگاه ایرانیان، جعل نمیت چون دانشگاه ایرانیان وجود خارجی ندارد.
قسمت افزایه، کیفیت مژده تخفیف است - (م ۵۲۷)

۵ - جعل مهر یا منگنه یا علامت یکی از ادارات یا مؤسسات یا نهادهای عمومی غیر دولتی:

جعل مهر یا منگنه یا علامت یکی از ادارات یا نهادهای عمومی غیر دولتی: ۶ ماه ۳ سال (حبس درجه ۵) ۵۲۸

۶ - جعل مهر یا منگنه یا علامت یکی از شرکت ها یا تجارت خانه های خصوصی
۵۲۹ - مجازات

۷- استناد به مهر یا ^{تعمیر} یا علامت ادارات یا شرکت ها یا تجارخانه های
موضوع مواد ۵۲۸ و ۵۲۹ این جرم خاص و معتبر است و ربطی به جعل ندارد
مجازاًش ۲ ماه تا ۲ سال

۸- جعل مادی در اسناد رسمی توسط کارمندان و مسئولان دولتی به اعتبار وظیفه
جعل مادی به جعلی گفته می شود که همه کارها در این کتاب آبی هستند و می توانند
در شکل ساختن تحقق پیدا کنند یا در شکل درست بودن و واقع در جعل مادی
صلاحیت ویژه لازم نیست، مواردی که تا اینجا بررسی شد یعنی از ماده ۵۲۴ تا
۵۳۲ همه ناظر به جعل مادی است و نه جعل معنوی

ماده ۵۳۲ نیز ناظر به جعل مادی در اسناد رسمی به اعتبار وظیفه است یعنی
ترکیب در صورتی مشمول ماده می شود که کارمند دولتی یا شرکتی مأمور به جعل
سند رسمی یا سند و وثاقت جعل به اعتبار وظیفه و در مقام انبای وظیفه واقع شده

یا سند رسمی ۳ شرط لازم است
۱- حرام بودن سند ۲- تا ۳۰ میلیون ریال (درجه ۶)
مجازات این ماده ۵ (حبس درجه ۵) (تا ۵ سال)

موضوع جرم هم که مثل مواد قبلی جرم است

۹- جعل مادی در اسناد رسمی توسط اشخاص عادی (م ۵۳۳)

مثل جعل کارت پایان خدمت، جعل گذرنامه توسط اشخاص عادی

۱۰- ترخیص کارمند دولت یا شرکت جعل مادی در سند رسمی نبود ولی نه در مقام

ایمانی و اطمینان و قطعاً محمول م ۵۳۲ غیر مورد.

در صورتی که ترتیب، کاربرد دولت باشد، و ترتیب جعل فاری در سند رسمی مورد
ولس جعل به اعتبار وظیفه، صورت تفکیک باشد، ترتیب به نظر می رسد که

محمول م ۵۳۳ باشد. معارضات این ماده ۶ ماه تا ۳ سال
است (درجه ۵)

اگر کسی در زمانه امر خودی است برز م ۵۳۳ می شود.

استفاده از نشانها در ضمن مرده برای دریافت خرابی در حکم کلاهبرداری است

اگر کسی در صورتیکه بنصم ابتدای این است برز م ۵۳۳ می شود.

۱- جعل معنوی در اسناد رسمی توسط کارمندان دولت یا مراجع قضایی (مأموران
قضایی) یا مأموران نه فرقات عمومی.

جعل معنوی یا مفادش به معنای قلب حقیقت در زهن و آوردن آن بر روی

سند رسمی توسط شخص ذمه‌دار گفته می شود در جعل معنوی، سندی لحاظ شکل

مخدوش نیست بلکه کاملاً منطبق با قانون است اما به لحاظ ماهوی

حاصل یک دروغ است، دروغ را منقلب می کند پس جعل مفادی جعل در

ماهیت است نه جعل در صورت یا شکل. مأموری که صلاحیت

تنظیم سند رسمی را دارد در ضمن تنظیم، مقصود را تغییر می دهد مانند آنکه سر دفتر

اسناد رسمی در ضمن تنظیم سند وصیت، نام یکی از موصی را ذکر نمی کند

یا اینکه سر دفتر در ضمن تنظیم میباید، به جای عبارت عمن معالیه تقدیر برداشت

عنه و بنویسد عن معاملة برداشت نشد، یا مبلغ غیر از مبلغ توافق شده را منگین کند
با این که منگین دارگاه در ضمن تنظیم صورت مجلس بجاى عبارت انعام
وارد و قابل قبول داریم بنویسد انعام وارد و قابل قبول نداریم.

پس جعل معنوی اولاً توسط کارمندان دولت یا مأخوذ قضایای یا مأخوذ به خدمات
عمومی واقع می شود.

ثانیاً در سند رسمی است، مثلاً در مقام ایضاً وظیفه است و در اینجا
در ماهیت است نه در شکل.

به نظر برخی حقوقدانان، جعل معنوی، موضوع ماده ۵۳۴ حتی ممکن است در غالب
ترک فعل واقع شود مانند عدم ذکر نام یکی از حوصصی لحم در سند وصیت یا
عدم انقضای ذماعت مشتمل بر صورت مجلس تنظیم شده توسط دارگاه
اما باید خاطر نشان کرد که صرف ترک فعل ماضی برای جعل معنوی نیست
بلکه باید باشد و تنظیم شود.

۳) یا جعل معنوی یا مفادی در سند عادی واقع می شود یا غیره؟

برخی بر این باورند که جعل مفادی یا معنوی در سند عادی اصلاً جرم نیست و
استاد بر این باور است که جعل معنوی در اسناد عادی، مشمول مقررات
جعل عادی می شود و جعل عادی جعلی است که هر کس قادر به ارتکاب آن
می باشد و بنابراین جعل معنوی در اسناد عادی شامل ۵۳۶ م می شود که ماده
پایه است.

۱۱- استفاده از سند معمول موارد ۵۳۲ تا ۵۳۴

۱۲- عکس برداری از مدارک (م ۵۳۷)

۱۳- شرط برای اعمال این ماده لازم است که عکس برداری است ۲- عدم وجود مهر یا

علامت گواهی در هفتاد و هشتاد و نه است ۳- وجود مهر اصلی بودن یعنی

قابلیت به استنباط انداختن مردم را دارد در صورت وجود این ۳

مهر و هم تهیه کنندگان مجرم اند و هم استفاده کنندگان به جای اصل مجرم اند ۴

این استفاده کننده به جای اصل استفاده کنند، به جای فرج استفاده کنند، شمول ماده نیت
بین قصد تقلب شرط است

مبلغ تفریزی در مجرم (۶ ماه تا ۲ سال)

مجازاتش > جزای نقدی در مجرم ۷ (۳ تا ۱۲ میلیون ریال)

۱۴- جعل کواص زینتی به نام طبیب

۱- جعل کواص به قصد معافیت از نظام وظیفه

۲- جعل کواص برای تنگم به دادگاه

سایر موارد مشمول ماده باید است

جعل کواص زینتی به نام حسد هفتاد و نهم جهت ابرائه به سایر مراجع باید

(یعنی غیر از مراجع قضایی) مرتکب مشمول مجازات باید است که در آن

صورت مجازات بین بیتر از این ماده است و در سایر هم مشمول

ماده باید است (ماده باید مجازاتش از این ماده شدیدتر است)

۱- تقدیر م ۵۲۵

۲- ماده ۵۳۰

۳- ماده ۵۳۹ (بغیر همان تقدیر نامی)

خلاف واقع توسط خبرنگار

۴- ماده ۵۴۰ تقدیر نامه خلاف واقع توسط خبرنگار

۵- ماده ۵۴۱، تعلق در اسفندماه

جرائم خاص

تقدیر ناجیه که در ماده ۵۳۹ آمده، به ۳ دلیل منسبت صادر شده

۱- صدور تقدیر نامه به قصد معافیت از خدمت در ادارات رسمی؛

۲- صدور تقدیر نامه فلان واقع به قصد معافیت از خدمت نظام وظیفه

۳- صدور تقدیر نامه خلاف واقع به قصد تقدم به مراجع قضایی

مجازاتش ۶ ماه تا ۲ سال

در صورتی که تقدیر نامه خلاف واقع، با افزودن سوء صادر شده باشد، حسب
به مجازات مقرر برای رسوایان محکوم می شود و محمول این ماده نمی گردد.

در واقع تقدیر نامه خلاف واقع، موضوع این ماده در ۲ حالت صادر می شود

۱- بدون افزودن سوء، که در این صورت مرتکب سائل مجازات م ۵۳۹ است

۲- با افزودن سوء، که در این صورت مرتکب محمول ماده ۳ قانون تشدید

مجازات خرابی ارتقاء و افتلاس و کلاهبرداری ۷ بدو است مجازات است

در این جا صرفاً ضابطه مال خورد رسوای است و در این باب مجازات دیگر

غیر از ضبط مال مورد رسوای محکوم نخواهد بود.

صدور تصدیق نامه خلاف واقع توسط غیر ذی شئک، مشمول ماده ۵۴۱ است
و در این صورت تصدیق نامه باید منتفی به ضرر شود، یعنی جرم، عقید است
نه مطلق.

استاندارت ماده ۵۴۱ باید آموزش باشد، آزمون های استخدامی
شغلی و منتفی مشمول این ماده نخواهد بود، بلکه جرم نیست
ماده ۵۴۲ منسوخ شده.

۱۴- جعل رایانه ای (۷۳۴) - معیار آتش درجه ۵ است
مبنی درجه ۵
جوانی نندی درجه ۵
یا هر دو را

م ۶۷ و ۶۸ قانون تجارت استرونیکی با این ماده نفع شده

هر چیزی که ضبط بردارشی راسته باشد.

م ۶۷ و ۶۸ قانون تجارت استرونیکی با این ماده نفع شده

نایان صید ۱۷

۱۷/۳/۹۴

شرایط تحقق مجرم

تقلب
طلبه در موقوفات (۵۱۸)
تقدیر در موقوفات (۵۱۹)
مجازات

موقوفات لایق و غیره

جرائم مرتبط با موقوفات

موقوفات واجب

- ۱- ائمه (ع) مسلم تقبل
 - ۲- عامه و غیره (مذکور) مسلم تقبل به نور
 - ۳- غیره و غیره (مذکور) مسلم تقبل
 - ۴- ترویج مکه تقبل قبل
- حدود دارون ... غیر مستحق
موقوفات انداختن

و عقار غیر تقبل با غیر در غالب غیر از این موارد با ائمه
و عقار غیر تقبل در غالب عقل فاقد حیثیت

ایست

۲- مسلم تقبل مسلم اصل یا ائمه (مباحث عرفی)

بسیه ساری شرط ایست (انسان سفارین قبول بخورد)

۳- مکه مورد معامله قرار بگیرد دانسته یا نه

مستطوره از مورد معامله بی رواج نیست ایست (مذکور و خارجی)

۴- وجود عقد تقبل (سور نیت خاص)

بین با ائمه عقید تقبل دانسته یا نه (عقد مورد عود می باشد در عنوانی)

شرایط تحقق مجرم

نظرات مهم:

۱) مکه های عتیقه، اصول حکم ماده ۵۱۸ نمی شود بنا بر این اگر کسی بعد از عتیقه را

بازر مسؤل ماده ۵۶۶ مکرر می شود، بین مکه های عتیقه مسؤل این

ماده نمی شود

۲- در صورتی که حرکت ، سکه تقبل را بازرد ، همین شروع کند ، همین
 مورد خرید و فروش قرار دهد یا وارد کند از جدول مقررات تعداد جرم ، خارج است
 و صرفاً به مجازات مندرج در ماده ۵۱۸ محکوم می شود
 در تقابل بیش از یک مصداق از مصداقین عنقر ما در یک جرم ، تعداد محسوب نمی شود
 و این امر بازرد و بفروشد یک جرم است
 ۳- در صورتی که حرکت ، با فروش سکه تقبل ، حالتی را تحصیل نماید ، مقررات فوق العاده
 حاکم است یعنی حسب مورد به مجازات فروش سکه تقبل یا کلاهبرداری
 محکوم می شود . در حالت عادی فروش سکه تقبل اشد است و این امر کلاهبرداری
 محسوب می باشد ، کلاهبرداری اشد است

<p>مجازات میانه - اما ، اسل عین (درجه ۱۴)</p> <p>مجازات معاون - عین درجه ۵ یا ۲</p> <p>شروع جرم - عین درجه ۵</p> <p>مجازاتش قابل تخفیف و تعلیق است (مبایه معاون شروع به ۱۴)</p> <p>جرم موضوع این ماده - مطلق است</p>	}	<p>مجازات جرم تقبل در مکافات طلا و نقره</p>
---	---	--

۱- تراشیدن

۲- خریدن

۳- شستن

۴- با نظر آوردن

تغذیه در موقوفات

۲- ترویج مکه تغذیه مده مطلق

۳- داخل نمودن مکه تغذیه مده مطلق

موقوفات طلا و نقره

در مورد حالت غنیمت، یعنی تغذیه، جرم مقید است زیرا اخذش باید به نیت این
 باشد که از میزان طلا و نقره بجاهد (یعنی اگر نگاهد جرم نیت، اگر اضافه کند جرم نیت)
 در مورد حالت های ۲ و ۳، جرم مطلق است زیرا نفس ترویج مکه تغذیه مده
 یا نفس وارد کردن مکه تغذیه مده، جرم محسوب می شود هر چند که صورتی هم
 به وسیله شور وارد نگیرد (به اقتضای شور ضروری وارد نگیرد) اقرون بر این
 باید خاطر نشان کرد که جرم تغذیه (یعنی غنیمت غنیمت) مستلزم وجود نیت خاص
 یعنی قصد قلب می باشد بنا بر این اگر نفس مکه طلا و نقره را سوراخ کرده و
 بر این بنا کردن بند می باز در دستترین مغازه امس آونز ان کند، مسئول
 ماده نمی شود. اما در مورد غنیمت درم و سوغ یعنی جرم ترویج و داخل کردن،
 قصد قلب، شرط نیت بلکه صرف علم و آگاهی است، یعنی مکه تغذیه مده
 است، لغایت می کند، یعنی علم بر این که مکه تغذیه مده، لغایت می کند

مجازات مباشره ۱ تا ۳ سال حبس

X مجازات معاون و عین درجه ۵ یا ۵

موضوع جرم عین یا مُلحق یا بواسطه عین درجه ۶

مجازات تخذیب در مکافات

م ۳ ۵۱۹
طلاوتقره

تخذیب مکدر رابع و جرم نسبت

تراشیدن

تخذیب مکدر و بریدن

مضارقی

مضارقی
مادی جرم

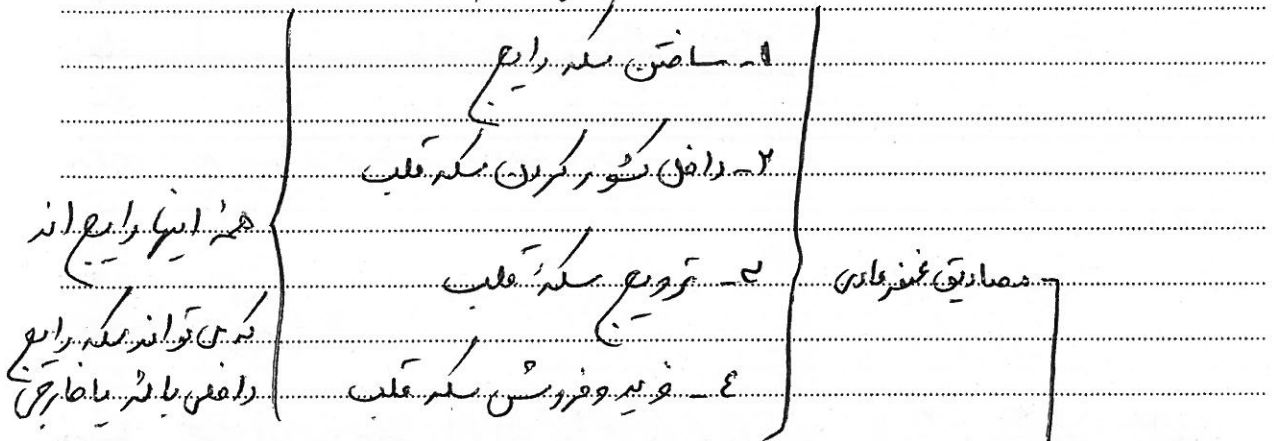
تخذیب در مکافات

تخذیب در مکافات

مکافات طلاوتقره

جرم بر حسب مکافات

جرائم مرتبط با مکروبات (تخذیس سکه رایج جرم نیست)



سکوبات رایج ۵۲

مجازات ۱ تا ۳ سال حبس

معاون در مجازات ۶ یا ۷

مبتدع جرم حبس یا اشد یا جزای نقدی درجه ۶

مقتد قلب در این جا شرط است ، جرم هم مطلق است

توبه در جرائم تغزیری درجه ۱ تا ۵ به موجب بقوه مجازات غاخر در (۱)

در ۲ مورد ۱- جرائم مرتبط با مکروبات

۲- جرائم علیه امنیت (مصرع ۱) در تبصره ماده ۵۱۲ که مورد است

مصادره موضوع ماده ۵۲۲ ، مصادره عام است چون تأثیر به ضعیف علیه اموال تحصیل شده

به نفع دولت است این مجازات (یعنی مجازات مصادره عام) با توبه

ساقط نمی شود توبه فقط حبس را ساقط می کند ، تأثیری بر مصادره ندارد

امراد ماده این است که کلیه اموال تحصیل به نفع دولت ، ضابطه می شود باید
من لغت کلیه اموال تحصیل که مالک خاص و مشخص ندارد به نفع دولت ضابطه می شود

وکتب مجازاً

جزای نقدی کارم ۶ و ۷ و ۸ با توجیه ساقط می شود

صنط اموال و ربه سے با فوت ساقط نمی شود

جزای نقدی سے با فوت ساقط می شود

و سوارت ۸

رئیس یعنی دارن وجه یا مال یا سند برداشت یا تسلیم آن به کارمند

دولت ، یا امخاص مذکور در قانون به قصد انجام یا عدم انجام کارمخص

ارتش یعنی اخذ وجه یا مال یا سند برداشت یا تسلیم آن به قصد

انجام یا عدم انجام کارمخص از سوی کارمند دولت یا امخاص مذکور

در قانون - رئیس که می گیرد سے می دوشم حرتش رئیس که رسوہ سے دھری سے می دوشم

رئیس

رئیس سے کس ایک کہ واسطہ بین رئیس و رئیس است در واقع

رئیس یا انجام اقداماتی مانند مذاکره ، جلب موافقت ، وصول و ایصال وجه ،

موصیات تحقق رئیس و ارتش را فراهم می کند

رئیس سے در حکم رئیس است و بنا بر این مقررات جم رئیس در مورد

رئیس اعمال می گردد

قواعد حکم بر رسم رسا و ارتشاہ

۱- صرف وعدہ دادن یا قول و قرار و صلح یا مال، رسا و ارتشاہ

مصوب غنی شود، افزون بر این، دادن مبلغ بکارمند دولت بر رسم انجام

و شیرینی، پس از انجام کار، رسا و ارتشاہ محسوب غنی شود

۲- انجام معامله بهای غیر واقعی و نیز انتقال مال بلا عوض بکارمند در قبالت

انجام یا عدم انجام کار، رسو و محسوب می شود

مالکیت رایش در محبت ماده ۵۹ مرقوم است و ضابطه رایش، مال مسروقه

را هم به عنوان رسو بکارمند دولت انتقال دهد یا بفروشد، مگر حکم

ماده است، هر چند که ممکن است در این موارد، ^{مقتوی} نیز صورت

بگیرد. ترتیب این ماده، مقرر م ۵۸۸ غنی شود. (اوران و همبران و کارمندان

همین باید تا نگردد که ماده ۵۹ مقرر کارمندان، همبران و اوران

غنی شود یعنی در مورد کارمندان، همبران و اوران رسو به شکل معامله محقق

غنی شود.

و معامله به جهت نامشروع بودن جهت باطل است

۳- رسا و ارتشاہ می تواند به شکل مستقیم یا غیر مستقیم صورت بگیرد، قبض

و اقباض نیز یکی ضرورت ندارد، و اصل حساب برتر، بر نیز به حساب من

رسا و ارتشاہ در صورتی محقق می گردد که آن چیزی که داده و گرفته شده،

و اعد ارزش مالی با اثر بنا بر این اگر شخصی در عوض چاپ مقاله ای در روزنامه

کاری را بر خلاف وظیفه انجام دهد یا از انجام آن کار خودداری نماید بر کسی

مصوب نخواهد شد همچنان که طرف مقابل نیز را کسی محسوب نمی شود

مگر این که جمله بابت چاپ مقالات بدون بکری در (محل است و اوستاد

مطرح شود یا بجهت من را در همان مدرسه دولتی ثبت نام کن، منم کارت رو

انجام می دهی، این رساله و ارساله نیست

اعلام نظری و در مواردی چون چاپ آگهی، بدون افزودن در روزنامه یا

تفریحی تا کسی یا بخسین بدی، و تظیر این موارد، رساله و ارساله محسوب نمی گردد

در واقع در جایی که توافق صورت گرفته متضمن جنبه مالی است، رساله

و ارساله محقق نمی گردد

در رساله و ارساله در صورتی محقق نمی گردد که آنچه که داده و گرفته شده،

ارزش اقتصادی اغوا کننده داشته باشد بنا بر این، انجام کار در قبالت تفریحی

یک بابت بسیار یا یک بسته رساله و ارساله محسوب نمی شود

در رساله و ارساله، منوط به وجود نوعی توافق، هر چند ظاهر من بین را می و

موتش است، در صورت فقدان این توافق، به بطور صدیقه و به بطور ضمنی

حکم به تحقق رساله و ارساله ممکن نخواهد بود، هر چند که از این شرط نباید

استنباط کرد که حکومت شخصی به رساله، عفا مستلزم محکوم کردن تفریحی

بباید که امرت زیرا ممکن است بنا به علل قانونی، مانند حفظ حقوق حقه، یا اضطرار یا همکاری از تعقیب کفره معاف گردد، حال آنکه در آن مجازات شود و بر عکس ممکن است (ازین روشه محقق نگردد بدون آنکه در آن این در میان باشد مانند اینکه شخص مالی را از دیگری دریافت نماید ولی تصور کند که مال دریافت کرده، به عنوان یا زبردافت دین یا ودیعه یا هدیه منزل نو یا نورسیده داده شده است در این جا امرت محقق شده علی رتشار محقق شده.

بنابر این می توان گفت که بین امرت و امرت ملازمه دائمی وجود ندارد.

۷- رتشار و امرت در صورتی محقق می گردد که چیزی که داده شده یا گرفته شده برای انجام یا عدم انجام امری باشد که مربوط به وظیفه سازمانی گیرنده است و وظیفه سازمانی لغایت می کشد و وظیفه خاص ملازم نیست. با این حال باید تأکید کرد که امر گیرنده وجه یا مال یا منتهایم یا بردافت وظیفه سازمانی نداشته باشد یعنی کاری که قرار است انجام شود یا انجام نشود مربوط به سازمان دیگری باشد. رتشار و امرت محقق نمی شود مانند آنکه کارمند شهر داری، وجهی را بابت تسهیل در اخذ گذرنامه دریافت نماید که تسهیل گذرنامه رتشار به شهر داری ندارد یا مأمور قضایی، وجهی را برای صدور یک مدرک تحصیلی که مربوط به آموزش و پرورش است قبول کند، در این موارد رتشار و امرت نداریم.

۸- مقدم بودن اقدمال یا سندی بر رافت نسبت به انجام یا عدم انجام کار مورد انتظار ضرورتی ندارد بلکه آنچه مهم است، توافق است بنابراین اگر توافق شود که در مجال انجام یا عدم انجام کاری مبلغی پرداخت شود هر چند این مبلغ بعد از اتمام انجام یا عدم انجام کار باشد، رشاء و ارتشاء محقق می شود، همین که رابطه سببیت احراز شود، کافی است (در مهم احراز رابطه سببیت است ولی توافق باید مقدم باشد)

۹- رشاء و ارتشاء از حیث عنصر مادی، در زمره جرائم مطلق محسوب می شود بنابراین، صرف گرفتن سند پرداخت، رتبه محسوب می شود هر چند که سند پرداخت با مراجعه به بانک، برگشت بخورد. به نظر می رسد که رشاء و ارتشاء موضوع ماده ۵۸۸ مقتد باشد

۱۰- رشاء و ارتشاء جرمی است عمدی و برای تحقق آن هم سوء نیت عام و هم سوء نیت خاص، لازم است

سوء نیت عام در این جا به خواهرت دارن یا ترس وجه یا مال یا سندی بر رافت یا سندی سوء نیت خاص در این جا به قصد انجام یا عدم انجام کار است

اگر رتبه و ارتقاء در بخش خصوصی هم نیت بنابر این امر کارمند بخش
خصوصی یا کارمند ارتقاء آنرا رسووه ببرد، هم نیت، هم خصی و اینها
همین چون آنها هم کارمند دولت محسوب نمی شود.

و اگر ارتقاء جزو... جرائم علیه اساسی و اعتقاد عمومی است پس مطلق است

۱۴- اهدا وجه یا مال یا مندر یافت یا تسلیم و طی ضد نیت، مشمول مقررات
تعدد هم نخواهد بود اصطلاحاً این جرائم می گوئیم جرائم استعدا را یافته
ضد حالت در این جا قابل تصور است.

(۱) دادن یا گرفتن ضد بار رسووه بیک کارمند بابت کار و اهدا نه این هم رتبه و
ارتقاء و اهدا است

(۲) دادن ضد بار رسووه بیک کارمند بابت کارهای متعده هم رتبه و
ارتقاء و اهدا است

(۳) دادن ضد بار رسووه بیک کارمند، بابت کار و اهدا (این جا رتبه و اهدا
است ولی ارتقاء متعده است)

(۴) دادن ضد بار رسووه بیک کارمند بابت کارهای متعده و تعدد رتبه و
و تعدد ارتقاء.

۱۔ در فرض رسوہ بہ کارندان دولت یا بہار عموی :
 مجازات رائی سے یا صیں - ۶ ماہ تا ۳ سال م ۵۹۲
 یا سلاق تا ۷۴ ضربہ سے دو ص ۶

مجازات رائی

۲۔ در فرض رسوہ بہ راوران صیزان، کارندان
 و نیرنگان (م ۵۸۸)
 مجازات رائی سے ضبط مال مورد رسوہ بہ نفع دولت
 مثلاً اگر بہ نیرنگ رسوہ رہے سے فقط ضبط مال بہ نفع دولت
 اگر بہ نیرنگ قانون رسوہ رہے موصول م ۵۹۲ است۔

مجازات رساوارتار

۱۔ در فرض کارندان دولت یا بہار عموی :
 نیرنگ ہم موصول ہین مورد است در صورتی کہ
 مرتکب بارہ۔ مادہ ۳ قی تعدید مجازات جرمین اورتار
 ۱۔ مبلغ تا ۲۰ ہزار ریال → انفصال از آجاہ تا ۳ سال
 انفصال در اتم در فرض مرتکب یا ہم تر از

مجازات رائی

۲۔ مبلغ از ۲۰ ہزار ریال تا ۲۰۰ ہزار ریال
 نیرنگ ہم می شود
 - جزای نقدی معادل قیمت مال
 - انفصال ۶ ماہ تا ۳ سال و درہ
 - اتم سے مرتکب یا ہم تر

ص ۲ تا ۵ سال

۳۔ مبلغ بیش از ۲۰۰ ہزار تا اعلیوں ریال
 جزای نقدی معادل قیمت مال تا وہ
 کلاً مرتکب یا انفصال دائم اند
 انفصال در اتم یا موت (۶ ماہ تا ۳
 سلاق تا ۷۴ ضربہ

۵ تا ۱۰ سال صیں در ص ۴

۴۔ مبلغ بیش از اعلیوں ریال
 جزای نقدی معادل قیمت مال
 مرتکب → انفصال در اتم یا موت ۶ ماہ تا ۳ سال
 سلاق تا ۷۴ ضربہ کم تر از مرتکب

در صورتی کہ جب صادر شدہ و بڑگت خوردہ یا نہ، مبلغ یک ہلاک جزای نقدی است

صیں ۶ ماہ تا ۲ سال
 جزای نقدی ۳ تا ۱۲ اعلیوں
 درہ

۲۔ در فرض راور، صیزان یا کارندان سے

مجازات مرتکب موصول م ۵۸۸ است
 این جا رسوہ بابت اظہار نظر است و
 مرتکب ہم مقنہ است۔

۱- در فرض غل: تزئین، دوختن، یا قلاب زنی - م ۳ ق ۳ تبصره

۱- افزوده بابت اظهار نظر کارشناس
۵۸۴ -

۲- در فرض غل: تزئین، دوختن، یا قلاب زنی (مغز درونش)

مجازات حبس
در صورت غل تزئین

۲- افزوده بابت نقد کردن بابت
خلاف واقع م ۳ ق ۳ تبصره

۳- افزوده بابت غیر جوار در غل
م ۳ ق ۳ تبصره
بابت این جا هم بابت
بابت این جا هم بابت
عمل کند

قصاص را در ظاهر اگر رسوایه گرفته باشند و بر این مبنا مجازات را تشدید کرده باشند

(یعنی اضافه مجازات بریدند) افزون بر مجازات ارتکاب مجازات عقوبت

زیاد نیز که تشدید کرده اند معلوم می شوند (هم مجازات ارتکاب را و در دوم

مجازات زیاد)

در موارد زیر راجع مجازات غل رسوایه

۱- رسوایه بر این حقیقت حقوقی محقق باشد (ملاک تشخیص حقوقی حقیقت، نوعی است)

۲- راجع مضطر باشد

۳- راجع غیر داغست رسوایه و این امر می کند

۴- راجع مضطرب باشد

۵- در ضمن تحقیق یا تحقیق اقرار کرده و مویدات تحقیق راجع را فراهم نماید که در این صورت
مجازات حبس یا اذعان در مورد او اعمال می شود لکن نصف مالی که پرداخته است لغو می شود

در مورد حالت نخست (رسوئه برای حفظ حقوق عقه بانة)

امتیاز افزوده، باطل غی نور، اما در حالت های بعدی، ترتیب از مجازات

معاف و مالی که به عنوان رسوئه داده به او برگردانده می شود لکن امتیاز ابطال

می گردد. شماره م ۵۹۲.

در حالت اخیر، درصورت تعقیب یا تحقیق اقرار کرده و موجبات تعقیب ترتیبی را فراهم نماید

که در این صورت مجازات صبی یا ساق در مورد او اعمال می شود لکن تعقیب

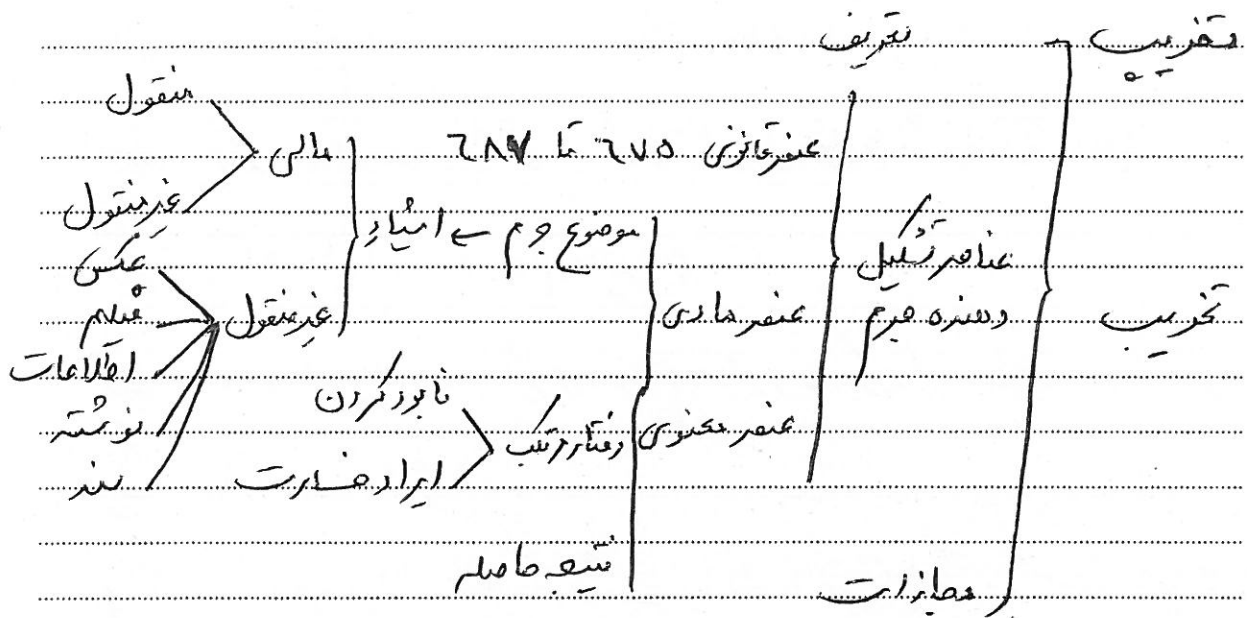
مالی که برداشته است به او مسترد می گردد.

در مجازات شروع به ارتشاء، در صورتی که ترتیب، کارمند دولت یا نهادهای

مجموعه بانة صاقل مجازات جم ارتشاء است حال آنکه شروع به ارتشاء

در مورد اطفال موضوع ماده ۵۸۸ جم نیت چون مجازاتی درجه ۲ است

درجه ۲ درجه ۲ یا شروع به جم ندارم.



تخریب عبارت است از نا جور کردن یا ایراد ضارت بر شیء و متعلق به غیر

بین تخریب، اللاداف و تخریب تفاوتی نیست، اللاداف و تخریب، همان تخریب است

بریدن سر عیوان هم تخریب است. سلسله ی این است، تخریب است

عشر مائین جوم تخریب

موضوع جوم در تخریب است امیاء است این امیاء می تواند مالی یا نه می تواند

غیر مالی یا نه، مالی می تواند منقول یا نه یا غیر منقول (تقریباً از عایش بر این است

که غیر مالی ذاتی منقول تخریب نمی شود)

عشر مائین می تواند عکس - فیلم - اطلاعات - نویسه - سند

وقتا و عتیب در جرم تخریب ہے یا در غالب نابودن کردن اہلک ، یا در
 غالب ایراد ضارت بانہ کہ میں تو اند با عقل بانہ یا ترک فعل
 از عتیب نتیجہ حاصل ہے جرم صد اہلک ۔

چنان ضارت بعدی تا تیری در جرم ندادند ، ممکن است صرفاً در
 تخفیف مجازات مؤثر بانہ ۔

جرم تخریب میں تو اند قابل لذت بانہ یا غیر قابل لذت (م ۱۰۴)

از عتیب عنقریب یعنی جرم عمدی است ولی با رؤیت عام واقع می شود
 رؤیت در این جا بہ معنای خواست نابود کردن یا ایراد ضارت با علم و
 اظہار بہ مال یا نفس در موضوع جرم ، پس اگر اہلک بانہ ، تخریب معاند آورد
 * رؤیت خاص شرط نیست *

نکات ۲۸

۱۔ موارد زیر تخریب محسوب می شوند:

- ۱) ریختن آب در آبر
- ۲) سوراخ کردن چرخ و سیدہ نقلہ
- ۳) کلد مال کردن چرخ های تزیینی
- ۴) یا شدن رنگ بر روی شی یا هر چیزی ^{ملا روی دیوار}
- ۵) نوشتن مطلب روی دیوار
- ۶) میاندن عکس بر روی دیوار بدین معنی کہ کندن آن متضمن ضارت بانہ
- ۷) ریختن مواد شیمیایی بر لباس و رفت کہ حتی عرش را کاشی دهد
- ۸) ریختن اسغال یا کثافت بر جای تعمیر
- ۹) برهم زدن رفتار و صندوق اہل متضمن ایراد ضارت شود
- ۱۰) زنجیر یا عقل زدن بہ وسیلہ نقلہ کہ حکم از کار انداختن را دارد

۱۱) پاک کردن الماعیات بدون فتن یا طهارت حائضه

۲- تحزیب مال مضع، هر چه محسوب می شود چنانکه معرفت مال مضع،

هر چه محسوب می شود

۱۲) خوات نامورد کردن یا ایراد خسارت لازمه نیت که نیت به همان مالی باشد نه

عملاً نامورد کرده یا خسارت دیده است مانند این که کسی ساعت دیگری را

ببروی بیست مائین دیگری بگوید به قصد این که بیست بیستد ولی ساعت بیستد

معاذت ۶ ماه تا ۳ سال
اگر خسارت بخواهد باید
دارد خوات دارد

مجازات تحزیب و

مجازات تحزیب در حالت عام در ماهه باید

معاذت ۶ ماه تا ۷

موضوع م ۲۷۷ مجازاتش قابل نیت است

موضوع ۶ مین یا اطلاق یا

خواتی قدری در ۶

آتش زدن

تحزیب عمارت بنا

صورت خاص اگر رفتار مرتکب در این جا غیر آتش زدن باشد، معمول عاده باید (۶۷۵)

در صورتی که رفتار مرتکب به قصد مقابله با حکومت امداد باشد، مجازات

مطابق اعمال می گردد (تفسیر ۱ م ۶۷۵ / تفسیر ۲ م ۶۷۵ / تفسیر ۳ م ۶۷۵)

۲- آتش زدن امیاء منقول - ۶۷۶ این عاده زاید است

موضوع عاده باید حل کرده است / م ۶۷۶ با توجه به م ۴۰۴ قابل

گذشت است / مجازاتش ۶ ماه تا ۳ سال مین است

۳۔ موردِ موع از تصورِ خاص، کشتن یا آلائفِ صیوانِ ملال کوہست دیکری یا
صیوانِ مینوع الشکار (م ۶۷۹) سے مجازاً اس ۹۱ روز تا ۶ ماہ اہست

و قابلِ لذتِ ہم مرتبہ
۸
۷

۴۔ شکار یا صیدِ صیوانات و حشرِ صفاقتِ ندرہ و (۶۸۰)

فرقہ بین شکار و صید نیز بعضی شکار کنی و وہ بہرام بیندازی (زندہ)

این جسم و غیرِ قابلِ لذتِ اہست ۳ ماہ تا ۲ سال صیوان
و فیضانی نقدی ۱۵ تا ۱۸ میلیون ریان

کشتنِ صیوانات و اہام کوہست متعلق بہ غیر لکڑ منقشہ رامسہ بانہ مشرول

ماہہ یا ہر اہست، در غیر این صورت جوہم نیزت۔

۶۷۷

۵۔ تخریبِ امانتِ دولت (این ہم غیرِ قابلِ لذتِ اہست) مجازاً اس ۲ تا

۲ سال صیوان

۲۔ نیم کردنِ مند، تخریبِ محبوبِ غما خورد

۶۔ تخریبِ امانتِ عادی و مُلاک یا قولنامه را تخریب کنی، جوہش قابل

لذتِ اہست، مجازاً اس ۳ ماہ تا ۲ سال اہست۔ (۶۸۴)

امانتِ دانگاہ آزاد سے دولتِ نیزت، پس امانتِ عادی و محبوب و مشرول م ۶۸۲ اہست

۶۸۴ - نصیب و غارت : ۶۸۴

نصیب یعنی تخریب / غارت یعنی برکت / و جم تبرک است و
غیر قابل لذت است . معجزات تبرک اگر غارت شد فتنه زور ۲ تا ۵ سال
است .

۸ - جرائدن محصول یا خراب کردن آن . معجزاتش هم ^{ملاقات است}
محصول هر اندازه مشمول ^{این} شماره نیست ۶۸۵
جم هم قابل لذت است

۹ - تخریب اهل علم و حکم فرما (قطعاً تخریب مضمون برحق است) معجزاتش در جم ۷
معجزاتش قابل لذت است . معجزاتش ^{یا}
یک میلیون و بیست و هفت هزار
ریال تا ۳ میلیون ریال
عزای نقدش

۱۰ - تخریب در میان فازه اقاوند تتر من فضا و سیره
تا ۳ درخت و عزای نقدش در هر سه از یک میلیون ریال تا ۱۰ میلیون ریال
بین از ۳ درخت و ۶ ماه تا ۳ سال میں
این جم و غیر قابل لذت است

۱۱ - تخریب وسائل مربوط به تأسیسات مورد استفاده عمومی . ۶۸۷
تخریب اموال دولتی ، مشمول م ۶۸۷ غیر مورد بین در هر طائیف میں را است
نیز هم تخریب عادی را بیدار کند / این جم و غیر قابل لذت است /
اگر مظل آنغال نصیب مدّه باشد ، مشمول م ۶۸۷ می شود .

اکثر این قریب به فقد مقابلہ با حکومت یا اخلال در تکم عمدی باشد،
 میزانت محارب تعیین می شود بقبره ۴ ۶۸۷ / بقبره ۲ هم نفع نده (م ۶۸۷)
 تخریب در م ۷۳۶ می یارده ها کلاً حذف نده یا غیر قابل پر رازش نده اند
 در فاره ۷۳۷ سیستم یا سامانه از کار افتاده است و در فاره
 عملی یارده از کار افتاده (در فاره ۷۳۷ سیستم تخریب نده است)
 ماره ۷۳۸ میزانت کم تر نده چون فقط یور تغییر داده نده
 کلاً تخریب را بماند این، غیر قابل نده است
 ۷۳۹ میزانت ندر نده - میں از ۳ تا ۱۰ سال

محاربه و ایجاد نا امنی در محیط با توسل به سلاح به قصد جان - مال یا

ناموس یا ارباب مردم

در سقہ تجرید السلاح لإغاثة الناس، دست به اسلحه بردن برای ایجاد اخلال

که بعضی عریان کردن سلاح
شرایط تحقق محاربه و

۱- توسل به سلاح، اعم از سلاح گرم یا سرد

سلاح باید واقعی باشد، در غیر این صورت، محاربه نیست

۲- ایجاد نا امنی در محیط، محاربه یک جرم مقید است بنابراین (کشدن اسلحه)

توسل به اسلحه محاربه نیست غیر آنکه سوز نا امنی در محیط شود (محیط یعنی محیط
تقریباً عمومی، نفس یک محبت قابل توجهی در نا امنی شود)

نا انہی باید نتیجہ کشیدن اسلام بابت نہ نتیجہ اخبار رسانندھا

۳- نامعین بودن مخاطب

در محاربه، مخاطب انزالاً باید نامعین باشد چنانچہ مخاطب معین باشد
بدر مطاربه مقصود نمیشود و در صورت امر موجب نا انہی در جمیع موارد (درین امر شخصی

بر روی چند نفر مخصوص یا یک نفر مخصوص) سداع بکسر، بر قتل و غیر محاربه نیست

فعلیہ مسؤل جرائم بشتر قتل عریض یا تظاہر یا قدرت نمایان است

پس در محاربه مخاطب باید نامعین باشد، پس اسید یا شصت موقع محاربه

نیست اسید یا شصت در عدالت دارد گاہ لغوی است

۴- وجود سوئیت فاعل و

وجود سوئیت فاعل، در جمیع محاربه عقیدہ جان یا مال یا ناموس یا

ارباب مردم است (منظور از مردم، جماعت نامعین است)

سوئیت عام در مطاربه عقیدہ کشیدن سداع است (عقیدہ جاری در

رفتار مجرب)

سوئیت گاہی بیضی است اسلام محبوب نمی شود

داشتن گاہی بیضی جمیع است، ولی اسلام در محاربه نیست

منظور از توسل یا کشیدن اسلام به غیر بکار بردن اسلام در نشان دادن

آن

با توجه به رعایت شرایط مذکور، مجازات محارب، یکی از موارد زیر است

۱- اعدام

۲- صلب و نیش به صلب می کشد و ۳ روز روی صلب می مانند

۳- قطع دست راست و پای چپ

۴- نقره بلد

انتخاب هر یک از مجازات های مذکور با درگاه است صرف نظر از اینکه محارب، کسی را کشته باشد یا نه یا بیان کرده در محارب

کسی را کشته باشد یا زخم درگاه می تواند به جایی مجازات اعدام،

مجازات قطع و صلب یا نقره بلد تعیین کند. با این حال اگر محارب

سنگ مخصوص داشته باشد، و اقدام محارب منطبق با تعریف قتل عمدی باشد

که در ماده ۲۹۰ آئین در این صورت محارب به قصاص نفس نیز محکوم

می گردد یعنی از باب قتل عمدی به قصاص محکوم می شود و از باب محاربه

به یکی از آن ۴ مورد محکوم می شود.

۴- به ماده ۱۳۳ توجه شود.

در تبیین در محاربه حداقل یک ل دست و در صورتی که محارب توبه نکند

هضای در تبعید یا قتل می مانند (یکال شمس) ، درم ۲۲۹ تبعید قهری بود.

مجازات شروع به مطاربه، عین درجه ۴ است و مجازات معاربت در

مطاربه عین درجه ۲ یا ۳ است -
صورتها فن عمارت و

جرام زیر در حکم مطاربه هستند:

۱- سلب امنیت مردم و راهها توسط سارقان، راهزنان و قاطعین

بهدشت به اسلامین برتر (م ۲۸۱)

۲- تحریک نیروهای نرزننده به قصد براندازی یا سلبت نیروهای خودی

۳- تحریک و سایل مردم را استفاده عموم (همان عبت تأسیسات) به قصد

مخالفت یا نفوت اسلام یا افلال در تنم و امنیت (شعبه ام ۶۸۷)

۴- آتش زدن بنا، عمارت، کس، هرابها، خزین و ... به قصد مخالفت یا

نفوت اسلام (۶۷۵)

در موارد مذکور، بلاطه، مجازات عمارت را (بسی از موارد ۴ مانده) را تقنین می کنند

و این مجازات، لزوماً اعدام نیست ممکن است نفس بلام یا نه یا قطع

دست راست و یا هر دو باشد.

افزارهای الارضی :

افزارهای الارضی از نوآوری‌های ق.م.ا. ۱۳۹۲ است ، قبل از این با مجامع ارقام ^۱

اولین بار افزارهای الارضی را است. منتظری برده ۶. مطوع شد

مردم با تحقق بیم افزارهای الارضی :

۱- ضمانت علیه تمامیت جسمانی افراد

۲- بیم علیه امنیت دافلی یا خارجی

۳- نشر اکاذیب

۴- افلال در نظام اقتصادی کشور

۵- احراق و تخریب اموال

۶- نفی نوار سس و میکرووی خطرناک

۷- دایر کردن مراکز غار و غیره یا معاونت در آن

۱- ارتعاب کرده
یا معاونت
در این موارد

۲- حدود بین از منابع زیره

۱- افلال شدید در نظم عمومی کشور

۲- ایجاد نا امنی در کشور

۳- ورود خسارت عمده . تمامیت جسمانی افراد یا اموال

۴- اعم فار یا غیره

۳۔ وجود عقیدت تبیہ یا علم بہ مؤثر بودن اقرامات

مبانی و اعداد

معاونوں سے عین درجہ ۲ یا ۳

کا شروع ہوجام سے عین درجہ ۴

مجازات

در صورتی کہ شرط سوم اقرار از خود (عقیدت تبیہ یا علم بہ مؤثر بودن اقرامات)

ترتیب بہ عین درجہ ۵ یا ۶ معکوس من شود ۲۸۶

مطرح افسار غنی الارض سے تدریجاً تراز خارجہ است چون مجازات در صورت

اعدام است / افسار غنی الارض عین است عقیدت

بغنی و در فقہ اہل عامیہ عجم علیہ حکومت را بغنی می گویند و عجم علیہ مردم

را محاربہ می گویند طبق قانون مجازات اسلام بغنی عبارت است

از قیام سلطانہ در برابر اسان نظام جمہوری اسلامی ایران ۲۸۷

بغنی، در صورتی محقق می شود کہ قیام سلطانہ توسط گروه بانڈہ میں کیا نیز یا

۲ نفر ہیچادہ نمی تواند ترتیب بغنی شود (بغنی) است کم یا ۳ نفر واقع می شود

یا بیشتر

۱۔ اگر گروه قیام سلطانہ کردہ بانڈہ ۲ حالت مقصور است

۱۔ بغنی از اعضاء متوسل - اسلم بدند ۲۔ حتمہ اعضاء متوسل بہ اسلم بدند

در طایفه که همه گروه از اسلحه استفاده کرده باشند همه به مجازات اعدام
 محکوم می شوند اما ضابطه برخی از اسلحه استفاده کرده باشند همان ها
 محکوم به اعدام می شود و اعضای دیگر اصل ماده ۲۸۸ می شوند
 طبق م ۲۸۸ در صورتی که اعضای گروه باغی قبل از درگیری و استفاده
 از سلاح، دستگیر شوند، ضابطه سازمان و مرکزیت آنها وجود
 داشته باشد به حبس تعزیری درجه ۳ و در غیر این صورت (یعنی اگر سازمان
 وجود نداشته باشد) با حبس تعزیری درجه ۵ محکوم می شوند

قیام سلطانیک حالتش با استفاده از اسلحه توسط همه اعضای اعدام
 یک حالتش با استفاده از اسلحه توسط برخی از اعضای (اینجا اعضای
 متوسل به سلاح اعدام، سایر اعضا به حبس درجه ۳ در صورت
 بقای مرکزیت، حبس درجه ۵ در صورت عدم قیام مرکزیت
 با استفاده از اسلحه توسط همه اعضای اعدام

اعضای متوسل به سلاح اعدام

حبس درجه ۳

سایر اعضا در صورت بقای مرکزیت

حبس درجه ۵

در صورت عدم قیام

مرکزیت

قیام سلطانیک

با استفاده از اسلحه توسط برخی از اعضا

تشکیل یا ادامه جمعیت غیرقانونی - ۴۹۸

ضد نفی در مورد ماده ۴۹۸

۱- برای تحقق جرم موضوع این ماده، حداقل ۳ نفر لازم است، با آنکه واقع غیر نوبت.

۲- جرم موضوع این ماده مطلق است اما بوردیت فاضل لازم است

بوردیت فاضل در این ماده عقده برهم زدن اهمیت کسور است من باید

به عقده برهم زدن اهمیت کسور باشد و الا جرم محقق نمی شود.

۳- اگر بیش از ۳ نفر هم در تشکیل و هم در ادامه، و حداقل کرده باشد،

مقررات نادر جرم، اعمال غیر نوبت (چون یک عنصر قانونی است)

۴- این جرم، هم چون همه جرائم علیه امنیت می در داخل واقع شود و در خارج

ترتیب بر اساس اصل صلاحیت واقعی، در ایران قابل مجازات است

مجازات ترتیب در این جا ۲ تا ۱۰ سال است یعنی جرم در مجرای است.

عضویت در جمعیت غیرقانونی (۴۹۹)

عضویت در جمعیت های غیرقانونی در صورتی جرم محسوب می شود که ترتیب از

اهداف آن جمعیت مطلع باشد، بر اساس این ماده فریب، اصل بر

این است که اطلاع داشته است و خود باید ثابت کند که مطلع نبوده

است. جرم مطلق است ولی بوردیت فاضل در (برهم زدن اهمیت کسور)

بوردیت فاضل - مفروض است.

عقودیت در محبت های غیر قانونی است حالت اجتماع است

تبلیغ علیه نظام (م ۵۰۰)

وقتاً و ترتیباً در جرم تبلیغ علیه نظام می تواند ارجح باشد مانند تبلیغ به نفع روهایی

مخالف نظام، هم چنین می تواند پس باشد تبلیغ علیه ارکان نظام

تبلیغ علیه نظام، متصور فعالیت تبلیغی علیه اساس نظام جمهوری

اسلام است پس مخالفت با مقامات، تبلیغ محبوب غیر خود

ملک باید شکایات مد نظر قرار بگیرد مثل شورای نگهبان، مثل اعضای

شورای نگهبان

تبلیغ علیه نظام، باید به شکل باشد که متضمن قصد بود باشد

یعنی قصد مخرب را داشته باشد انتقاد کردن تبلیغ علیه نظام محبوب

غیر خود بیان اطلاعات و تراغص نظام، تبلیغ علیه نظام نمی باشد

هر چند سرزنی وجود ندارد

تبلیغ علیه نظام جرم است مگر چون قانون بر فعالیت تبلیغی

استاره می کنند فعالیت تبلیغی مستلزم استمرار است پس به بی باره

واقع نمی شود هر چند که جرم مطلق است / مجازات این جرم ۱۸ ماه تا

سال است در مج ۷ است

برنام عليه امنیت مسؤل مقررات تعلق و حقوق غیر لوئر

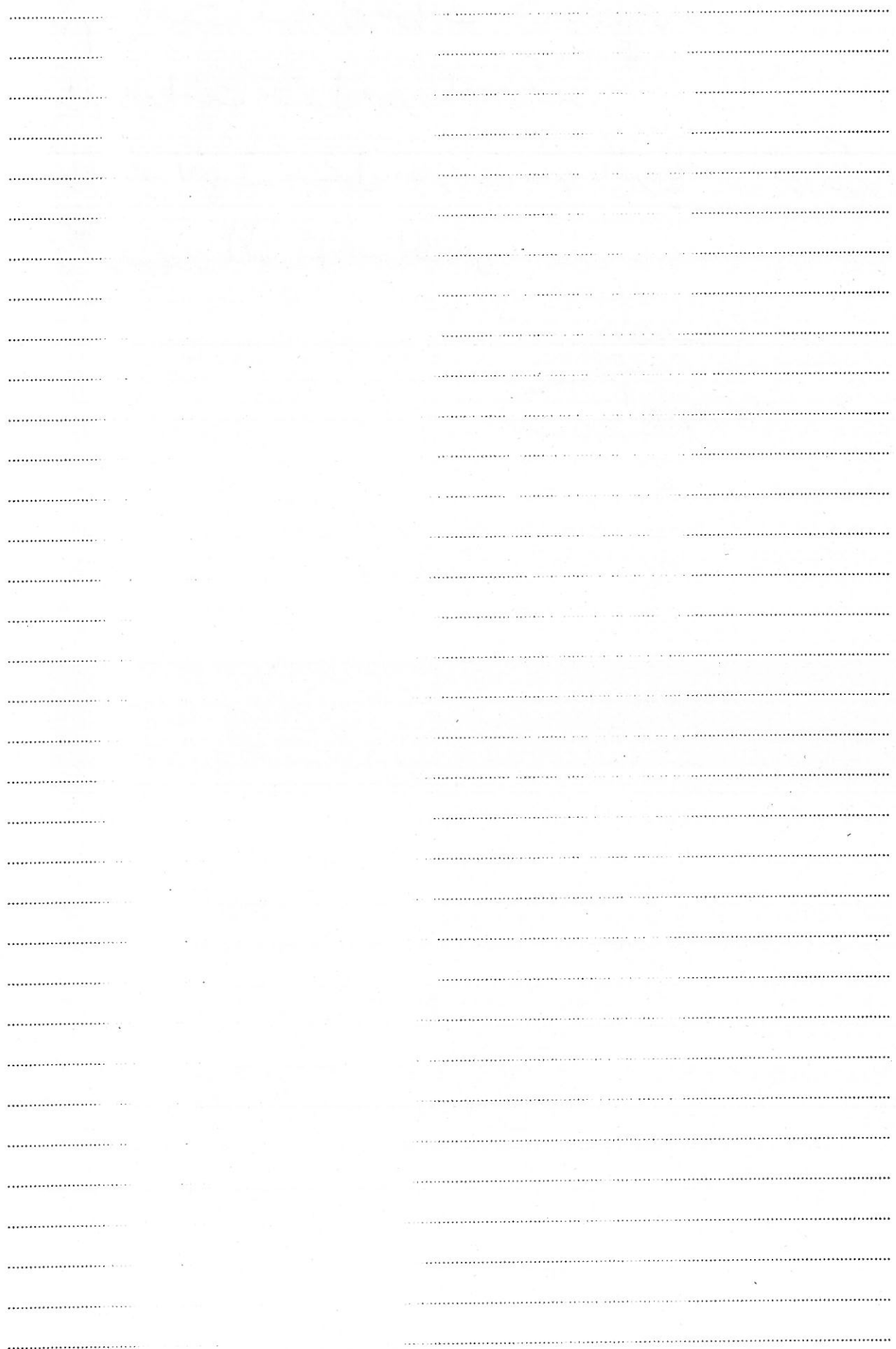
برنام عليه امنیت مسؤل مرور زمان غیر لوئر

برنام عليه امنیت مسؤل مجازات های جایگزین حبس قرار غیر لوئر

حق ترغیر عدوی یا بندگی صلح علیه اطلاعاتی

بایان عليه ۱۸

۹۳، ۹۴، ۹۵



حقوق جزا در کشور است - به نام خدایت - حلیه اخذ ۹۳، ۳، ۳۱

تعریف جالوسی در لغت جالوسی به معنای خیر چنین (خبر جمع کردن) است ولی

در اصطلاح قانون تعزیرات جالوسی به معنای تحصیل اطلاعات محرمانه و تجویز

آن بواسطه حاصل مأموریت (لازم نیست به زمین تجویز رسید)

در رویکرد قانونگذار جالوسی یعنی ضایع به کشور پس که به نفع ایران جالوسی

کنند ضایع به کشور نیست

عناصر تشکیل دهنده جرم جالوسی

عضو قانونی - ماده اول

موضوع - اطلاعات و اسناد محرمانه

عسیر مادی

رغبت و ترتیب فعل است (فعل خبری)

محرمانه سری

تحصیل اطلاعات

محرمانه عادی

تحویل اطلاعات

نهم تحصیل اطلاعات و ارائه اطلاعات است

لازم نیست به ترتیب ملامت در کس به اطلاعات را دانسته باشد یا توجه به

قید هر کس در ماده اول

از صفت نتیجه حاصله مطلق است (پس لازم نیست که امنیت ایران عاقل

وارد آورد) (چنانچه علیه امنیت اصولاً مطلق اند)

پس لازم

از حیث عنقریب معنوی - جم غیری است (مورد نیت عام در جم جانوسی
 معنی خواستگاران و اطلاعات به افراد فاقد صلاحیت با علم و آگاهی
 علم و آگاهی با اجتناب لازم است - ۱- علم و آگاهی به محرمانه بودن
 ۲- علم و آگاهی به عدم صلاحیت نیرنده اطلاعات

بعضی‌ها می‌گویند در این ماده مورد نیت خاص لازم نیست چون جم مطلق
 است ولی به نظر من باید مورد نیت خاص لازم است (از آنجا که در
 ماده گفته به خصوص که متضمن نوعی جانوسی باشد)

این مورد نیت در این جا به خواست جانوسی است
 بعضی باید به قصد صدور و حیاتی به مصلحت و راسته باشد و خواست جانوسی
 این به نظر من باید که جم جانوسی - مورد نیت خاص در رد
 مجازات جانوسی

بیانیه - اما سال (درج ۴)

مجازات جانوسی - معاون - ۵ یا ۶

شروع به جرم - ۵

برای نیرنده اطلاعات، مجازاتش بیست و نه است چون جانوسی جزو
 حقوق شورهاست (پس نیرنده اطلاعات مجرم نیت)

۴ ۵۰۲ سے جا لوس بفتح نیک دولت و بی ضرر دولت دیر سے جم نہت
 دیر اینتہ بہ امنیت ملی ایران صدر و وارڈ کنند میں ہم قصد است یونیت خاص دارد
 و پس یک امطالی دارد، لغتہ میں از جو ائم جا لوس نور عمر جز ماہ اول جم
 جا لوس دیر ہی دارم

حتیٰ ایرانی ہم خرتیب این جم نور (جا لوس) بفتح نیک دولت و بی ضرر دولت دیر
 مجرم نہت عمر این کہ بہ امنیت ملی ایران صدر و وارڈ کنند

مجازات امن سے یک تا ۵ سال میں است

۴ ۵۰۳ سے ماہ ۵۰۳ جم راضع ہی کند
 ۱۔ ورود بہ اماکن ممنوعہ
 ۲۔ قلم برداری یا نقش برداری یا
 عکس برداری از اماکن ممنوعہ

ورود بہ اماکن ممنوعہ و جرم مطلق است یا یونیت خاص، یونیت خاص
 در این جا قصد سرعت، قصد نقش برداری یا قصد تکب اطلاعات (یکس از این
 لغات ہی کند)، یونیت عامی قصد ورود است (قصد ورود بہ اماکن ممنوعہ
 علم و اطلاع ہم الزم است)

قلم برداری یا نقش برداری یا عکس برداری جم مطلق است، بدون یونیت خاص (ہی این
 یا فقط یونیت عام وجود دارد، یونیت عام در این جا قصد قلم برداری،

عقد نیت برداری ، عقد عکس برداری (صرف نیت نیتین در برین عکس برداری)

نیت) در وقت دوم لازم نیت و بر عکس برداری مقصدی فیم یا علی یا بد
گرفته شود یا مقصدی نیت یا بد گشوده شود

در در حالت اول و در در حالت دوم عجازات یک ماه تا ۳ سال (صین درجه ۵)
معاون هم که یک یا ۲ درجه یا این تر

م ۴.۵ - تحریک مؤثر نیروهای رزمنده یا مسلح و
این عاوه ۳ حالت را بیان می کند:

۱- تحریک مؤثر یا عقد بر اندازن یا تسلط نیروهای خودی و این عاوه ایست
بیم مطلق ایست (صور خاص عاوه ایست) یا نود نیت خاص (عقد بر اندازن یا
یا تسلط نیروهای خودی)

نود نیت خاص هم عقد تحریک ایست

۲- تحریک مؤثر بدون عقد بر اندازن یا تسلط نیروهای خودی و با نیت علی
اقتضات (تحریک مؤثر بوده در عمل هم مؤثر واقع شده) در این عاوه ایست

۲ تا ۱۰ سال صین (صین درجه ۴) هم مقصد یا نود نیت عام ولی
نود نیت خاص نیت ، فقط عقد تحریک دارد و عقد تحریک هم می تواند بود

نیت عام

۳- تحریرِ نوتر بدون قصد بر اندازش یا ملکیت نیروهای خودی و بدون تاثر عملی
اقدامات تحریر کرده، قصد بر اندازش و ملکیت نداشته، اقداماتش هم
در عمل نوتر واقع نشده -

مجازانش هم درجه ۱ است. جرم مطلق است با بود نیست عام (بود
نیست عامی عقد تحریر است)

کل ماده ساختارش با معاونت می ضرور منتهی می گردید، معاونت به عنوان جرم
استقلال

م ۵، ۵ قانون تعزیرات و

نوعی این ماده با ماده ۱۰۵ در بود نیست است در م ۵، ۵ لفظه
با هدف بر هم زدن

جمع بودنی اطلاعات طبقه بندی شده، یک موقع با در اختیار دیگران قرار دادن است
یک موقع بدون در اختیار قرار دادن است

در مورد اول مجازانش ۲ تا ۵ سال ولی جرم مطلق است با بود نیست خاص (قصد
بر هم زدن امنیت نوتر)

نیت خاص در این جا، عقد بر هم زدن امنیت نوتر

نیت عام ۵ تا ۵ سال حبس / جرم مطلق / با بود نیست خاص /
در این قسمت تقریباً در فرض شروع جرم است (شروع جرم هم جرم مطلق
است)

در صورتی که ترتیب بر این ارتقا باشد این حجم و عناوین روکش را نصب کرده باشد
(عصب نمازین و نماز) عملاً خودش را کارمند دولت معرفی کرده، فقط
به مجازات مذکور در م ۵۰۵ محکوم می شود یعنی از باب عصب نمازین
بر نماز قایل مجازات نیست زیرا مجموع جرائم در قانون و عنوان مجرمانه خاص
دارد.

مهم علامه لای تقوی است: حجم موضوع ماده ۵۰۵ اولاً غیر عمدی است زیرا
عنف جنسی آن تقصیر است یعنی شخص بی قصد عمل کرده اطلاعات از آن
خارج کرده تا بنا ترتیب آن روکش است یعنی در مورد سایر مسائل موضوعیت
ندارد و بالتأجیم، عصب نمازین ندارد، چون دیگر اطلاعات را تخلیه می کنند
تخلیه کننده قایل مجازات نیست و فقط تخلیه کننده قایل مجازات
است چون بی قصد عمل کرده.

مجازات حجم درجه ۷ است اما ۶ ماه حبس / سبب مجازات
جائزین نماز و اول قایل تخفیف است (جرائم علیه امنیت قایل تخفیف هستند)

۳ ۵۰۸ سے همکاری با دولت متخاصم
 حقوق بین الملل میں تو یہ دولت متخاصم بہ دولت لفظ ہی توڑ کہ در حال جنگ
 است اما بعد اس کے قانونگذاروں نے تنظیم مادہ ۵۰۸ میں یہ دیکھا
 دیکھتا ہے یا نہ بنا بر این ہی تو ان لفظ کہ منظور از دولت متخاصم دولت
 است کہ با دولت ایران رابطه خصمانہ و کینہ توزانہ داشتہ باشد
 شخص اپنے خصمانہ است یا خصمانہ نیت با قوہ قضائہ (قافرا) است
 همکاری با دولت متخاصم ممکن است همکاری سیاسی، اقتصادی یا جنگی
 است همکاری تبلیغاتی یا نہ

یہ همکاری غیر مکرر است یعنی شامل ہر نوع همکاری ہی ہو
 جم سے مطلق است

دولت خاصہ ہم لازم نیت
 مجازاتیں ہم سے یک تا ۱۰ سال
 همکاری یا گروہوں کے متخاصم مسئول (بہ مادہ ۵۰۸) توڑ

۴ ۵۰۹ سے همکاری با دولت متخاصم سے اس سال است یعنی انہ
 چالیس روزہاں جنگ سے اس سال است یعنی انہ
 دولت متخاصم بہ دولت در حال جنگ لفظ ہی توڑ

۵۶
۶۴ غیر عمدی است و کسی دیگری را زاری نمی کند

به نظر می رسد که م ۵۹ به م ۵۶ برایت نمی کند چون ماده ۵۹

به ماده های دیگر برایت می کند غیر از ۵۶

متصور از جنبه م ۵۹ به جنبه نرم خارج از است پس این ماده

اصل جنبه را فسخ یا جنبه سرد نمی شود جنبه هم کیفیت شده نوعی است

جنبه نرم به مشمول این ماده نمی شود

م ۱۰۱ به اتفاق جابوس موضوع م ۵۱۰ جوی است

ترکیب، ترکیب از ۲ چیز
۱- کتابی
۲- افعال

اول کتابی می کند و بعد افعال می کند هم چنین افعال جابوس، جوی است

مگر لازم است افعال سردی بدون عمدی از زبان است افعال در این ماده

لازم نیست که در شکل نهان کردن جابوس در یک محل مشخص باشد بلکه نرم کردن

جابوس هم مشمول این ماده می شود

چون به مطلق است اما لورنیت خاص را در (لورنیت خاص) نرم ۱۰۱

عقد بر هم زدن امنیت کور یا ملک بر دشمن (پس لورنیت خاص شرط است

پس اگر کسی بداند دیگری جابوس است مخفی هم کرده ولی عقد ملک بر دشمن

یا بر هم زدن امنیت را ندانسته باشد به عملی ظاهره و جرم نهی یعنی

مشمول این ماده نمی شود باید معاونت در جابوس بر تقم بگیریم

شماره ۱۰۵ م از ۱۰۵ م در موضوع تقدیر م ۱۰۵ م ترکیب است

ترکیب از ۳ جزیه

(۱) شماره ۱۰۵ م (۲) جزیه (۳) معرفت

به دستور بعضی بنام دولت حفظه

در عین حال به ۱۰۵ م مطلق است چون نفس معرفت تعاقب می کند و لازم

نیست دولت حفظه یا دولت بعضی از نفس معرفت کرده بر آن حال بود

استفاده کند (استفاده لازم نیست)

مجاز است به ۱۰۵ م در ۶ (۶ ماه تا ۲ سال حبس)

م ۱۰۵ م در موضوع ماده ۱۰۵ م، فواید و وسایل تعلیه عمومی است
(اماکن عمومی، مشرب این ماده نمی شود مثل تهدید به حبس زندان، در دادگاه)

به ۱۰۵ م در ۱۰۵ م، فواید و وسایل تعلیه عمومی است

در مقام مرتکب در این وجه یا در شکل تهدید است یا در شکل اعدا است

(اعدا یا تهدید یا در حالت یا در)

۱۰۵ م از حدیث عند معنوی به لودیت فاضل لازم و در لودیت فاضل در

این ماده فقط بر هم زدن امنیت کشور یا قصد شورش از حال عمومی

در اعدا کند به حبس زندان ولی فقط بر هم زدن امنیت یا قصد شورش

از حال عمومی نبوده مشمول این ماده نمی شود یا در با ماده های دیگر مجازات کنیم

غیر از مادہ ۵۱۱ موارد زیر را ہم داریم؛

تہدید

تہدید بارہ سے ۲۲۹

یک موقع تہدید ہمراہ با افادہ است ۲۲۸۴

تہدید با افسہ است ۶۱۷ این ہم مقرر است (ہم بر ہم سر)

تہدید ہمراہ با سرعت سے ۶۵۱ قی تقریرات

تہدید در غالب معاونت بر جرم سے ۴ ۱۲۶ ق ۱۴۱ (تہدید کنندہ ہی تواند معاونت یا نہ بہ شرطی کہ بہ ہر اگراہ نہ تمام)

تہدید در جرائم رایانہ ای سے ۴ ۷۴۳ بند الف و ب

مادہ ۵۱۲ سے تحریک یا اغوا یا اغوا ہی جرم بہ جنب و کسار یا تہدید

و جم مطلق است / اور نہایت فاسد را در (عقد بر ہم زدن امنیت کوٹرا)

تحریک یا اغوا یا نہ کل یا نہ پس تحریک یا اغوا ہی یک شخص بطور شخص

یا افراد محدودہ از یک جمع مشمول مادہ فی لود و مشمول مقررات معاونت

نہر جرم است

مجازات سے ۱ تا ۵ سال قید (در ج ۵)

مادہ ۱۱۵ سے سورہ عقد . قطعاً تجارت منافیہ عن تورد ہون سے قبل جو منحنی است

سورہ عقد سے یہ معنای شروع بہ قتل عمدی است یعنی اقرار بہ تورد

میں عملیات عقد عاقر را اسل عن تورد

۱۔ عمدی

۲۔ روئی ۳۔ عوہ
۳۔ جامع بزرگ تقلید اعم از اعلیٰ یا خارجی

صو جم مطلق است ولی سورہ نیت فاعل دارد (عقد کشتن)

مجازات تریک ۳ تا ۱۰ سال میں (یعنی میں درجہ ۱۴)

این مادہ بہ تقرر از یہ است چون مجازات شروع بہ قتل عمدی در م ۱۲۲

است

قاضی در حال حاضر ناگزیر مقررات عقد معصومی و اطلاق قرار دہم از باب

شروع قتل عمدی از این بستر است م ۱۲۲ تا ۵ تا ۱۰ سال از این م ۱۱۵

بستر است

م ۱۱۵

سورہ عقد بہ جان رئیس کتور یا نماندہ بسیار در صورتی جویم است کہ ہر اہ با معاملہ

متقابل یا نہ این معاملہ متقابل در ۲ نیز وجود دارد جویم انگاری (یعنی در ۲

کتور باید این عمل را جویم بدانند ۲۔ کثیر تدارکی

سورہ عقد سے جویم غیر قابل تہمت است اما استثناء سورہ عقد بہ جان

رئیس کتور حاضر یا نماندہ بسیار قابل تہمت است تبصرہ م ۵۱۷ و تقریر

توہین ۸

تعریف توہین ۸ توہین ۸ معانی استعمال الفاظ رکیک یا بجا نہیں صرف عادات توہین

نہایت بددیہی است

توہین بہ ہر دکان جو ہم نہایت ہر انداز میں ہونے لگے توہین بہ مخاطب ملکر ہو

البتہ امام و محدثات جو ہم است

کسی قیمت جو ہم است / موضوع جو ہم انسان زندہ است

توہین بہ رخصت حقوفا جو ہم نہایت - توہین بہ رخصت حقوفا جو ہم است

توہین کلمہ جو ہم نہایت مکمل توہین بہ ملت ہا، قومیت ہا مکمل توہین بہ لہر ہا

تعریف

عنفرتانوی سے ماوردہ جلیہ ۲۰۸

عنفرتانوی سے ماوردہ جلیہ ۲۰۸
موضوع جو ہم سے انسان زندہ
تعداد ترتیب سے فعل توہین انہی
تعداد ترتیب سے فعل توہین انہی
تعداد ترتیب سے فعل توہین انہی

عنفرتانوی سے عہدہ است با لائق عام

نتیجہ حاصل ہے مطلق است

واقعہ غی ٹور
 بقا ترکیب سے فعل امر ہے ، یا ترک فعل لامین فعل تَوْهِنِ امر میں آتا ہے لہذا

فوسلتہ یا حرکت بائے / تَوْهِنِ معنویں جمع نہایت ، فعل تَوْهِنِ امر بائے
 بائے نفس رکنک بائے میں تَوْهِنِ باکتابہ جمع نہایت

در تَوْهِنِ ، اور بحال بران نہایت عن آئے همان فعل تَوْهِنِ امر بائے
 و صلائی ب و صلائی بلبلد (معنی شروع کنندہ تَوْهِنِ) و صلائی ب و صلائی بلبلد (معنی شروع کنندہ تَوْهِنِ) جمع نہایت

تَوْهِنِ ب فور جمع نہایت عن آئے تظاهر بہ فعل عام بائے

فعل تَوْهِنِ امر لایزم نہایت حضور میں بائے ، تَوْهِنِ غایب ہم جمع امر

فعل تَوْهِنِ امر لایزم نہایت عنی بائے عن در برابر خاص

از صیغہ نیتہ حاصلہ جمع مطلق امر لایزم نہایت ترکیب از زردہ ٹور

از صیغہ عنقریب حضور سے جمع عنقریب امر بائے تَوْهِنِ عام (خواستہ استحال
 الفاظ رکنک یا بجا رکنک اعمال تَوْهِنِ با علم و اعراض بہ معنی علم و اعراض

بہ وقت تَوْهِنِ امر

علم ترکیب حاضر امر تَوْهِنِ کنندہ

مجاہزات تَوْهِنِ سے مذاق درجہ ۶ (تا ۴۴ فرسہ مذاق) یا خواہی تَوْهِنِ از

۵۰ هزار ریال تا ۱۰۰ میلیون ریال

توهین موضوع این ماده باید در معایر و احکام عمومی صورت بگیرد پس در غیر این

مکان ها یا نیز توهین ساده است / جرم غیر قابل نذرت است

توهین به کارمند دولت یا حکومت

توهین به زنان و کودکان

صور خاص توهین که توهین به مقررات است م ۵۱۳

توهین به کارمند دولت یا حکومت و

توهین در این جا باید یا در ضمن انجام فعل یا با سب انجام عطفیه من

اینکه یا علم و آگاهی به سمت هم باید یا نیز یعنی یا توهین به سمت / عطفیه غیر قابل

نذرت است / کارکنان دولت و اشخاص آزار دهنده در اوضاع تقلیدی مشمول این ماده نمی شود و آنرا می توان عطفیه از جمله این ماده در غیر نکرده

توهین به مقررات عملی است در شکل سب نیز یا نیز اگر در شکل سب نباشد

یا نیز ۱ حالت دادر یا اعلام است یا تفسیر تا ۷۴ ضمیمه (سب در

حالت حتی یا نیز - سب در حال عصب یا نیز - سب به نقل قول از دیگری)

سب در اینجا به این معنی است که اسم ساری در قرآن هستند

توهین به مقررات در شکل غیر سب نیز و در این جا مجازات ترتیب آناه

سال ۵۱۳ م به هر صورت در هر ۲ حالت، جرم غیر قابل نذرت است

تذریف بسیار یا هر یک از جعفر بن یا حضرت فاطمه، سب نیز محسوب می شود،

هر سب توهین است ولی هر توهین سب نذرت است و در سب این سب از ماده نذرت (۱۱)

توہینِ بیباک نذرِ عہدِ احمدی یا مقامِ رہبر ۵۱۴
۶ ماہ تا ۲ سال سے عین درجہ ۶ رسیدگی جرم درصلاصت (۱۰ ماہ انقلاب اہلک

توہینِ بددین کُورِ فارغی یا ٹائیدہ سبلسر ۵۱۷
اولاً باہرِ عینِ بائدہ ، ثانیاً باہرِ در فاک ایران بائدہ نہ فکر و ہوا میں و در باہر
ثالثاً باہرِ مشرورہ ، معادلہ مقابل بائدہ ، رابعاً باہرِ شکایت نہدہ بائدہ (س
جرم قابلِ نذرت اہلک) مجازاتیں انا ۳ ماہ عین (درجہ ۸) اہلک

توہینِ بد اخص در غالب حج و م ۷۰۰ سے قابلِ نذرت اہلک
ہجو سے نظم و نثر اہلک / مجازاتیں عین از یک تا ۶ ماہ (درجہ ۷)
ہجو عین بہ امتیاز کسین

توہینِ بدعت در غالب ہنگ سے : ۷۲۷ ق ۱۴ سے قابلِ نذرت اہلک

توہینِ در غالب تعویذات ^{مکتبہ} عمری (ہاں تعویذات خفیہ) مثل سلیں زردن : ۵۶۷ ق ۱۴
سلیں زردی و جاسین نفعدارہ (منظوریں توہینِ حرکتی اعلا تہی سے مشمول اینی مادہ اہلک در
اعلا تہی بنائدہ مشمول اینی مادہ غیر شور مثل شلک در آوردن سے قابلِ نذرت اہلک

توہینِ بددین (مخالف) در غالب قزوق شخص ^{کلیہ} (۴ ۲۵۲ ق ۱۴)

سے اینی جرم ، مقتد اہلک - کہ مخالف بہ واسطہ اینی نذرت از نذرت نہدہ بائدہ
محرم و بہ مجازات توہینِ محرم من شور

م ۲۵۳

شماره ۱ م ۲۵۱

ماده ۲۵۹ ق م ا

ماده ۲۵۸ ق م ا

ماده ۲۶۱

ماده ۲۶۱ ق م ا . یعنی ۲ فقره مدنی را حذف کنند

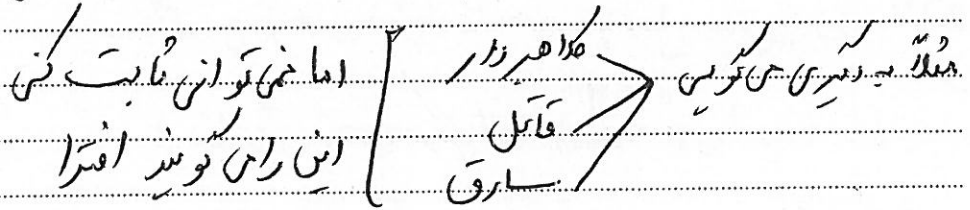
اختیارات و ماده ۲۹۷

اختیار یعنی انتصاب هم به دیگری (نسبت دادن هم به دیگری)

یا ناکواری از اشیاء تحت اینبار منسوب مختصی من قذف نوعی

اختیارات یا بندان مدنی هر قذف اختیارات اما هر اختیاری قذف نه است

قذف منقول این ماده نمی خورد / قذف - عنقر قانونی منقول در رد



اصولاً در انتصاب (یعنی انتصاب باید صریح باشد)

تربطاً حقوق اختیارات من مدنی به دیگری یا مال مردم خورد یا ضابطه از اختیارات

یعنی حکم است

۲- در مین شرط تحقق و وسیله ارتقاء است و وسیله این جا لوراق جاری یا غفل

در معنای غیر فزونی یا تحقق در جمیع یا هر وسیله این در (وسیله بر قید تفصیل شرط است

نه بر قید عصر) وسیله باید باشد و این نوعی هم نیست

۳- تا آنرا از اعمالات صحت استناد:

که بتوانند ثابت کند معتبر است / از تاریخ تا ^{فعلی} تا توان در اعمالات معتبر علی

بیک فرصت ثابت دارد

۴- وجود سؤنیست و سؤنیست در این جا به معنی خواست استقامت هم

به کسی با علم و آگاهی ^{که} بیفتاد هم او

کسی علی الامور به عنوان معتبر قابل تعقیب نیست در صورتی که بتواند ثابت

و ثابت کند

مجازات افتراء اِمامه تا اال میں و تا ۷۴ مرتبه سلاق (هر ۲

در معنی است) افتراء قابل نذرت است

صورت خاص افتراء

۱- استماع شمار ۷ باره ۷۹۷ ^{تقریب} غیر قابل نذرت است (تقریباً)

عین با وجود اعمالات صحت استناد

۲- انتار جریان رسیدن و نزار این پرونده یا مفاد حکم (عقلم قلمی شری) با زرف نام

شکر یا مضمون یا حکوم علی (۴ ۳۵۲ ۳ آرد) و این غیر قابل نذرت است

۱- آثار مشرور و مذاکره و ادب و غیر علی یا حلب غیر علی (مصرمانه) ،

افشای سر محبوب می شود .

۲- انقباب یکی از جرائم مواد مخدر به دیگری ؛

طبق م ۲۷ ق مایرزه با مواد مخدر هر ماه شخص دیگری را به متفرق

تغیب در مراجع ذمه صلاح تعهد و بی خلاف واقع متهم به یکی از جرائم مواد مخدر

تا م ۲۰ تا ۷۴ غیر به صلاح مکتوم می شود .

۳- قذف و قذف یعنی نیت دادن زنا یا لواط به دیگری هر چند کرده باشد

قذف کرده و هم است و این افترا به کرده و هم نیت -

در صورتی که قذف ، نیت یا حد بددیاری و ارتکاب نیت و ارتکاب نیت

متهم یا اعدای حد را مطالبه کند بر خلاف قصاص - م ۲۶ ق ۱۴۱

قذف ، قابل نیت است

۴- افترای عملی و ماده ۶۹۹

افترای عملی به معنای قرار دادن آلات و ادوات و آثار مجرم در تصرف دیگری

به قصد متهم نمودن (مسئله است که در قانون در خانه اش)
 دافل بیت اش
در خانه اش
در جانش اش

افترای عملی مجرم مقید است زیرا در اثر افترای عملی شخص یا به تحقیق شود

و پس بینداهی قطعی او اثبات شود بینداهی قطعی یا با حکم برائت ثابت

می شود یا با حکم منع پیش (قطعی) و هم مقید است یا نیت خاص

افتراضی علمی صورت یافتن دارد، صورت یافتن خاص عقده صتم کردن دیگری است

مجازات افتراضی علمی ۶ ماه تا ۳ سال یا ۱۴ ضرب و شلاق

افتراضی علمی می تواند مشروع - مجرم داشته باشد چون همین امر در ج ۵ است

افتراضی در جرائم مواد مخدر مشمول م ۶۹۹ نمی شود بلکه مشمول م ۲۶ قانون

مبارزه با مواد مخدر است

طبق ماده ۲۶ هر کس به عقده صتم کردن دیگری، مواد مخدر یا روان گردان های صنعتی

غیر دارویی و یا آلات و ادوات استعمال آن را در محلی قرار دهد به حد اکثر مجازات

چهار صدم محرم ضامن است

استعدا کاذب یا تخریب کتب بزرگ اظهار اکاذیب و ۶۹۸

اظهار اکاذیب به معنای نشر اکاذیب یا نیت داشتن خلاف واقع و تخریب

به عقده افتراء یا تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی

نیت خلاف واقع دیگری است مشتمل بر عنوان مجرمانه باشد، هم افتراء دارد

در غیر این صورت هم اظهار اکاذیب

عقده قانونی اظهار اکاذیب م ۶۹۸ / اظهار اکاذیب در جرائم بیانیه ای

ماده ۷۴۴

عقده های ۱ موضوع استخاص (امم از حقیقین یا حقوقی)

نشر اکاذیب

۱۔ رعنا خرننگ سے درغاب فعل است فعل در این جا ر یا نیت خلاف واقع

در نشر اکاذیب با بد از طریق این شماره و یا نر

۱۔ نامہ ۲۔ شکرانیہ ۳۔ گزارش ۴۔ عرض حال (عواض)

۵۔ اوراق جایی یا خطی

۲۹۸ میں در نشر اکاذیب کہ قیمت اول بارہ است وسیلہ موضوعیت دارد و اولی

در قیمت دوم بارہ کہ نیت خلاف واقع است وسیلہ ہم نیت

یا علم بہ نیت بودن

از حیث نتیجہ حاصلہ سے جم مطلق است

عام (خوانندگان اظهار اکاذیب)

می تواند عقد افترار بہ عمر یا عقد شویس از همان عمر یا

از حیث عنصر معنوی سے جم عمری است با نیت

مبارزات سے ۲ ماہ تا ۲ سال یا سداق تا ۷۴ ضربہ اقرون بہ

در ہر ازمان عاقبت رسمی یا نہ

اعادہ فیئیت

یا فخرانی

اگر از طریق رایا نہ یا نہ سے ۹۱ روز تا ۲ سال (درجہ ۶)

آخر کار ۷۴۶ جزای نقدی از ہر ماہ ۴۰۰۰۰ ریال (درجہ ۶)

اظهار اکاذیب بہ یا عدد ۲ مبارزات

در جایی کہ عقد شویس از همان عمر یا عاقبت رسمی است ، غیر قابل نیت

است پس در جایی کہ نشر اکاذیب بہ عقد افترار بہ شخص معین است اہم از

شخص معین یا معقود علیہ است ، جم در این صورت قابل نیت است

نشر اکازیب اگر بطور مسترده باشد ← حکم مفسر فی الارض دارد.

در نشر اکازیب یک نشر هم کفایت می کند

آدم ربایس ماده ۶۲۱

آدم ربایس یا احقاء ۸

آدم ربایس یعنی ربایس انسان زنده بدون رضایت (یعنی همان عتف محسوب

می شود و یعنی عدم رضایت) عتف
ماده ۳ توشیح بی زور
یعنی عدم رضایت و فریب
احقاف یعنی نهان کردن انسان زنده بدون رضایت او

۱- مفسر جرم بر آدم ربایس یا احقاء انسان زنده است هر دو مشمول حکم

قرار نمی گیرد هر چند که احقای هر دو یا جرم خالص است

حقیق کردن هر دو ← جرم خالص است / احقای هر دو جرم است ولی

مشمول این ماده نمی شود / مشمول ماده ۶۲۵ / احقای مشمول هم ماده ۶۳۶

و بدون فعل مکرر متوالی (نوزاد ربایس) مشمول ظانین ماده نمی شود (مشمول

م ۶۳۱ است)

۲- ربایس یا احقا باید با سوء نیت فاعل باشد سوء نیت در این جا به قصد

تمتیل آمده مانند مطالبه وجه یا به هر قصد دیگری انتقام

نیاید این اگر کسی را با عمد یا بر بامید ولی قصد سوء نیت داشته باشد مشمول ماده نمی شود

بلکه مشمول م ۵۸۳ می شود

امیر کس و میری را بر عقد ترک اعتبار بر باید ۵۸۴ (ماده ماده نبت بر ارم و باین)
در صورتی که شخص دیگری را هم بر باید و هم شخص کند ترک یک جرم کرده است
مربک همان جرم موضوع م ۶۲۱

ارم و باین است / افعال جری است مستند
در صورتی که شخص بر باید و شخص دیگری شخص کند هر کدام فاعل مستقل محسوب
می شود در صورتی که شخص در ارم و باین یا افعال فاعل فاعلی باشد و دیگری
فاعل معنوی، هر ۲ هم جرم را دارند پس اگر الف ب ب دستور
برودن ج را بدهد، الف ب هر ۲ مجازات است در ارم
ارم و باین محکوم می شوند -

مجازات ارم و باین ۵ تا ۱۵ سال حبس است یعنی درجه ۲
که این مجازات در ۳ مورد شدید می شود
۱- ربای از طریق وسیله نقلیه باشد که قتل و ربای از طریق وسیله نقلیه
مورد است

۲- سن روزه کرده کمتر از ۱۵ سال باشد
۳- آسیب جسی یا حیثیتی به فحش علیه وارد کرده باشد
ارم و باین هم مطلق است ولی اگر آسیب وارد شود مجازات مستند
می شود در حالت مستند مجازات ارم و باین ۱۵ سال حبس است
مجازات درجه ۳ است و درجه ۳ قابل تعلیق است ولی به دلیل تفریع
هر چند

در ۴۷۴ قابل تعلق نیت همصن شروع بر آدم ربایر ولس حوا و تیش به شرطی که
هم فاعل معنوی را ندانسته باشد قابل تعلق است

۹۴، ۷، ۲۱
ص ۲۱۰

آدم ربایر سے طایباً کردن

توصیف می توانند به فعل فخر کردن - صین یا طلب باشد
بندان کردن دستگیر کردن

حارصه بر عهد - حوصات همان ۵۴۶ - ۵۲۶

قائده قی و اعم بر امانه - ق م ا - ق تفرات

بیشتر معانی عمومی خواننده شود / اجبار مادی معنوی / همان ص ۲۱۰

بوسه بر غیبی هم نیت ۲ قایم ماره ندادند

